



معاونت امور زنان و خانواده
ریاست جمهوری



جمهوری اسلامی ایران
وزارت کشور

دبیروزن و خانواده

مجموعه جزوات آموزشی طرح ملی "توان افزایی زنان مدیر و مسؤول استان ها"

سازوکارهای نهادین و اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران در حوزه زنان و خانواده

ویرایش اول

معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری – دفتر امور زنان و خانواده وزارت کشور

۱۳۹۵

عنوان : سازوکارهای نهادین و اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران در حوزه زنان و خانواده-

ویرایش اول

تاریخ : دی ماه ۱۳۹۵

کارفرما: معاونت امور معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری

دفتر امور زنان و خانواده وزارت کشور

تدوین و تنظیم : گروه محققان، زیر نظر دفتر امور زنان و خانواده وزارت کشور

نشانی: معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری؛

خیابان نجات الهی، بعد از چهار راه سپند، پلاک ۱۶۲ تلفن : ۸۸۹۷۷۷۳۳ نمابر : ۸۸۳۸۶۰۱۱

نشانی: دفتر امور زنان و خانواده وزارت کشور؛

خیابان فاطمی، ساختمان وزارت کشور، ساختمان شهید رجایی، طبقه اول تلفن : ۸۸۹۶۰۵۶۷

نمابر ۸۸۹۵۷۵۲۳

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری و دفتر امور زنان و خانواده وزارت کشور می باشد.نقل مطالب با ذکر منبع بلامانع است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

پیشگفتار ۷

مقدمه ۸

بخش اول: آشنایی با سازوکارهای نهادین امور زنان و خانواده در جمهوری اسلامی ایران (مراجع حاکمیتی و قوای سه گانه)

الف: نهادهای فراقوهای ۱۴

ب: قوه قضائیه ۱۸

ج: قوه مقننه ۱۹

د: قوه مجریه ۱۹

بخش دوم: جایگاه خانواده در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران

نهاد خانواده در اسلام ۲۶

جایگاه نهاد خانواده در قانون اساسی، اسناد و سیاستگذارهای کلان کشور و تحکیم و حفظ آن با توجه به حقوق و ارزشهای اسلامی ۲۸

سیاستهای حمایتی از نهاد خانواده ۳۱

سیاستهای تشویقی و ترویجی در جهت تحقق کارکردهای خانواده ۳۸

بخش سوم: جایگاه زنان در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران

مقدمه ۴۷

حمایت از حقوق زنان ۵۰

حضور و مشارکت زنان در عرصههای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ۵۹

الف: سیاستهای تشویقی و ترویجی اشتغال زنان ۶۲

۱- سیاستهای تشویقی و ترویجی با قید اشتغال زنان ۶۲

۲- سیاستهای تشویقی - ترویجی اشتغال بدون قید زنان ۷۰

ب: سیاستهای حمایتی ۷۲

۱.۲- رعایت حجاب و عفاف بانوان و پرهیز از اختلاط زن و مرد در محیط کار ۷۴

۲.۲. ارائه خدمات، تأمین اجتماعی، بیمه بیکاری و بیمه درمانی برای زنان شاغل ۷۵

۱.۳- وضع قوانین و سیاستگذارها با توجه به هماهنگی میان ساختار شغلی زنان و نقشهای خانوادگی ۷۷

۲.۳- حمایت از مادران شاغل ۷۷

۳۳- تناسب شرایط محیط شغلی و شغل با ویژگیهای زنانه..... ۷۸

مشارکت سیاسی زنان..... ۸۱

بخش چهارم: سخن پایانی

۱- نکات قابل توجه در خصوص خانواده..... ۹۱

۲- چالش‌های اساسی حوزه زنان..... ۹۳

فهرست منابع..... ۹۷

پیشگفتار

با توجه به پیشرفت بسیار سریع علوم و فنون و تکنولوژی در جوامع و اهمیت تحقق وظایف و اهداف سازمان‌ها، اهمیت و لزوم آموزش منابع انسانی بیش از پیش ملموس می‌گردد. آموزش نیروی انسانی و ارتقاء توانایی‌های مدیران و مسؤولان فعال در حوزه امور زنان و خانواده، می‌تواند به عنوان یکی از برنامه‌های راهبردی شناخته شود. این بدان دلیل است که از دیدگاه مقام معظم رهبری، مسائل زنان و خانواده در رأس امور است. به معنایی دیگر، رشد و یا عقب ماندگی کشور به کیفیت این دو عامل پیوند دارد. بنابراین، پرورش نیروی انسانی پرورش یافته در مدیریت امور زنان و خانواده را می‌توان یکی از سرمایه‌های سازمانی دانست. درعین حال باید به این امر توجه داشت که آموزش و به‌سازی منابع انسانی، موجب بینش و بصیرت عمیق‌تر، دانش و معرفت بالاتر و توانایی و مهارت بیشتر نیروی انسانی در سازمان برای اجرای وظایف و مسؤولیت‌های شغلی می‌شود و در نتیجه، نیل به هدف‌های سازمانی و نظام مدیریت منابع انسانی با کارایی و ثمربخشی بهتر و بیشتر محقق می‌گردد. از این‌رو، در راستای اجرایی‌سازی تفاهم‌نامه متبادله بین معاونت رییس‌جمهور در امور زنان و خانواده و وزارت کشور به شماره ۱۴۸۱۶۶ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۵، با موضوع توان-افزایی زنان مدیر استان‌ها، اعضای شورای اسلامی شهر و روستا، دهیاران و شهرداران زن، برنامه "حمایت از توان‌افزایی زنان مدیر و مسؤول استان‌ها" طی همکاری مشترک، در دستور کار معاونت رییس‌جمهور در امور زنان و خانواده و دفتر امور زنان وزارت کشور قرار گرفت و مقرر گردید از کلیه ظرفیت‌ها، منابع و امکانات موجود هر دو دستگاه بهره‌گیری کامل و کارآمدی انجام گیرد و کارگاه‌های آموزشی در سطح استان‌های کشور برگزار گردد. سرفصل‌های آموزشی طی برگزاری جلسات تخصصی تعیین و هماهنگی‌های لازم با کارشناسان امر و متخصصین صورت پذیرفت. آنچه پیش‌رو دارید محتوای آموزشی با عنوان "سازوکارهای نهادین و اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران در حوزه زنان و خانواده" می‌باشد که توسط گروهی از محققان و زیر نظر دفتر امور زنان و خانواده وزارت کشور تدوین شده و امید است بتواند سهم مؤثری در ارتقای دانش و مهارت‌های مدیریتی زنان مدیر و مسؤول در استان‌های کشور و بهبود عملکرد آنان در حیطه برنامه‌ریزی توسعه استانی و محلی ایفا نماید.

مقدمه

زن، برغم ایفای نقش به‌عنوان نیمی از جمعیت بشری و عضوی جدی و غیرقابل چشم‌پوشی در کانون بزرگ جامعه انسانی و نیز یکی از دو رکن پدیدآورنده بنیان خانواده، در طول تاریخ داورهای گوناگونی را نسبت به خود دیده و شرایط بسیار ناهمگون و نامساعدی را پشت سر نهاده است. نگاهی گذرا به تاریخ چنین می‌نماید که زن در بیشتر مقاطع و جوامع، از نوعی محرومیت رنج برده و حقوق انسانی او تحت سلطه و سیطره مردان و فرهنگ مردسالاری تضييع شده است. این برداشت اگر همه‌جانبه و دقیق نباشد، اما با آنچه رخ داده است یک‌سره ناسازگار نیست. چنان‌که مانند این تضييع حقوق را در مورد کودکان و نیز طبقات ضعیف اجتماعی نیز می‌توان مشاهده کرد. البته هر کدام از این ستم‌دیدگی‌ها دلایل خاص خود را داشته است. اگر بخواهیم عوامل مؤثر بر حقوق زنان در جوامع بشری را به اجمال مورد توجه قرار دهیم، بخشی از آنها در زمره عوامل طبیعی و برخی در قلمرو شرایط اجتماعی و کارکردی جای می‌گیرد و بعضی به باورها و انگاره‌های فرهنگی بازمی‌گردد.

در این میان، شرایط اجتماعی و فرهنگی از جمله عوامل مهم رویکرد به حقوق زن و نوع نگرش و پردازش به آن است و این امر سبب شده تا موضوع حقوق زن در عصر حاضر با توجه به دگرگونی‌های مهم اجتماعی و فرهنگی با شدت و جدیت بیشتری مطرح شود و گاه به نگرش‌ها و اظهارنظرهای افراطی بینجامد. امروزه گروه‌های فمینیستی رادیکال، زنان را به گزینش صفات مردانه تشویق می‌کنند و برای جایگزینی زن به جای مرد در همه عرصه‌ها و دستیابی به برابری زن و مرد خواستار تجدید ساختار جامعه شده‌اند، زیرا به گمان آنها، نظام کنونی جامعه حاصل قرن‌ها تسلط مردانه است. صرف نظر از آنکه جریان‌های اجتماعی زن‌گرا موجبات توجه جامعه جهانی به جایگاه، وضعیت و موقعیت زنان را فراهم

آورده و از این لحاظ توانسته فرصت‌های مغتنمی برای بحث و واکاوی منطقی و علمی در این زمینه فراهم آورد اما به دلیل تقابل این دیدگاه‌های رادیکال با بسیاری از نظامات دینی و ارزش‌های بومی و فرهنگی جوامع شرقی و اسلامی، بدون شک همان‌گونه که دیدگاه‌های مردسالاری و تحقیرآمیز نسبت به زنان، به زیان هم مردان و هم زنان انجامیده است، باورهای افراطی فمینیسم با ایده زن‌سالاری و زن‌مداری نیز بیش از پیش به زیان زن و مرد خواهد بود.

در این فضای پرتحول که بیشتر ابعاد زندگی فرهنگی و روابط انسانی و اجتماعی دستخوش تغییرات و تجدیدنظرهای بنیادی قرار گرفته، بی‌تردید نگاه عطشناک و تحول‌طلب و انتقادگر نسل حاضر متوجه آموزه‌های دینی و قرآنی نیز شده است. نگرش متعادل قرآن، نه آن تفریط را برمی‌تابد و نه این افراط را، بلکه از نظر قرآن زن و مرد در انسانیت، برابر ولی از دو‌گونه خصلت برخوردارند. این دوگانگی از ساختار جسمانی و عاطفی آن دو سرچشمه گرفته است، همان‌گونه که آزادی و برابری انسان‌ها از طبیعت آنها الهام گرفته، دوگانگی کارآیی و وظایف آنها نیز از ساختمان وجودی آن دو ریشه یافته است. در واقع، اسلام با تعالیم آسمانی خود احیاگر حقوق زن است، به‌ویژه قرآن در عصر نزول، گام‌های بلند و اساسی را به سود زن و حقوق او برداشت، ولی هرگز در این میان زن‌بودن زن و مردبودن مرد را نادیده نگرفت، بلکه زن را همان‌گونه دید که در طبیعت هست. زن در قرآن همان زن در طبیعت است. کتاب تشریح (قرآن) با کتاب تکوین (طبیعت) یک برداشت را ارائه کرده‌اند و اوج سخن از حقوق زن در قرآن، همین انطباق و هماهنگی است.

با نگاه به مجموعه آموزه‌های اسلام در خصوص زنان، می‌توان دریافت که اسلام با بیان ارزش واقعی زن و خانواده و اثر وجودی آنها و حفظ کرامت و حقوق خانواده و زن، با تمامی تفکرات ناصواب و فرهنگ جاهلانه در خصوص زن و خانواده مبارزه نموده و خانواده را میدانی برای تجلی استعدادها، توانمندی‌ها و عواطف و احساسات زن قرار داد و در عین حال او را به عنوان عضو مؤثر جامعه و متمم حیات انسانی، در مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و اقتصادی پذیرفته و در سرنوشت جامعه شریک ساخته است.

جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان تجلی نظام مردم‌سالار دینی و برخاسته از متن اسلام و پیرو آموزه‌های اسلامی، این نگاه ارزشمند و تعالی‌بخش به جایگاه زن و خانواده را الگوی حرکت انقلابی خود قرار داد و به تحولی عظیم در تعالی بخشیدن به جایگاه رفیع زن و خانواده در عرصه‌های مختلف دست یافت.

تاریخ تحولات و شرایط اجتماعی و فرهنگی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، نشان می‌دهد که جایگاه زن در جامعه و نیز پذیرش نقش‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی به شدت متأثر از فرهنگ غرب و بنیان‌های فکری و فرهنگی آن قرار داشته و در حال تغییر هویت اسلامی-ایرانی زن و خانواده ایرانی بوده است. رویکردی که تنزل مقام والای زن و نیز افزایش بی‌عدالتی‌های گوناگون را نسبت به این عضو جامعه در پی داشت. چنانکه به فرموده رهبر فقید انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره)؛ در زمان شاه سابق به اسم اینکه می‌خواستند زن را آزاد کنند، به زن‌ها ظلم‌ها کردند، و وی را از آن مقام شرافت، معنویت و عزتی که داشت پایین کشیدند و فاسدالاخلاق کردند...^۱

با مروری اجمالی به شرایط آن دوران، می‌توان مجموعه‌ای از علل و عوامل ذیل را که موجب ممانعت از رشد شخصیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زنان شده بود، بیان نمود:

۱. فقدان تعریف درست از جایگاه، شخصیت و مقام و منزلت زن مسلمان ایرانی به عنوان عضوی از جامعه؛

۲. تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌های جنسی؛

۳. دیدگاه‌ها و نگرش‌های ناصحیح و کالاکونه به زن و تنزل جایگاه واقعی او؛

۴. ترویج و برتری تفکرات و دیدگاه‌های مردسالارانه در خانه و اجتماع

۵. ترویج و نفوذ اندیشه‌ها و مبانی فکری سکولاریستی غربی

۶. بی‌توجهی به جایگاه زن در خانواده

۷. فقدان سازوکارهای صحیح برای توسعه و حمایت از فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی زنان

۸. ضعف اقدام در جهت معرفی کامل و دقیق نگرش اسلام در باب مقام و منزلت زن و در نهایت تبیین نشدن چارچوب‌ها، ملاک‌ها و معیارهای شریعت اسلام در خصوص رسالت و جایگاه زن.

در این شرایط نظام جمهوری اسلامی ایران با عنایت و پیروی از دستورات و آموزه‌های اسلامی و توجه به نقش و جایگاه مردم و همچنین گسترش عدالت، توجه ویژه‌ای به مسائل زنان داشته و همانگونه که در بیانات بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری مشاهده می‌شود، درک ارزش و جایگاه انسانی زن و کوشش در جهت ارتقای سطح کیفی زندگی زنان جامعه، از مهم‌ترین وظایف

دولت اسلامی بوده است. به این ترتیب، نظام اسلامی بدون اتخاذ دیدگاهی افراط‌گرایانه (تجددطلبانه) و یا متحجرانه، موظف به اعتدال و توجه به شخصیت و کرامت انسانی زن در جامعه بوده و توانسته است با تکیه بر همین دیدگاه، حیات دوباره‌ای به جایگاه زن مسلمان و خانواده به عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی بخشیده، مقام و منزلت زن و خانواده را ارتقا بخشد و اقدامات بنیادینی را در جهت استیفای حقوق و زمینه‌سازی برای رشد و تعالی زنان و تقویت نهاد خانواده و پیشگیری از تزلزل آن به انجام رساند.

بر این اساس، زنان در برخورداری از حقوق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با مردان برابرند و تفاوت‌های فطری و طبیعی میان آنان با مردان که موجب ایفای نقش‌ها و تکالیف متفاوتی بوسیله زنان می‌شود، آنان را از برخورداری از حقوق انسانی مشترک با مردان محروم نخواهد ساخت.

اما مسأله مهم در خصوص حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی این است که، این موضوع همواره به دلیل اتخاذ رویکردهای گوناگون با مخاطراتی همراه بوده و هست. در واقع، ارائه الگویی برای برنامه سیاست اجتماعی مورد نیاز است که ویژگی‌های روحی و تناسبات عاطفی مورد نیاز زنان در خانواده و اجتماع و سایر نیازهای آنها برای کسب رفاه و انجام کامل نقش‌ها و مسؤولیت‌های چندگانه آنان را در نظر داشته باشد.

نگرش دینی به مسائل زنان، به دلیل پشتوانه اعتقادی و فلسفی برخاسته از منبع وحی و دیدگاه تکامل-گرای خویش که کرامت انسانی زن را در برابر دیدگاه‌های انسان‌گرای غربی، به چالش می‌کشد، نگاهی تازه به مسائل زنان به دست می‌دهد. اما با توجه به این رویکرد و با سپری شدن چند دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، برغم ارائه لوایح، تصویب قوانین، سیاست‌گذاری‌ها و همچنین ایجاد نهادها و مراکز مرتبط با موضوع زنان و خانواده جهت بازیابی هویت حقیقی زن و احیای حقوق و حضور مؤثر او در صحنه تحولات اجتماعی و رشد استعدادها و کرامت انسانی‌اش که طی سالیان گذشته با فراز و فرود بسیار مواجه شده بود، هنوز جایگاه مطلوبی از حضور مؤثر اجتماعی برای زنان، در عین ایفای نقش‌های آنان در درون مهم‌ترین نهاد اجتماعی یعنی خانواده و سطح رفاهی متناسب با منزلت، نقش‌ها و رسالت تاریخی ایشان در تمدن‌سازی و جامعه‌پردازی دینی ایجاد نشده است. لذا بررسی وضع موجود و ارائه راهبردهایی برای سیاست‌گذاری صحیح جهت رفع مشکلات زنان در عرصه داخلی و بین‌المللی و تنظیم خانواده و با توجه به نیازها و رسالت‌های فردی و اجتماعی آنها ضروری بوده و لازمه تحقق آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی در حوزه زن و خانواده تلقی می‌شود.

بر این اساس، ضرورت تبیین و توصیف کیفی جایگاه زن و خانواده و مسائل مربوط به آنان در محتوای نظام برنامه‌ریزی و متن سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها، قوانین و اسناد بالادستی کلان کشور و مصوب در نهادهای تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران، همچون؛ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری، سند اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن (مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی)، منشور حقوق و مسؤولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران (مصوب مجلس شورای اسلامی و شورای عالی انقلاب فرهنگی)، مواد قانونی در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، قانون حمایت خانواده، قانون تسهیل ازدواج جوانان (مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی)، قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست و نظایر آن، روشن می‌شود. این مهم نیز جز با شناخت مبنایی و دقیق وضع موجود و بررسی آن متناسب با نگرش خانواده محوری و آینده‌نگری مسائل استراتژیک نظام (از جمله مؤلفه‌های جمعیتی و...) حاصل نمی‌شود. در این نوشتار سعی بر آن است که ضمن تبیین و آشنایی با وظایف، مسؤولیت‌ها و مأموریت‌های مجموعه نهادهای اجرایی متولی امور زنان و خانواده در جمهوری اسلامی ایران، به تحلیل و توصیف مجموعه اسناد کلان کشور با محوریت جایگاه زنان و خانواده و مسائل مربوط به این دو حوزه پرداخته شود. مجموعه مطالب در زمینه اسناد بالادستی، در سه محور کلی «جایگاه ارزشمند نهاد خانواده و تحکیم آن»، «مشارکت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی زنان» و «استیفای حقوق زنان» و با در نظر داشتن مبانی فکری، دینی، فرهنگی و قانونی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران تبیین خواهد شد.

امید است که این تلاش اندک، برای خوانندگان مفید واقع شده و بتواند به ارتقای مباحث مربوط به این

حوزه یاری رساند.

بخش اول:

آشنایی با سازوکارهای نهادین امور زنان و خانواده در جمهوری اسلامی ایران (مراجع حاکمیتی و قوای سه گانه)

از جمله اقدامات بنیادین نظام جمهوری اسلامی ایران، تلاش در جهت استیفای حقوق و زمینه سازی برای رشد و تعالی زنان و تقویت نهاد خانواده و پیشگیری از تزلزل آن بوده است. در ارتباط با این موضوع و در راستای اجرای قوانین مصوب به ویژه اصول ۱۰ و ۲۱ قانون اساسی مبنی بر «ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی وی» و «تسهیل در تشکیل خانواده و تحکیم آن»، علاوه بر تدوین مجموعه قوانین، مصوبات، سیاست‌ها و خط مشی‌ها در اسناد بالادستی، سازوکارهای نهادینی طراحی و بنیان نهاده شده است. ساختار و تشکیلات امور زنان و خانواده در حوزه حاکمیتی و قوای سه‌گانه در اشکال مختلفی از قبیل ستاد ملی زن و خانواده، شورای فرهنگی و اجتماعی زنان (زیر مجموعه شورای عالی انقلاب فرهنگی)، دفاتر و یا فراکسیون و کمیسیون زنان و خانواده در قوای قضائیه و مقننه و همچنین در قوه مجریه حوزه معاونت امور زنان و خانواده در نهاد ریاست جمهوری، مقام مشورتی در سطح بالاترین مسؤول دستگاه‌های اجرایی (وزرا)، دفاتر و کارگروه‌های تخصصی در ستاد و صف وزارت کشور به عنوان دستگاهی حاکمیتی؛ از جمله پیش‌بینی‌های ساختاری و تشکیلاتی در جمهوری اسلامی برای پیشبرد امور زنان و حل مشکلات پیش روی خانواده هستند.

فلسفه وجودی حوزه‌های امور زنان و خانواده، حمایت، پشتیبانی، رصد امور و جلب حساسیت مدیران و مسؤولان نسبت به موضوع خانواده و مسائل زنان و اقتضائات خاص و ویژه آنان در جهت رشد زنان و

تحکیم نهاد خانواده است نه آن که خود به عنوان یک حوزه اجرایی و عملیاتی، متکفل انجام وظایف و مأموریت‌های دستگاه‌های اجرایی شده و عملاً موجب تفکیک حوزه عملکردی دستگاه‌ها به دو بخش زنانه و مردانه باشند و رافع مسؤلیت عمومی بخش‌های اجرایی نسبت به مطالبات نیمی از ذی‌نفعان و جامعه هدف دستگاه‌های دولتی (زنان و دختران) گردند. در ادامه برای آشنایی بیشتر با این نهادها، به شرح اجمالی وظایف و اهداف تأسیس آنان می‌پردازیم.

الف: نهادهای فرافوه‌ای

شورای فرهنگی - اجتماعی زنان

در دهه دوم انقلاب اسلامی، شورای فرهنگی - اجتماعی زنان زیر مجموعه شورای عالی انقلاب فرهنگی اولین ساختاری بود که در سال ۱۳۶۶ به پیشنهاد رئیس جمهور وقت حضرت آیت الله خامنه‌ای برای تمرکز بر مسائل زنان شکل گرفت. این نهاد بر اساس یکصد و پانزدهمین مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی کشور، در تاریخ ۱۳۶۶/۰۳/۱۹ تشکیل و فعالیت خود را عملاً از تیرماه ۱۳۶۷ آغاز کرد. شورا شورای فرهنگی - اجتماعی زنان، نهادی است که به منظور سیاستگذاری و برنامه‌ریزی کلان، در مسایل فرهنگی و اجتماعی زنان و ایجاد هماهنگی‌های لازم در این امور فعالیت می‌نماید.

در ماده ۱ این آئین‌نامه، شرح وظایف و اختیارات شورای فرهنگی اجتماعی زنان به شرح ذیل بیان شده است:

۱. تدوین و پیشنهاد سیاست‌های لازم به منظور ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و تسریع در بازیابی ارزش و کرامت انسانی و تأمین حقوق همه جانبه زنان بر پایه موازین اصیل اسلام و تدوین الگوهای مناسب؛

۲. تدوین و پیشنهاد سیاست‌های لازم به منظور شناخت ویژگی‌های مثبت فرهنگ اقوام و مقابله با تضعیف آن، همچنین ریشه‌یابی و مقابله با مظاهر منحط فرهنگ‌های بیگانه و انحرافات اخلاقی و نیز زدودن بقایای بینش‌های متحجر که به نام مذهب در جامعه وجود دارد و آثار ستم و تبعیضی که از دوران نظام طاغوتی بر جامعه بانوان تحمیل شده است؛

۳. تدوین سیاست‌های لازم، برنامه‌ریزی و ایجاد هماهنگی در برنامه‌های پیشنهادی دستگاه‌های اجرایی برای تقویت هرچه بیشتر نهاد مقدس خانواده بر مبنای آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استوار ساختن روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی و بررسی کارشناسی و ارائه پیشنهاد به دستگاه‌های مختلف اجرایی در زمینه‌های مزبور؛

۴. تدوین سیاست‌های لازم، برنامه‌ریزی و ایجاد هماهنگی در برنامه‌های پیشنهادی دستگاه‌های اجرایی برای استفاده بهتر دختران و بانوان از اوقات فراغت خود (از طریق استفاده مناسب از وسایل و امکانات ورزشی، آموزشی، تفریحی، هنری، رسانه‌های همگانی و غیره) و بررسی کارشناسی و ارائه پیشنهاد به دستگاه‌های مختلف اجرایی برای برنامه‌ریزی؛

۵. تهیه طرح‌هایی جهت ارتقاء سطح آگاهی‌های عمومی و سوادآموزی و بررسی سیاست‌ها و شیوه‌های مناسب در زمینه‌های آموزش و پرورش و تحصیلات عالی زنان؛

۶. بررسی زمینه مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و هنری و بررسی نحوه رفع مشکلات و موانع موجود در راه گسترش اینگونه فعالیت‌ها؛

۷. بررسی و تدوین طرح‌های مناسب برای حل مشکلات زنان بی سرپرست و حمایت از آنها و همچنین بررسی وضع و شرایط شغلی بانوان؛

۸. اتخاذ تدابیر برای هماهنگ‌کردن فعالیت‌های مراکز و سازمان‌های فعال در امور فرهنگی و اجتماعی زنان و عنداللزوم ارائه طرح و پیشنهاد به شورای عالی انقلاب فرهنگی؛

۹. پیشنهاد تحقیق در مسائل مهم فرهنگی و اجتماعی زنان به اشخاص و مراکز صلاحیت‌دار و حمایت از نظریه پردازان، متفکران و دانشمندان مسلمان که به تبیین دیدگاه‌های اسلامی در زمینه خانواده و اجتماع می‌پردازند و کمک به ایجاد هماهنگی در برنامه‌های تحقیقاتی؛

۱۰. مطالعه و ارزیابی مستمر وضع فرهنگی و نهضت‌های انقلابی زنان در کشورهای دیگر به خصوص در کشورهای اسلامی؛

۱۱. برنامه‌ریزی برای توسعه مناسبات فرهنگی با جوامع و نهضت‌های انقلابی زنان در کشورهای دیگر به خصوص در کشورهای اسلامی؛

۱۲. اظهار نظر و یا تصمیم‌گیری در مواردی که از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی واگذار می‌شود؛

۱۳. پیشنهاد ضوابط و معیارهای فعالیت‌های مراکز فرهنگی- تبلیغی زنان و نحوه نظارت بر آن فعالیت‌ها.

از جمله عمده‌ترین فعالیت‌های این شورا در عرصه سیاست‌گذاری، ارائه و تدوین «طرح حجاب و عفاف و نشر حقوق و مسؤولیت‌های زن مسلمان» بوده است.

کمیته خاص بانوان و جوانان مجمع تشخیص مصلحت نظام

کمیته خاص بانوان و جوانان مجمع تشخیص مصلحت نظام، به‌عنوان یکی از کمیته‌های مجمع، از سال ۱۳۷۶ تشکیل گردیده است. این کمیته با استفاده از نظریات صاحب‌نظران در سطح کشور، سیاست‌های ملی را درباره زنان و جوانان تدوین می‌کند و جهت بررسی و تصمیم‌گیری به مجمع پیشنهاد دهد.

کمیته خاص بانوان و جوانان مجمع تشخیص مصلحت نظام، در راستای اهداف دبیرخانه این مجمع با هدف تدوین و پیشنهاد سیاست‌های کلی نظام به منظور تحقق آرمان‌های مقدس انقلاب اسلامی و ارائه نظرات مشورتی جهت رفع اختلاف مجلس و شورای نگهبان و حل معضلات نظام در خصوص دو قشر زنان و جوانان به دبیرخانه مجمع، کمیسیون‌ها، دبیر محترم و رییس محترم مجمع تشکیل شده است.

وظایف کمیته با اقتباس از وظایف دبیرخانه و کمیسیون‌ها به سه بخش تقسیم می‌شود؛

۱) پیشنهاد سیاست‌های کلی زنان، جوانان، خانواده، اوقات فراغت، ورزش؛

۲) ارائه نظر در خصوص موارد اختلافی مجلس و شورای نگهبان با موضوع زنان و جوانان؛

۳) ارائه نظر کارشناسی در خصوص زنان و جوانان به رییس، دبیر و کمیسیون‌های دبیرخانه و مجمع.

بر اساس این بخش‌های سه‌گانه، موارد زیر را می‌توان به عنوان مشروح وظایف کمیته عنوان نمود:

- تهیه پیش‌نویس سیاست‌های کلی زنان، جوانان، ورزش، اوقات فراغت و خانواده جهت ارائه به کمیسیون‌های اصلی؛

- ارائه نظر در خصوص موارد اختلافی مجلس و شورای نگهبان با موضوع زنان و جوانان؛

- ارائه نظرات و گزارش‌های تخصصی در موضوعات زنان و جوانان مورد درخواست ریاست محترم مجمع و دبیر و کمیسیون‌ها؛

- انجام مطالعات و بررسی‌های کارشناسی به منظور تقویت و جامعیت بخشیدن به ابعاد تخصصی و علمی سیاست‌های کلی پیشنهادی؛
- گردآوری کلیه مطالعات و تحقیقات و نظرات موجود در کشور در موضوعات مطروحه؛
- انجام مطالعات تطبیقی و مقایسه‌ای با کشورهای مسلمان و دیگر کشورها؛
- برقراری ارتباط مستمر با مراکز مختلف پژوهشی و علمی و دعوت از متخصصین و صاحب نظران و تشکیل گروه‌های تخصصی؛
- ارائه نظر و تشکیل جلسات مشترک با کمیسیون‌های دبیرخانه در خصوص موضوعات مرتبط با زنان و جوانان؛
- حضور در کمیسیون‌های اصلی و دفاع از پیش نویس سیاست‌های کلی یا موارد اختلافی؛
- برگزاری نشست‌ها و سمینارهای تخصصی زنان و جوانان در حیطه وظایف کمیته و دبیرخانه؛
- نظارت بر تحقق سیاست‌های کلی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری و بررسی و ارزیابی تبعات و آثار اجرای سیاست‌های کلی مصوب.^۱

ستاد ملی زن و خانواده

تشکیل کمیته ملی زن و خانواده در بهمن ماه سال ۱۳۸۵ توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی پیشنهاد گردید و آئین نامه تشکیل آن در جلسه ۶۸۲ مورخ ۸۹/۱۱/۲۶ همین شورا به تصویب رسید. در ماده ۱ این آئین نامه، هدف از تشکیل این ستاد که به ریاست معاون اول رئیس جمهور و عضویت ۱ وزیر و ۱۱ نفر از رؤسای دستگاه‌ها پیش بینی شده، به این شرح بیان شده است: «به منظور تحقق اصول دهم و بیست و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ستاد ملی زن و خانواده که در این آیین نامه به اختصار ستاد نامیده می‌شود، با هدف تقویت و تحکیم نهاد مقدس خانواده و پاسداری از قداست آن و استوار ساختن روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی و حفظ و ارتقای جایگاه زنان در تراز جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌شود».

در این آئین نامه شرح وظایف ستاد بدین شرح بیان شده است:

۱ برگرفته از پایگاه اطلاع رسانی مجمع تشخیص مصلحت نظام

۱. تنظیم سیاست‌های اجرایی، راهبردها و آئین‌نامه‌های اجرایی به‌منظور تحقق سیاست‌ها، دستورات و اوامر مقام معظم رهبری، سیاست‌های کلان نظام مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی و مصوبات مجلس شورای اسلامی در موضوع زنان و خانواده؛
۲. تعامل فعال با مجلس شورای اسلامی و قوه قضائیه در زمینه تهیه و تدوین آئین‌نامه‌ها، لوایح و طرح‌های پیشنهادی به دولت و مجلس شورای اسلامی و تنظیم راهکارهای اجرایی مصوبات آنها؛
۳. تعیین شاخص‌های سنجش وضعیت زنان و خانواده متناسب با ارزش‌های اسلامی در عرصه‌های مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی در سطح ملی و بین‌المللی؛
۴. تنظیم و تصویب ساختارها و برنامه‌ریزی، ساماندهی و هماهنگی فعالیت‌های دستگاه‌ها درخصوص زنان و خانواده؛
۵. نظارت و ارزیابی مستمر بر میزان تحقق اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی در دستگاه‌ها و ارائه گزارش دوره‌ای به شورای عالی و سایر مراجع ذی‌صلاح در حوزه زنان و خانواده.

ب: قوه قضائیه

دفتر امور زنان و خانواده قوه قضائیه

این دفتر از سال ۱۳۷۳ به دستور رئیس قوه قضائیه با عنوان "دفتر امور زنان قوه قضائیه" تشکیل شد. هدف از تشکیل این دفتر پیگیری و تحقق ماده ۱۰ قانون اساسی یعنی استحکام خانواده و جلوگیری از متلاشی شدن خانواده و تبیین ارزش‌های زن در خانواده و حفظ حقوق زنان از طریق آگاهی دادن به افراد می‌باشد. در این راستا، دستور کار اصلی این دفتر، رفع خلأهای قانونی موجود در حوزه مسائل زنان و خانواده و یا شناسایی قوانینی است که در این زمینه نیازمند اصلاح می‌باشد. اعضای دفتر در اجرای این هدف، در کمیسیون‌های مختلف قضایی و کمیسیون‌های مرتبط در مجلس شرکت و عنداللزوم در مرحله تصویب بعضی از قوانین (مثل ماده ۱۱۷۳) ایفای نقش می‌کنند. حضور مستقیم در تشکیل دادگاه‌های خانواده و تلاش در راستای توسعه امنیت قضایی و حفظ شخصیت و حمایت از زنان در مراجع قضایی از جمله فعالیت‌های اعضای این دفتر است.

ج: قوه مقننه

در قوه مقننه، فراکسیون زنان و خانواده مجلس شورای اسلامی و نیز گروه خانواده و زنان در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دو بخش عمده برای بررسی مسائل زنان و خانواده و ارائه نظرات حقوقی و کارشناسی برای ارتقاء و بهبود وضعیت آنان است.

د: قوه مجریه

معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری

در سال ۱۳۶۱ (دولت ششم)، تأسیس "دفتر امور زنان" زیر نظر رئیس جمهور در شورای عالی انقلاب فرهنگی، تصویب شد. این دفتر فعالیت خود را با هدف ارتقاء و بهبود وضعیت زنان و ارتقای توانایی‌های آنان برای شکوفایی و تحقق استعدادهای خود در جهت تعالی و توسعه جامعه اسلامی سامان داد و رئیس این دفتر با عنوان مشاور رئیس جمهور در امور زنان، فعالیت خود را آغاز کرد. در دولت هفتم، این دفتر، ضمن ارتقاء سطح به مرکز، با عنوان "مرکز امور مشارکت زنان" به فعالیت خود ادامه داد. با تغییر رویکرد در دولت نهم؛ عنوان این مرکز نیز به "مرکز امور زنان و خانواده" تغییر یافت. مرکز امور زنان و خانواده در واپسین روزهای کار دولت دهم به سطح "معاونت ریاست جمهوری در امور زنان و خانواده" ارتقاء داده شد و تاکنون در دولت یازدهم نیز متناسب با سیاست‌های دولت و در راستای تحقق اهداف نظام جمهوری اسلامی به فعالیت خود ادامه داده است. با آغاز به کار دولت یازدهم، این معاونت خطی مشی‌های زیر را سرلوحه کار خود قرار داده است^۱:

۱. ارتباط و تعامل سازنده با مراجع دینی، حقوقی و سیاسی کشور با هدف استیفای حقوق شرعی و قانونی زنان در همه زمینه‌ها، تقویت نهاد خانواده و جایگاه زنان در عرصه‌های اجتماعی؛
۲. جلب مشارکت صاحب نظران، کارشناسان و نخبگان از تمامی گروه‌ها و سلاقی؛
۳. افزایش توانمندی‌های زنان در حوزه‌های مدیریتی، کار آفرینی، سیاسی، اشتغال، علمی، فرهنگی، ورزشی و اجتماعی؛

۴. ارتقای نقش و سهم این معاونت در کاهش نرخ بیکاری زنان با اولویت تحصیلکرده‌ها و افزایش کمی زنان در پست‌های مدیریتی و قانونگذاری؛
۵. شناسایی لایه‌ها و سطوح پنهان و آشکار آسیب‌های اجتماعی در حوزه زنان و خانواده؛
۶. تعامل، حمایت، فعال‌سازی و توسعه توانمندی‌های سازمان‌های غیر دولتی و نهادهای مدنی به منظور به‌کارگیری ظرفیت‌ها و توانایی‌های آنها در برنامه‌های توانمندسازی و کاهش آسیب‌های حوزه زنان؛
۷. توسعه تعاملات و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و حضور تأثیرگذار، کارآمد و فعال در مجامع بین‌المللی؛
۸. تبیین چهره واقعی زن مسلمان و معرفی توانمندی‌های زنان ایران به جهانیان؛
۹. رصد وضعیت زنان و خانواده در جهان جهت آشنایی و بهره‌برداری از تجربه‌های موفق؛
۱۰. توانمندسازی نهاد خانواده در رویارویی با چالش‌های دنیای معاصر؛
۱۱. اطلاع‌رسانی و ارتباط با جامعه و افکارسنجی در حوزه زنان و خانواده؛
۱۲. تدوین و تعیین شاخص‌های توسعه‌ای، مسائل و آسیب‌های اجتماعی زنان به منظور بهره‌مندی در برنامه‌ریزی‌ها؛
۱۳. مشارکت در ساماندهی نحوه استخراج و ارائه آمار حوزه زنان و خانواده.

امور زنان و خانواده در دستگاه‌های اجرایی، سازمان‌ها و نهادها

حوزه امور زنان و خانواده در وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌های دولتی در سطح مشاور وزیر و در برخی از دستگاه‌های اجرایی علاوه بر حوزه مشورتی، در ساختار سازمانی وزارت‌خانه‌ها در سطح دفتر و یا اداره کل شکل گرفته است. وزارت‌خانه‌های "کشور"، "آموزش و پرورش"، "تعاون، کار و رفاه اجتماعی"، "جهاد کشاورزی"، "ورزش و جوانان" و "سازمان تبلیغات اسلامی" دارای فعالیت‌های گسترده‌ای در سطح ستاد و صف در حوزه زنان و خانواده هستند.

حوزه امور زنان و خانواده در استان‌های کشور

مهم‌ترین ساختار و تشکیلات در رسیدگی به امور زنان و خانواده در استان‌ها از طریق وزارت کشور پایه‌گذاری شد. به این ترتیب که هسته اولیه کمیسیون‌های امور بانوان در سال ۱۳۶۱ در وزارت کشور و به

صورت آزمایشی در فرمانداری قم تشکیل شد و به دنبال آن کمیسیون‌های امور بانوان به تدریج در سراسر استانداری‌های کشور شکل گرفت. در یک تعامل چند جانبه و نظام‌مند، معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، دفتر امور زنان و خانواده وزارت کشور (مستقر در حوزه وزارتی)، دفاتر متناظر استانی در استانداری‌ها (در حوزه استاندار) و زیر مجموعه آن در فرمانداری‌ها به طور هماهنگ و منسجم فعالیت می‌نمایند. گفتنی است؛ یکی از مهم‌ترین وظایف وزارت کشور اجرای سیاست‌های نظام و نظارت بر اداره امور مناطق کشور از طریق استانداران می‌باشد و به تبع آن، بستر عملیاتی شدن سیاست عمومی دولت در امور زنان و خانواده و مأموریت‌های محوله از سوی مراجع مافوق به ویژه معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، از طریق دفاتر استانی و فرمانداری‌ها فراهم می‌گردد. در ماده ۶۹ شرح وظایف استانداران (و فرمانداران) (مصوب شورای عالی اداری ۱۳۷۷) بر "ایجاد زمینه مناسب جهت رشد و ارتقاء فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بانوان و ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های ذی‌ربط و نظارت بر فعالیت آنها" تصریح شده است.

مدیران دفاتر امور بانوان و خانواده استانداری‌ها، مسؤولیت دبیرخانه کارگروه تخصصی بانوان و خانواده (ذیل شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان و مرجع تصمیم‌گیری در این حوزه در سطح استان) را که با ریاست معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار و با حضور رؤسا و مدیران ادارات و واحدهای استانی ذی‌ربط تشکیل می‌شود؛ برعهده دارند و به این ترتیب، هماهنگ‌سازی و راهبری امور در راستای تکالیف تعیین شده در اسناد بالادستی، ابلاغیه‌های سازمانی و مسائل اساسی زنان و خانواده استان از طریق این کارگروه تخصصی، محقق می‌گردد. ضمن آن که مشاوران امور زنان و خانواده عالی‌ترین مقام در سازمان‌ها و نهادهای استان‌ها، از همکاران اصلی دفاتر امور زنان و خانواده استانداری به‌شمار می‌روند.

در همین راستا، توسعه و سازماندهی تشکیلات اداری امور زنان تا سطح فرمانداری‌ها، حرکتی نوین و فراگیر در امر پیشبرد امور زنان و خانواده را در سطح ملی فراهم نموده است. در حال حاضر در هر یک از فرمانداری‌ها، یک پست «کارشناس امور بانوان» پیش‌بینی شده است و کارگروهی مشابه و متناسب با وظایف محوله کارگروه تخصصی بانوان و خانواده در استانداری، در برش شهرستان‌ها با ریاست معاون فرماندار و با عضویت نمایندگان تام‌الاختیار ارگان‌ها و نهادهای ذی‌ربط مانند؛ آموزش عالی، آموزش و پرورش، تبلیغات اسلامی، جهاد کشاورزی تشکیل می‌شود تا مأموریت‌ها و برنامه‌های مورد نیاز در این

حوزه را در محدوده شهرستان راهبری نماید. علاوه بر این، غالب فرمانداران به فراخور، با صدور احکام انشایی به عنوان مشاور فرماندار؛ همکاری زنان توانمند شهرستانها را جهت رشد کیفی و کمی برنامه‌ها جلب نموده‌اند. چنانچه با وجود رویکرد یکپارچه و روح عدالت‌محور در نظام قانونی و برنامه‌نویسی و بودجه‌ریزی کشور، تفاوت میان میزان و کیفیت دسترسی زنان و مردان را به امکانات و فرصت‌های تحصیلی و آموزشی، بهداشتی و سلامت، شغلی و اقتصادی، تفریحی و ورزشی و خدماتی و ... در صحنه عینی و واقعی زندگی در غالب مناطق و استان‌ها و شهرستان‌های کشور در نظر آوریم، فلسفه وجودی و مأموریت اصلی حوزه‌های بانوان در ساختار اداری و اجرایی کشور (رصد وضعیت زنان، جلب حساسیت کارگزاران و هماهنگ‌سازی بخش‌ها یا دستگاه‌ها در جهت بهبود شرایط موجود) به خوبی آشکار و البته مسئولیت استانداران و فرمانداران به عنوان نمایندگان عالی حاکمیت در برش‌های استانی و شهرستانی در جهت تأمین حداقل عدالت در دسترسی به امکانات و فرصت‌های موجود برای آحاد جامعه صرف نظر از جنسیت آنان، به روشنی معلوم می‌گردد.

در زمینه رسیدگی به امور زنان و خانواده، دفاتر امور بانوان و خانواده در استان‌ها، نقش هدایت، راهبری، هماهنگ‌سازی، سازماندهی و ساماندهی امور زنان و خانواده در سطح استان را به عهده دارند و در این زمینه، هماهنگی‌های لازم را با ستاد (دفتر امور زنان و خانواده وزارت کشور) به عمل می‌آورند. علاوه بر آن، به استناد شرح وظایف سازمانی این دفاتر در ستاد و ساختارهای متناظر آن در صف (استانداري‌ها و فرمانداری‌ها)، وظایف مشابهی را به عهده دارند که اجمالاً موارد زیر را در بر می‌گیرد:

۱- ارتباط مستمر با مراجع مافوق و اجرای خط مشی‌ها، سیاست‌ها و دستورالعمل‌های ابلاغی و ارائه گزارش‌های لازم در چارچوب وظایف محوله؛

۲- انجام مطالعات، تحقیقات و بررسی‌های لازم در خصوص وضعیت مسائل و مشکلات فردی، خانوادگی و اجتماعی زنان و زندگی خانوادگی و جهت دهی آنان به سوی سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران؛

۳- ارتباط مستمر با دستگاه‌های اجرائی و سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط به منظور تبادل نظر و آگاهی از طرح‌ها و برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی در جهت رفع مسائل و مشکلات زنان و خانواده؛

- ۴- مطالعه و شناخت امکانات و تسهیلات مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و برنامه‌ریزی جهت استفاده و بهره‌برداری از امکانات مذکور برای زنان و خانواده‌ها؛
 - ۵- ارزیابی وضعیت موجود زن در خانواده با توجه به آداب و سنن اقشار مختلف، در محیط کار و فعالیت‌های شغلی در محیط‌های آموزشی و تربیتی و در اجتماعات عمومی و مردمی؛
 - ۶- مطالعه و بررسی قوانین و مقررات به منظور یافتن راه‌حل‌های مناسب برای رفع تنگنایهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه مخاطب؛
 - ۷- مطالعه، بررسی و برنامه‌ریزی مناسب در جهت فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای آموزش و بالا بردن سطح کارایی و دانش عمومی جامعه هدف؛
 - ۸- پیگیری در زمینه جذب اعتبارات برای اجرای طرح‌ها و برنامه‌های مربوط به حوزه زنان و خانواده با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط؛
 - ۹- حمایت و سازمان‌دهی کانون‌های فرهنگی - اجتماعی زنان و پشتیبانی از سمن‌های فعال در حوزه زنان و خانواده.
- بر اساس وظایف و مأموریت‌های فوق، رویکرد و جهت‌گیری کلی حوزه امور زنان و خانواده ستاد و صف وزات کشور (در محدوده جغرافیایی حوزه سازمانی) را می‌توان چنین برشمرد: «هماهنگی، یکپارچه‌سازی، سیاست‌گذاری اجرایی، نظارت و تسهیل‌گری جهت پیشبرد و اجرای سیاست‌های عمومی در حوزه زنان و خانواده»

ه: سایر سازمان‌ها و نهادها

علاوه بر تشکیلاتی که در بخش‌های گذشته اشاره شد، برخی سازمان‌ها و نهادهای مهم و اثرگذار نظیر؛ صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، حوزه‌های علمیه، بسیج و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و... نیز دارای سازوکار اداری و اجرایی در حوزه زنان و خانواده بوده و پیشبرد امور زنان و خانواده را در تحقق اهداف نظام اسلامی، مورد توجه قرار می‌دهند.

بخش دوم:

جایگاه خانواده در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران

خانواده از ابتدای تاریخ تاکنون بین تمام جوامع بشری به منزله اصلی‌ترین نهاد اجتماعی، زیربنای جوامع و خاستگاه فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ بوده و با وجود تغییرات ساختاری در دوره‌های مختلف به‌ویژه در جریان مدرن شدن جوامع، همواره نهادی برای پیوند میان جامعه و فرد به‌شمار آمده است. اسلام به‌عنوان مکتبی انسان‌ساز، بیشترین توجه را به والایی خانواده دارد؛ آداب ویژه‌ای برای زندگی خانوادگی وضع کرده و ساختار مطلوب و به‌هنگار خانواده را براساس آموزه‌های دینی بنا کرده است. در اسلام، ازدواج و خانواده محبوب‌ترین و عزیزترین نهاد بشری نزد خداوند اعلام شده که هدف از تشکیل آن، تأمین نیازهای عاطفی و معنوی انسان از جمله دست‌یابی به آرامش است. هم‌چنین در اسلام خانواده به‌عنوان کانون تربیت معرفی شده است که صلاح و فساد آن موجب نیک‌بختی و بدبختی جامعه انسانی خواهد بود.^۱

با توجه به این دیدگاه‌ها، اسناد و متون بالادستی نظام جمهوری اسلامی قابل بررسی است. ابتدا برای شناخت بهتر و تبیین راهکارها و نیز شناخت کاستی‌های احتمالی، نگاهی اجمالی به مبانی دیدگاه اسلامی به این نهاد مهم خواهیم داشت و سپس بر اساس این مبانی، قوانین و اسناد موجود را بررسی و تبیین خواهیم نمود.

۱. ر.ک: بی‌آزارشیرازی، عبدالکریم، رساله نوین امام خمینی، صص ۳۷ و ۳۸.

نهاد خانواده در اسلام

خانواده طبیعی‌ترین واحد تولیدمثل و فراگیرترین واحد اجتماعی است که به دلیل تأمین نیروی انسانی جامعه، سلامت همه‌جانبه اعضای آن در سلامت اجتماعی تأثیر اساسی دارد. خانواده واحد و نهاد اجتماعی است با ابعاد گوناگون زیستی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی و روانی، متشکل از افرادی که از طریق پیوند زناشویی، همخونی با یکدیگر به عنوان شوهر و زن، مادر و پدر و برادر و خواهر در ارتباط متقابل‌اند و فرهنگ مشترکی پدید آورده و در واحد خاصی زندگی می‌کنند^۱ و روابط اعضای آن به صورت شبکه‌ای درهم تنیده، بنیان آن را حفظ می‌کند؛ شکلی از روابط که منافع جمعی جایگزین منافع شخصی می‌شود و احترام به حقوق و تعامل بر حسب موازین اخلاقی اصل قرار می‌گیرد.

تعریف خانواده در جامعه‌شناسی غالباً در دو دسته جای می‌گیرد:

الف. تعاریف سنتی: شامل خانواده‌های هسته‌ای، ناهم‌جنس‌گرا و متمرکز بر رابطه‌های خونی (والدین، فرزندان، خواهران و برادران).^۲

ب. تعاریف گسترده: این تعاریف با تغییر واژه «Family» (خانواده) به «Household» (چهاردیواری - خانوار)، هرگونه هم‌زیستی و رابطه خصوصی در یک خانه اعم از رابطه تک‌والد با فرزند، رابطه دو هم‌جنس و ... را در برمی‌گیرد. این قبیل تعاریف، موجب می‌شود تا سیاست‌ها و برنامه‌های مربوط به نهاد خانواده، شامل افراد وابسته به این‌گونه روابط نیز بشود.^۳

از منظر اسلام، خانواده گروهی متشکل از افراد، دارای شخصیت مدنی، حقوقی و معنوی است که هسته اولیه آن را ازدواج مشروع زن و مرد تشکیل می‌دهد. پس از برقراری عقد نکاح بین زن و مرد، طرفین دارای وظایف و حقوق جدید می‌شوند و ارتباط خویشاوندی شکل می‌گیرد، به طوری که اعضای آن دارای روابط قانونی، اخلاقی و عاطفی می‌گردند.

در خانواده ایرانی به دلیل پابندی به اصول و تعالیم اخلاقی اسلامی، مهم‌ترین عامل در تحکیم خانواده، پابندی به ارزش‌های اخلاقی و اسلامی است. از این رو روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی،

۱. ساروخانی، باقر، مقدمه ای بر جامعه‌شناسی خانواده، ص ۱۳۶.

۲. همان، ص ۱۳۴.

۳. رک: جان برناردز؛ درآمدی به مطالعات خانواده، صص ۵۳-۶۴.

تنظیم می‌شود. به همین دلیل و با توجه به اینکه هیچ جامعه‌ای چنانچه از خانواده‌هایی ناسالم برخوردار باشد نمی‌تواند ادعای سلامت نماید.^۱

منظور از حقوق خانواده، مجموعه‌ای از مقررات و احکام و وظایف و مسؤولیت‌هایی است که در شریعت اسلام برای بقاء و دوام خانواده در نظر گرفته شده است. این حقوق به شرط درک درست و اجرای کامل، بسیار متعالی، عادلانه و پیشرفته است که با هیچ مکتب و مسلکی قابل قیاس نیست.

بر اساس آنچه که از آیات قرآن استفاده می‌شود، اساسی‌ترین حقوق خانواده عبارتند از:

۱. مساوات؛ تساوی حقوق زن و مرد در خانواده: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا؛
۲. آرامش؛ خانواده کانون آرامش و زن و مرد وسیله آرامش یکدیگرند: «... لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا»؛
۳. مودت؛ بنیان خانواده بر اساس مودت و دوستی باشد: «... وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً»؛
۴. مهربانی؛ درون خانواده مملو از مهر و محبت باشد: «... وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»^۲؛
۵. خوشرفتاری؛ اهل خانه باید با یکدیگر به نیکی رفتار کنند: «... وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»^۳
۶. عدالت؛ برخورد و رفتار خانواده بر اساس عدالت باشد: «... وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِيَتَّعْتُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ»^۴

۷. میثاق الهی؛ پیمان ازدواج میان زن و مرد میثاق محکم الهی است: «... وَ أَخَذَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا»^۵
۸. تقوا؛ ملاک عمل و رفتار اهل خانه است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى... إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»^۶

۱- ساروخانی، پیشین، ص ۱۱.

۲- «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۲۱/ روم) و از نشانه‌های خداوند آن است که از جنس شما برایتان همسر آفرید تا در کنار یکدیگر آرامش و سکون یابید و میان ما مودت و مهربانی قرار داد. براستی که در این تدبیر الهی نشانه‌هایی برای اهل تفکر است.

۳- ۱۹/ نساء. با همسرانتان به نیکویی زندگی، سلوک و رفتار کنید.

۴- ۲۳۱/ بقره

۵- ۲۱/ نساء

۶- ۱۳/ حجرات

جایگاه نهاد خانواده در قانون اساسی، اسناد و سیاست‌گذاری‌های کلان کشور و

تحکیم و حفظ آن با توجه به حقوق و ارزش‌های اسلامی

با توجه به مطالبی که بیان شد، هم از نظر اسلام و هم از نظر مکاتب اجتماعی و از میان تمامی نهادها و سازمان‌ها و تأسیسات اجتماعی، خانواده از اهمیت و اعتبار بیشتری برخوردار است و همگی بر اهمیت حیاتی و سرنوشت‌ساز آن تأکید دارند.^۱

از این‌رو با توجه به ارزش و منزلتی که اسلام به خانواده و جایگاه آن بخشیده است و از این جهت که نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران طبق *اصل دوم* قانون اساسی، نظامی است که از فرامین الهی تبعیت نموده و بر پایه «حاکمیت خداوند و تسلیم در برابر او و وحی الهی و نقش بنیادین آن در بیان قوانین» شکل گرفته است، در تمام دستورات و قانونگذاری‌ها از جمله مسائل مربوط به خانواده نیز تبعیت می‌کند. به همین دلیل قانون اساسی، خانواده را به عنوان «رکن اساسی حیات اجتماعی» در کانون توجه قرار داده و اهتمام خاصی به آن ورزیده است.

در مقدمه قانون اساسی، از خانواده به عنوان *واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی* یاد شده است: «توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یابنده انسان است اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است.» به این موضوع صریحاً در *اصل دهم* قانون اساسی که اصلی مترقی می‌باشد، تأکید شده: «از آنجا که واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه مقررات و قوانین و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی می‌باشد». این اصل قانون اساسی با تأکید بر اهمیت بنیاد خانواده، دولت را نسبت به مقوله‌های زیر مکلف می‌نماید:

۱. آسان کردن تشکیل خانواده؛
۲. پاسداری از قداست خانواده؛
۳. تنظیم روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی.

۱. رک: رساله نوین امام خمینی، ص ۱۱.

در ارتباط با مقوله نخست، وظیفه دولت عبارت است از: وضع و تنظیم قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های لازم و تدارک امکانات و زمینه‌های مربوطه، به منظور آسان ساختن فرآیند تشکیل خانواده. بر همین اساس، جهت‌گیری کلی قانون اساسی و قوانین عادی و بخصوص رهنمودهای رهبری نظام به سمت ارج نهادن به نهاد خانواده و تکریم و بزرگداشت آن است. چنانچه اصل بیست و یکم قانون اساسی برای حفظ نهاد خانواده و جلوگیری از تزلزل آن به تصویب رسیده است و در این جهت، دولت را موظف به ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده می‌کند.

این موضوع از آن جهت مورد توجه نظام جمهوری اسلامی قرار گرفته که خانواده در گذشته در نتیجه سیاست‌های غلط و تدابیر غیر منطبق بر شریعت اسلام، نتوانسته جایگاه واقعی و ارزشمند خود را در جامعه پیدا کند و مقام و منزلت و حیثیت آن از بین رفته و مفهوم حقیقی خانواده عوض شده بود.

اکنون و در راستای عمل به قوانین و در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی، در اسناد بالادستی کشور به نهاد خانواده توجهی خاص شده و در سیاست‌ها و برنامه‌های کلان کشور آن را مدنظر قرار داده‌اند. در طراحی و تنظیم سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در ۱۴۰۴ هجری شمسی، توجه ویژه‌ای به نهاد خانواده شده است و جامعه ایرانی جامعه‌ای توصیف شده است که «برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب» باشد.

علاوه بر این، رهبری معظم در سیاست‌های ابلاغی کلی برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم توسعه نیز «تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان» را خواستار شده‌اند. ایشان همچنین در راستای تحکیم بنیان خانواده و توجه به نقش موثر آن در پیشرفت اجتماعی و اقتصادی و اجرای بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی، سیاست‌های کلی جمعیت را ابلاغ نمودند. در این ابلاغیه، دستوراتی برای اهمیت و توجه بیشتر به تحکیم و ارتقاء بنیان خانواده همچون «رفع موانع ازدواج، تسهیل و ترویج تشکیل خانواده، تحکیم بنیان و پایداری خانواده با اصلاح و تکمیل آموزش‌های عمومی درباره اصالت کانون خانواده و فرزندپروری و با تأکید بر آموزش مهارت‌های زندگی و ارتباطی و ارائه خدمات مشاوره‌ای بر مبنای فرهنگ و ارزش‌های اسلامی- ایرانی و توسعه و تقویت نظام تأمین اجتماعی، خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی در جهت سلامت

باروری و فرزندآوری» بیان شده است. علاوه بر این، ایشان در ابلاغیه مهم خود با عنوان «سیاست‌های کلی خانواده» و با هدف ارتقاء فرهنگی و اجتماعی خانواده و سبک زندگی اسلامی-ایرانی، که پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شده است، دستوراتی را در ۱۶ بند به نهادهای مربوطه ارائه نموده‌اند. در این ابلاغیه آمده است: «خانواده واحد بنیادی و سنگ بنای جامعه اسلامی و کانون رشد و تعالی انسان و پشتوانه سلامت و بالندگی و اقتدار و اعتدالی معنوی کشور و نظام است و سمت و سوی حرکت نظام باید معطوف باشد به:

۱. ایجاد جامعه‌ای خانواده محور و تقویت و تحکیم خانواده و کارکردهای اصلی آن بر پایه الگوی اسلامی خانواده به عنوان مرکز نشو و نما و تربیت اسلامی فرزند و کانون آرامش بخش؛
 ۲. محور قرار گرفتن خانواده در قوانین و مقررات، برنامه‌ها، سیاست‌های اجرایی و تمام نظامات آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به‌ویژه نظام مسکن و شهرسازی؛
 ۳. برجسته کردن کارکردهای ارتباط خانواده و مسجد برای حفظ و ارتقاء هویت اسلامی و ملی و صیانت از خانواده و جامعه؛
 ۴. ایجاد نهضت فراگیر ملی برای ترویج و تسهیل ازدواج موفق و آسان برای همه دختران و پسران و افراد در سنین مناسب ازدواج و تشکیل خانواده و نفی تجرد در جامعه با وضع سیاست‌های اجرایی و قوانین و مقررات تشویقی و حمایتی و فرهنگ‌سازی و ارزش‌گذاری به تشکیل خانواده متعالی بر اساس سنت الهی؛
 ۵. تحکیم خانواده و ارتقاء سرمایه اجتماعی آن بر پایه رضایت و انصاف، خدمت و احترام و مودت و رحمت.
- این ابلاغیه در بندهای دیگر بر مواردی با محوریت آموزش، فرهنگ‌سازی، پرورش و تربیت نخبگان و مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن تأکید می‌نماید.^۱

با نگاهی به مجموعه سیاست‌ها و قوانین بالادستی کشور، می‌توان مجموعه این سیاست‌ها را در دو گروه؛ سیاست‌های حمایتی برای حفظ نهاد خانواده و نیز سیاست‌های تشویقی برای تشکیل و ارتقاء نهاد خانواده دسته‌بندی نمود. در ادامه، به بررسی این دو گروه سیاست‌ها در مجموعه اسناد خواهیم پرداخت.

سیاست‌های حمایتی از نهاد خانواده

۱- حمایت از خانواده با رویکرد پیشگیری از معضلات و ناهنجاری‌های اجتماعی - فرهنگی

از خطرات مهمی که بنیان خانواده را تهدید می‌کند، معضلات و مخاطرات فرهنگی و اجتماعی است. آنچه که کانون خانواده را مستحکم نموده و از فروپاشی و تضعیف آن جلوگیری می‌نماید، روابط درون خانوادگی عمیق و بر مبنای ارزش‌های اسلامی و فرهنگی است. با گسست این روابط به دلیل نفوذ ارزش‌های وارداتی به خانواده که بر مبنای تمدن غرب شکل گرفته و ترویج می‌شوند، خانواده به اضمحلال سوق خواهد یافت. به همین دلیل، در برنامه‌های تهاجم فرهنگی غرب، گسست خانواده از ارزش‌های ایرانی-اسلامی مدنظر قرار داشته و راهبردهای مختلفی را در دستور کار خود قرار داده‌اند. با توجه به اهمیت این موضوع در مجموعه اسناد بالادستی کشور، سیاست‌های حمایتی خاصی در مقابل آسیب‌های تهدیدزای خانواده اتخاذ شده است.

در این خصوص، در بند الف و ب ماده ۹۷ برنامه چهارم توسعه، «دولت به منظور پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی، نسبت به تهیه طرح جامع کنترل کاهش آسیب‌های اجتماعی، با تأکید بر پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر، مکلف به تقویت بنیان خانواده و توانمندسازی افراد و گروه‌های در معرض آسیب و بسط و گسترش روحیه نشاط، شادابی، امیدواری، اعتماد اجتماعی، تعمیق ارزش‌های دینی و هنجارهای اجتماعی» شده است. همچنین در ماده ۱۰ این برنامه و در راستای مقابله با برنامه‌های تهاجمی و حمایت از خانواده، دولت مکلف شده است به منظور تعمیق ارزش‌ها، باورها، فرهنگ معنویت و نیز حفظ هویت اسلامی- ایرانی، اعتلای معرفت دینی و توسعه فرهنگ قرآنی، اقداماتی را انجام دهد که اقدام مطالبه شده در این جهت در «بند ل» این ماده «ساماندهی تبلیغات رسانه‌ای، بهبود محتوای کتب درسی، استقرار محیط

و ساختارهای حقوقی در جهت حفظ و ارتقاء هویت اسلامی - ایرانی، تقویت نهاد خانواده براساس تعالیم میراث معنوی جامعه ایرانی» می‌باشد.

در برنامه پنجم توسعه نیز به افزایش تهاجم فرهنگی غرب علیه نظام جمهوری اسلامی بخصوص در بُعد فضای رسانه‌ای و مقابله با آن توجه شده و راهکارها و برنامه‌هایی ارائه شده است، که می‌توان نقطه تمرکز این برنامه‌ها را تحکیم نهاد خانواده دانست.

از اقدام‌های مهم دیگر در خصوص برنامه‌های حمایتی که در برنامه پنجم لحاظ شده، تهیه اسناد راهبردی توسط دستگاه‌های دولتی است. به همین منظور در ماده ۲۲۷ نیز دولت موظف می‌شود که نسبت به تهیه و تدوین «سند ملی امنیت بانوان و کودکان در روابط اجتماعی» با مشارکت و برنامه‌ریزی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، قوه قضائیه، سازمان بهزیستی کشور، شهرداری، وزارت کشور، شورای عالی استان‌ها، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و کار و امور اجتماعی توسط دولت در طول سال‌های برنامه اقدام قانونی به عمل آورد. علاوه بر این، در زمینه برنامه‌ریزی برای تقویت بنیاد خانواده و حمایت از آن «ماده ۲۳۰» برنامه پنجم، دولت را موظف می‌نماید که «با همکاری سازمان‌ها و دستگاه‌های ذی‌ربط از جمله مرکز امور زنان و خانواده با هدف تقویت نهاد خانواده و جایگاه زنان در عرصه‌های اجتماعی و استیفاء حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه زمینه‌ها با تدوین و تصویب «برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده» مشتمل بر محورهای تحکیم بنیان خانواده، بازنگری قوانین و مقررات مربوطه، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، توسعه و ساماندهی امور اقتصادی- معیشتی با اولویت ساماندهی مشاغل خانگی برای زنان سرپرست خانوار و زنان بدسرپرست، تأمین اجتماعی، اوقات فراغت، پژوهش، گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، ارتقاء سلامت، توسعه توانایی‌های سازمان‌های مردم نهاد، ارتقاء توانمندی‌های زنان مدیر و نخبه، توسعه تعاملات بین‌المللی، تعمیق باورهای دینی و اصلاح ساختار اداری تشکیلاتی زنان و خانواده اقدام قانونی نماید.»

در نسخه پیشنهادی دولت به عنوان برنامه ششم توسعه^۱ نیز به آسیب‌های اجتماعی ناشی از ناهنجاری‌های اجتماعی‌ای چون اعتیاد به مواد مخدر در خانواده‌ها توجه شده و راهکارهای اجرایی و

۱. در زمان تدوین این متن، برنامه ششم توسعه و مواد قانونی و لوایح آن، هنوز به تصویب نهایی نرسیده است. بنابر این در هر بخش از این متن، هر جا به برنامه ششم اشاره می‌شود، منظور متن لایحه پیشنهادی دولت به مجلس به عنوان برنامه ششم است.

سیاست‌گذاری‌هایی برای آن بیان شده است از جمله پیشگیری از مواد مخدر و روانگردان‌ها در اقشار سالم جامعه و گروه‌های اجتماعی هدف.^۱ این برنامه، راهبردهای فرهنگی برای حمایت از زنان و نیز ارتقاء جایگاه آنان را نیز مدنظر قرار داده است.^۲

در همین راستا، شورای فرهنگی - اجتماعی زنان شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز، مجموعه راهبردها و هدف‌گذاری‌هایی را برای تقویت نهاد خانواده و حفظ قداست آن و نیز استوار ساختن روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی در تاریخ ۱۳۸۴/۴/۷ به تصویب رسانده است.^۳ قسمتی از این مصوبات راهبردها و سیاست‌های اجرایی‌ای است که با هدف مبارزه با تهاجم فرهنگی و رسانه‌ای دشمن و نیز مقابله با معضلات تهدیدکننده نهاد خانواده، اتخاذ شده‌اند همچون: «بررسی الگوهای ارائه شده از زنان و خانواده در انواع فیلم‌های سینمایی، مطبوعات، کتب و سایر رسانه‌ها و میزان تأثیر آنها در افزایش ناهنجاری‌های فرهنگی و اخلاقی و ارائه راهکارهای مناسب جهت اصلاح گروه‌های مرجع»، «کاهش تبلیغات تجاری و مصرفی رسانه‌ها به منظور جلوگیری از ترویج روحیه مصرف‌گرایی» «محافظت و جلوگیری از آسیب‌پذیری خانواده، از طریق مبارزه همه جانبه با ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی (اعتیاد، طلاق، فرار و...)»، «مقابله با بزه‌کاران اجتماعی، باندهای فساد و فحشاء و متعرضان به نوامیس مردم و مروجین فرهنگ ابتذال با هدف تأمین امنیت و حفظ کیان خانواده‌ها»

علاوه بر این، اقدامات فرهنگی خاص و با رویکرد مقابله‌ای، به صورت قوانین مدون در «سند مهندسی فرهنگی کشور» مدنظر قرار گرفته است که در ذیل به این قوانین و مصوبات اشاره میشود:

الف: مصوبات سند مهندسی فرهنگی کشور:

- التزام و اهتمام به حفظ و تعالی جایگاه خانواده در کلیه سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و قانونگذاری‌ها و در تمامی نظام‌های آموزشی، فرهنگی، اجتماعی، حقوقی، اقتصادی و سیاسی؛
- ارتقاء امنیت و سلامت خانواده، پیشگیری، مقابله و درمان آسیب‌ها و چالش‌های خانوادگی و اجتماعی مبتنی بر نگرش دینی و ملی؛

۱ برنامه ششم توسعه، ص ۳۱۱.

۲ همان، ص ۳۳۷.

۳ اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن (مصوب ۱۳۸۴/۴/۷)

- رعایت موازین، احکام و ارزش‌های اصیل اسلامی ایرانی در معماری خانه و مجتمع‌های مسکونی، شهرسازی و اماکن عمومی به منظور حفظ امنیت اخلاقی و حریم خانه و خانواده و پیش‌بینی الزامات اجرایی آن؛

- برنامه‌ریزی برای حفظ حریم امن خانه و خانواده، تأمین امنیت و سلامت مادی و معنوی آن و مقابله با تهدیدات و خطرات جنگ نرم، تهاجم و ابتدال فرهنگی و جلوگیری از واردات، تولید و توزیع کالاها و محصولات ضد فرهنگی؛

۲. حمایت از خانواده با ارائه خدمات مشاوره‌ای، دانش‌افزایی و آموزشی

از اقدامات مؤثر در زمینه تحکیم نهاد خانواده، ارتقاء سطح دانش و آگاهی اعضای خانواده از طریق ارائه خدمات مشاوره‌ای و آموزشی است. این‌گونه خدمات چه قبل و چه بعد از تشکیل خانواده، نقش بسیار مهمی در راستای تحکیم خانواده و ارتقاء آن خواهند داشت. به همین دلیل در ماده ۴۳ برنامه پنجم توسعه و در جهت تسهیل ازدواج جوانان و تحکیم بنیان خانواده، به ساماندهی و اعتبار بخشی مراکز مشاوره متناسب با فرهنگ اسلامی - ایرانی توجه شده است.

همچنین به دلیل کاهش اختلافات خانوادگی منجر به طلاق، مجموعه قوانینی در حمایت از خانواده وضع شده است که قانون حمایت خانواده مصوب مجلس شورای اسلامی در ۱۳۹۱ / ۱۲ / ۱، از آن جمله است. این مجموعه مصوبات و با توجه به اهمیت حل اختلافات خانوادگی، قوانینی در خصوص دادگاه خانواده و انجام مشاورات خاص وضع شده است مثلاً؛ ماده ۱۶ که بیان می‌کند: «به منظور تحکیم مبانی خانواده و جلوگیری از افزایش اختلافات خانوادگی و طلاق و سعی در ایجاد صلح و سازش، قوه قضائیه موظف است ظرف سه سال از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، مراکز مشاوره خانواده را در کنار دادگاه‌های خانواده ایجاد کند». در مواد ۱۷ تا ۱۹ این قانون نیز سازوکارهایی اجرایی برای امر مشاوره دیده شده است.

در همین راستا، در منشور حقوق و مسؤولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران (مورخ ۸۳/۶/۳۱) ذیل ماده ۵۶، در خصوص حق برخورداری از خدمات مشاوره‌ای و آزمایش‌های پزشکی به منظور اطمینان از سلامت کامل مرد در امر ازدواج و در حین ازدواج نیز مجموعه قوانین و مصوباتی وضع شده است.

علاوه بر این، در منشور شورای فرهنگی - اجتماعی زنان (مصوب ۱۳۸۴/۴/۷) به خدمات مشاوره‌ای و نیز ارائه برنامه‌های آموزشی در جهت «توسعه آگاهی‌های عمومی نسبت به الزامات شرایط اجتماعی و نقش‌های اعضای خانواده و انعطاف آنان نسبت به انتظارات متقابل در جهت تحکیم خانواده»، «هدایت و ترغیب زوجین، جهت تقویت ایمان مذهبی و فرهنگ اسلامی، آشنایی با تکالیف و آداب قبل از بارداری، دوران بارداری و شیوه‌های صحیح تربیت فرزندان در مقاطع مختلف سنی آنان»، «کمک به والدین جهت رشد و آماده‌سازی فرزندان خود در راستای پذیرش و ایفای مسؤولیت‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی خود»، «آموزش‌های لازم به دختران و پسران در زمینه انتخاب همسر با در نظر گرفتن سلامت دینی، فکری، جسمی و روانی یکدیگر به منظور پیشگیری از بروز آسیب‌های اجتماعی در زندگی»، «آموزش اعضای خانواده در جهت حل منطقی مشکلات خود قبل از مراجعه به سازمان‌ها و مراجع قانونی»، پرداخته شده است.

سند مهندسی فرهنگی کشور نیز اقدامات مشاوره‌ای، فرهنگی و آموزشی را برای ارتقاء فرهنگ خانواده مدنظر قرار داده است از قبیل:

- آموزش قانون‌گرایی، نظم و انضباط و رفتارهای اجتماعی متعالی متناسب با سبک زندگی اسلامی ایرانی در همه برنامه‌های آموزشی و همچنین برنامه‌های صدا و سیما؛
- برنامه‌ریزی برای آموزش قوانین و مقررات و حقوق و تکالیف عمومی و اجتماعی در حوزه‌ها و سطوح مختلف؛
- تقویت و حمایت از خدمات راهنمایی و مشاوره‌ای و مددکاری اجتماعی در سطح جامعه با رویکرد پیشگیری و کاهش جرم و توسعه بهداشت روانی و سلامت معنوی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی؛
- در برنامه پیشنهادی ششم توسعه نیز راهبردهایی برای ارتقاء خانواده با رویکرد «توانمندسازی» و با توجه به خدمات مشاوره‌ای و آموزشی ارائه شده است. راهبردهایی از قبیل توانمندسازی جوانان در حوزه ازدواج با تأکید بر ازدواج به‌هنگام، آگاهانه، آسان و پایدار و تحکیم و تعالی نهاد خانواده جوان، توانمندسازی مشاوران و روانشناسان فعال در حوزه ازدواج و خانواده جوان، فرهنگ سازی در خصوص ازدواج جوانان با رویکرد بهره‌گیری مطلوب از ظرفیت‌ها.^۱

۳. حمایت از خانواده با اقدامات و راهبردهای فرهنگی و دینی

دین و آموزه‌های دینی، ظرفیت بسیار بالایی برای تعالی بخشی و ارتقاء خانواده دارا می‌باشند با در نظر داشتن اینکه اعتقادات دینی و مذهبی نفوذ عمیقی در فرنگ بومی و ملی جامعه ایران دارند، ضروری است که به تعالیم و آموزه‌های آن در سیاست‌گذاری‌ها و قوانین فرهنگی و اجرایی کشور توجه خاص شود. بدین لحظ در منشور شورای فرهنگی - اجتماعی زنان (مصوب ۱۳۸۴/۴/۷) مصوباتی با توجه به مبانی دینی با عنوان "اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن" وضع شده است. اهداف یاد شده در ۷ محور به شرح زیر تصویب گردیده است:

- ۱- تحقق دیدگاه اسلام در خصوص اهمیت جایگاه، منزلت و کارکردهای خانواده در نظام اسلامی؛
 - ۲- حمایت از تشکیل، تحکیم و تعالی نهاد خانواده و پیشگیری از تزلزل و فروپاشی آن؛
 - ۳- ارتقاء سطح فرهنگی و تربیتی اعضای خانواده به منظور ایفای نقش آن در سلامت و بهبود فرهنگی جامعه؛
 - ۴- همگرایی و هماهنگی در کلیه سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در موضوع خانواده به منظور بهبود وضعیت تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده؛
 - ۵- آگاهی افراد خانواده نسبت به حقوق و وظایف یکدیگر و زدودن نگرش‌های غلط جامعه؛
 - ۶- گسترش و تعمیق ارزش‌های اصیل اسلامی در خانواده برای تربیت نسل سالم، با ایمان، مسؤول و مؤثر در رشد خود، خانواده و جامعه؛
 - ۷- ایمن سازی خانواده از آسیب و بحران‌های اجتماعی و حمایت از خانواده‌های آسیب‌دیده.
- در سند مهندسی فرهنگی کشور نیز این نوع حمایت‌ها مدنظر قرار گرفته و مصوبات و قوانینی در این خصوص مقرر شده است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:
- طراحی و نهادینه‌سازی آداب و سبک زندگی اسلامی ایرانی در زمینه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی مبتنی بر تقوای الهی و با الهام از سیره معصومین (علیهم‌السلام)؛ معرفی زندگی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) ایشان و اسوه‌های قرآنی خانواده و تبیین نقش مؤثر ایشان در قوام و تکامل دین و جامعه در سطح ملی و بین‌المللی؛

- ارتقاء نظام تعلیم و تربیت رسمی و غیررسمی کودکان به منظور تربیت نسلی سالم، صالح، مؤمن، خودشکوف و انقلابی و متناسب با نیازها، ویژگی‌ها و خصائص فردی کودک و تأمین مصالح عالی وی؛
- نهادینه‌سازی ارتباط و تعامل مؤثر خانواده، مسجد، مدرسه، محله با پلیس و بسیج در مقوله نظم و امنیت اجتماعی.

۴- حمایت از خانواده با اجرای برنامه‌های حمایتی و اقتصادی

خانواده همانند نهادهای دیگر اجتماعی برای رشد و بهره‌وری بیشتر به حمایت‌های اقتصادی و مالی نیازمند است. این‌گونه حمایت‌ها سبب می‌شوند خانواده از آسیب‌های احتمالی همچون فوت سرپرست خانوار و معضلات تک سرپرست بودن مادر و معضلات اجتماعی دیگر مصون باشد. خدمات و اقدامات حمایتی مختلفی که از سرپرست خانوار صورت می‌گیرد، همچون ارائه خدمات حمایتی بیمه درمان و تأمین اجتماعی، از کارافتادگی، بیماری، مرخصی‌های تولد فرزند و نیز خدمات مالی دیگر از این جمله اقدامات محسوب می‌شوند. به همین منظور در منشور شورای فرهنگی - اجتماعی زنان شورای عالی انقلاب فرهنگی (مصوب ۱۳۸۴/۴/۷) اقدامات قانونی برای این‌گونه حمایت‌ها در نظر گرفته شده است، از جمله: «تدوین قوانین حمایتی و گسترش پوشش کامل بیمه‌های اجتماعی و اقتصادی برای مردان بیکار، زنان بیوه، سالخورده، سرپرست خانوار و کودکان بی‌سرپرست و زنان خانه‌دار» و «تأمین نیازهای مادی و معنوی خانواده‌های بی‌بضاعت و بی‌سرپرست به ویژه زنان سرپرست خانوار».

همچنین به شکل خاص‌تر در مجموعه قوانین تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست (مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۴ مجلس شورای اسلامی) ذیل مواد ۱ و ۲، قوانین حمایتی از زنان بی‌سرپرست و سرپرست خانواده وضع شده است.

در سند مهندسی فرهنگی کشور نیز، مجموعه قوانینی برای ارائه خدمات حمایتی و بیمه‌ای برای زنان شاغل همچون؛ مرخصی زایمان، هدیه تولد فرزندان، حمایت‌های تأمین اجتماعی و خدمات درمانی و ... مقرر شده است که می‌توان آنها را در راستای حمایت‌های اقتصادی از خانواده محسوب نمود.

با در نظر داشتن این سیاست در برنامه پیشنهادی ششم توسعه و با توجه به تحقق عدالت جنسیتی و استفاده از سرمایه انسانی در جهت تحقق توسعه پایدار^۱ به رشد، ارتقاء و حمایت از جایگاه خانواده توجه شده و راهبردهایی چون؛ «راهبرد کاهش خانوارهای با هزینه کمرشکن» پیش‌بینی شده است که می‌تواند به حمایت از خانواده منجر شود.^۲ این راهکار با سیاست افزایش بیمه‌های همگانی که در این برنامه پیش‌بینی شده است، هماهنگ بوده و موجب ارتقاء حمایت از خانواده می‌شود.^۳

علاوه بر ارائه خدمات بیمه‌ای در برنامه پیشنهادی ششم توسعه، سیاست‌های حمایتی مبتنی بر راهبرد توانمندسازی خانواده‌ها مخصوصاً خانواده‌های بی‌سرپرست و سیاست‌های اجرایی آن از جمله گسترش توانمندسازی و گسترش زندگی جامعه هدف و توجه به تشکل‌های مردم‌نهاد، ارائه شده است.^۴

سیاست‌های تشویقی و ترویجی در جهت تحقق کارکردهای خانواده

از آنجا که خانواده، کانون اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی است، رشد فضایل اخلاقی و توسعه معنوی خانواده در کانون توجه نظام جمهوری اسلامی ایران و رهبری آن قرار گرفته است، به‌ویژه اینکه بر اساس بند اول اصل سوم قانون اساسی؛ یکی از وظایف نظام، ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد است. در رابطه با تحقق این موضوع، خانواده از عرصه‌های مهم برای رشد فضایل اخلاقی و مبارزه با ناهنجاری‌های اجتماعی و دارای کارکردهای^۵ مهم و مختلفی است که با ملاحظه آنها می‌تواند نهادی مؤثر در نظام اجتماعی بوده و نقش‌های مهم خود را به‌خوبی ایفا نماید.

کارکردهای خانواده را می‌توان به کارکردهای معنوی، کارکردهای جسمی و روانی، کارکردهای جنسی، کارکردهای اقتصادی، کارکردهای تربیتی و جامعه‌پذیری دسته‌بندی نمود. با توجه به این کارکردها، اتخاذ و

۱. رک ذیل ماده ۲۶ لوایح برنامه ششم توسعه، ص ۴۵.

۲. برنامه ششم توسعه، ص ۲۹۵.

۳. برنامه ششم توسعه، ص ۳۰۰.

۴. همان، ص ۳۰۳-۳۰۵ و نیز ص ۳۵۶.

۵. در جامعه‌شناسی، منظور از کارکرد، فعالیت‌های ضروری برای حفظ انواع، جامعه یا گروه اجتماعی است. از نظر اسلام نیز اهداف خانواده، غایاتی‌اند که خداوند در تکوین و تشریح برای آن قرار داده است و کارکردها فوایدی‌اند که افراد می‌توانند آنها را در خانواده بیابند یا ایجاد کنند.

وضع قوانین و سیاست‌های اجرایی و راهبردهای تشویقی و ترویجی برای حفظ و تشکیل خانواده از امور مهم و ضروری است. در ادامه ضمن بیان و دسته بندی کارکردها، برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌های تشویقی کلان کشور را برای تحقق آنها بیان می‌نماییم.

۱- کارکردهای معنوی و دینی

اسلام خانواده را محلی برای نزول رحمت الهی، محیط ایثار و فداکاری، کانون عاطفه و بهترین مکتب برای انسان‌سازی و کسب فضایل می‌داند. پس باید محیط خانواده محلی برای عروج و سلوک اهل خانه باشد و خانواده نقش مؤثری در فرایند خودسازی، دگرسازی و تهذیب نفس ایفا نماید.^۱ با توجه به اهمیت این بخش از کارکردهای خانواده، رهبر معظم انقلاب در بند ۴ منشور سیاست‌های کلی جمعیت به «تحکیم بنیان و پایداری خانواده با اصلاح و تکمیل آموزش‌های عمومی درباره اصالت کانون خانواده و فرزند پروری و با تأکید بر آموزش مهارت‌های زندگی و ارتباطی و ارائه خدمات مشاوره‌ای بر مبنای فرهنگ و ارزش‌های اسلامی- ایرانی و توسعه و تقویت نظام تأمین اجتماعی، خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی در جهت سلامت باروری و فرزندآوری» تأکید می‌نمایند. ایشان همچنین، در «سیاست‌های کلی خانواده» برای تحکیم خانواده و ارتقاء سرمایه اجتماعی آن بر پایه رضایت و انصاف، خدمت و احترام و مودت و رحمت تأکید نموده و خواستار محور قرار دادن خط مشی‌های ذیل شده‌اند:

- به‌کارگیری یکپارچه ظرفیت‌های آموزشی، تربیتی و رسانه‌ای کشور در جهت تحکیم بنیان خانواده و روابط خانوادگی؛

- فرهنگ‌سازی و تقویت تعاملات اخلاقی؛

- مقابله مؤثر با جنگ نرم دشمنان برای فروپاشی و انحراف روابط خانوادگی و رفع موانع و زدودن آسیب‌ها و چالش‌های تحکیم خانواده؛

- ممنوعیت نشر برنامه‌های مخلّ ارزش‌های خانواده؛

- ایجاد فرصت برای حضور مفید و مؤثر اعضای خانواده در کنار یکدیگر و استفاده مؤثر خانواده از اوقات فراغت به صورت جمعی.

۱ مظاهری، حسین، خانواده در اسلام، ص ۱۰۲.

علاوه بر این در بند ۶ این ابلاغیه بر ارائه و ترسیم الگوی اسلامی خانواده و تقویت و ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی با محوریت ترویج ارزش‌های متعالی و سنت‌های پسندیده در ازدواج و خانواده، پر رنگ کردن ارزش‌های اخلاقی و زدودن پیرایه‌های باطل از آن، مبارزه با اشرافیت و تجمل‌گرایی و مظاهر فرهنگ غرب، اصلاح رفتار گروه‌های مرجع و برجسته‌سازی رفتارهای شایسته آنها و جلوگیری از شکل‌گیری گروه‌های مرجع ناسالم، تأکید شده است.^۱ محورهایی که همگی بر اساس مبانی دینی و اسلامی ترسیم شده‌اند.

۲- کارکردهای جسمی و روانی و فرزندآوری

زن و مرد ابتدا با قرار دادن قوای شهوانی و عاطفی خود در روابط زناشویی، به سلامت جسمی و روانی می‌رسند و با تولد فرزندان، ارتباط عاطفی و روانی به صورت دوسویه میان والدین و فرزند کامل می‌شود. ارضای نیازهای عاطفی، برقراری آرامش و محبت قلبی، حمایت و رسیدگی در مواقع بیماری، همیاری و پایبندی به قواعد خانه از مصادیق این نوع کارکرد است که به داشتن یک خانواده به‌هنجار و دارای شاخص‌های سلامت کمک می‌نماید. همچنین میتوان از ثمرات کارکردهای روانی مهم خانواده را فرزندآوری دانست. چرا که این امر مقدس هم باعث استحکام خانواده و انگیزه‌های روانی برای فرد و خانواده می‌شود و هم فرد ادامه نسل خود را با بوجود آوردن فرزند از طریق تشکیل خانواده، پایدار می‌یابد.

به همین دلیل برنامه‌ریزی در خصوص ارائه برنامه‌های تشویقی و در جهت تحقق این کارکردهای مهم به‌ویژه فرزندآوری در مجموعه اسناد بالادستی کشور قابل توجه است.

در بندهای ۱ تا ۳ سیاست‌های کلی جمعیت ابلاغی رهبری، به این موضوع از طریق «ارتقاء پویایی، بالندگی و جوانی جمعیت با افزایش نرخ باروری به بیش از سطح جانشینی»، «رفع موانع ازدواج، تسهیل و ترویج تشکیل خانواده و افزایش فرزند، کاهش سن ازدواج و حمایت از زوج‌های جوان و توانمندسازی آنان در تأمین هزینه‌های زندگی و تربیت نسل صالح و کارآمد» و «اختصاص تسهیلات مناسب برای مادران

به‌ویژه در دوره بارداری و شیردهی و پوشش بیمه‌ای هزینه‌های زایمان و درمان ناباروری مردان و زنان و تقویت نهادها و مؤسسات حمایتی ذی‌ربط» دستور داده شده است.

علاوه بر این، در سند مهندسی کشور، سیاست‌ها و برنامه‌های تشویقی مختلفی با رویکردهای تشویقی و ترویجی برای فرزندآوری همچون؛ «بازنگری و وضع قوانین و مقررات حمایتی و تشویقی فرزندآوری به صورت پلکانی با رعایت سه معیار سن ازدواج، فاصله موالید و تعداد فرزندان از طریق پیش بینی الزاماتی همچون پوشش کامل بیمه‌ای برای درمان ناباروری‌های اولیه و ثانویه»، «افزایش مدت مرخصی استعلاجی زایمان به ۹ ماه و مرخصی بدون حقوق به ۲۱ ماه و جمعاً به مدت ۳۰ ماه به ازای هر فرزند و در مجموع ۱۰ سال بصورت شناور با حفظ شغل برای کلیه شاغلان بخش دولتی و غیردولتی»، «اختصاص مرخصی استحقاقی ۲ هفته‌ای تولد فرزند به پدر»، «اجرای کامل طرح آتیه فرزندان با مبنا قرار گرفتن ارزش ریالی سال ۱۳۸۹ به‌عنوان سال پایه»، «پرداخت هدیه تولد فرزند به مادر به صورت سکه بهار آزادی» وضع شده است.

در برنامه پیشنهادی ششم توسعه نیز برنامه‌های راهبردی و سیاستگذاری‌های اجرایی برای افزایش نرخ جمعیت و باروری به بالاتر از سطح جانشینی، ارائه شده است. در این خصوص راهبردهایی همچون؛ تمرکز ویژه بر کاهش میانگین سن در اولین ازدواج، معرفی و ترویج الگوی مناسب فرزندآوری، مدیریت افزایش نرخ باروری در اقشار و مناطق مختلف کشور، کاهش نرخ ناباروری برای دستیابی به این هدف بیان شده است. سیاست‌های اجرایی این راهبردها نیز بدین شرح است: افزایش آگاهی عمومی در خصوص تأخیر در ازدواج، افزایش سهم تسهیلات ازدواج، تعریف الگوی ازدواج آسان، افزایش آگاهی عمومی از دلایل لزوم افزایش نرخ باروری معضلات تک فرزندی و ازدیاد فاصله سنی میان فرزندان، افزایش سهم باروری در سنین ۱۸ تا ۳۵ سالگی، تکریم مقام مادری و مادر بودن و مواردی از این قبیل.^۱

۱ برنامه ششم توسعه کشور، ص ۱۰۶-۱۰۷ و نیز در زمینه ارتقای سلامت اجتماعی نیز به این راهبردها و سیاستگذاری‌ها پرداخته شده است: ر.ک: ص ۲۶۸ سند برنامه ششم توسعه کشور.

۳- کارکردهای جنسی

وجود واژه‌های عقیفانه مانند: مباشرت، لباس بودن زن و مرد برای یکدیگر، تغشی (پوشاندن) و احسان (از ریشه «حصن» به معنای دژ و قلعه) در مورد ازدواج در روایات و قرآن کریم^۱، حاکی از توجه دوسویه زن و مرد به ارضای درست و بسنده نیاز شهوانی یکدیگر در بستر خانواده و نگاه داشتن یکدیگر از طغیان شهوت و انحراف جنسی است. از دیگر آثار محدود ساختن روابط جنسی به خانواده، می‌توان به تشدید علاقه و محبت میان همسران، ارتباط جنسی متعهدانه، استحکام خانواده و پالایش جامعه از بی‌بندوباری‌های اخلاقی و جنسی اشاره کرد.^۲

به همین دلیل به امر مقدس ازدواج و تشکیل خانواده در برنامه‌های توسعه کشور نیز توجه جدی شده و دولت موظف شده است همواره با اعطای تسهیلات و برنامه‌ریزی‌های خاص تشویقی و ترویجی، زمینه‌های ازدواج و تشکیل خانواده را برای جوانان فراهم نماید.

در برنامه پنجم توسعه، دولت موظف شده است، برنامه‌های مشاوره‌ای خود را با محوریت تسهیل ازدواج جوانان تنظیم و ارائه نماید. در برنامه پیشنهادی ششم توسعه نیز به افزایش تسهیلات ازدواج جوانان به عنوان سیاست‌های راهبردی در خصوص افزایش ازدواج تأکید شده است.^۳ همچنین در این برنامه، به افزایش رضایت‌مندی از زندگی زناشویی در چارچوب سلامت باروری و جنسی به عنوان راهبردی برای ارتقای سطح سلامت جامعه توجه شده است.^۴ علاوه بر این، راهکارهایی برای ازدواج جوانان با رویکرد توانمندسازی جوانان برای ازدواج به‌هنگام، آگاهانه، پایدار و تحکیم و تعالی نهاد خانواده ارائه شده است. سیاست‌های اجرایی این راهبرد نیز عبارتند از: ارتقاء سطح دانش جوانان در حوزه ازدواج و خانواده جوانان در قالب آموزش‌های قبل، حین و بعد از ازدواج، حمایت از ایجاد و توسعه مراکز مشاوره ازدواج جوانان، بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای برای جوانان، تعمیق باورهای دینی و قومی ازدواج در جوانان.^۵

۱. بنگرید به: بقره/ ۱۸۷؛ اعراف/ ۱۸۹ و نساء/ ۲۴ و ۲۵

۲. رک: سالاری‌فر، محمدرضا، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، صص ۴۵ - ۵۳

۳. برنامه ششم توسعه، ص ۱۰۶

۴. رک: برنامه ششم توسعه، ص ۲۷۹.

۵. همان، ص ۳۴۸.

در منشور برنامه‌های گسترش فرهنگ عفاف و حجاب (مصوب ۱۳۷۶/۱۱/۱۴) نیز به ضرورت توجه به دشواری‌های موجود بر سر راه ازدواج شرعی و قانونی و تشکیل خانواده توجه شده تا با مبارزه و مقابله با این ریشه‌ها و انگیزه‌ها موجبات ترویج و توسعه عفاف و حجاب فراهم شود.

همچنین در فصل سوم قانون حمایت خانواده (مصوب ۹۱/۱۲/۱)، مواد قانونی‌ای با موضوع ازدواج وضع شده است که در ماده ۲۰ «ثبث نکاح دائم، فسخ و انفساخ آن، طلاق، رجوع و اعلام بطلان نکاح یا طلاق» را الزامی می‌داند و در ماده ۲۱، نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران را مکلف می‌کند تا در جهت محوریت و استواری روابط خانوادگی، نکاح دائم را که مبنای تشکیل خانواده است، مورد حمایت قرار دهد.

در بند ۲ ماده ۴ قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست (مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۴ مجلس شورای اسلامی) نیز قانون‌های حمایتی و تشویقی برای ازدواج وضع شده است: «حمایت‌های فرهنگی، اجتماعی شامل ارائه خدماتی نظیر؛ خدمات آموزشی (تحصیلی)، تربیتی، کاریابی، آموزش حرفه و فن جهت ایجاد اشتغال، خدمات مشاوره‌ای و مددکاری جهت رفع مسائل و مشکلات زندگی مشمولان و به وجود آوردن زمینه ازدواج و تشکیل خانواده.»

۴- کارکردهای اقتصادی

اسلام با اینکه وظیفه تأمین معاش را از دوش زن برداشته و با الزام نفقه او بر شوهر، عملاً مردان را در خدمت زنان قرار داده است، زنان شایسته را زنانی می‌داند که در رفع نیازهای معیشتی و اقتصادی خانواده، به‌ویژه در داخل منزل از روی میل و رضایت به شوهران خود یاری رسانند. پاداش‌های معنوی فراوانی که برای این امر مقرر شده است، در تشویق زنان باایمان تأثیر قاطعی دارد.^۱ آینده‌نگری، پس‌انداز و مدیریت هزینه‌ها از مزایای تشکیل خانواده در جهت اقتصادی است و ایجاد درآمد و کمک به اقتصاد خانواده شایسته و پسندیده قلمداد شده است. علاوه بر این، اسلام با اشتغال زنان به کار بیرون از خانه با رعایت شؤون اسلامی و ایفای نقش‌های خانوادگی مخالفتی نداشته، همچنین حقوق مالی، شرعی و قانونی برای

۱. رک: حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل‌الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه؛ ج ۱۴، ص ۲۱، ۲۴ و ۱۲۳

زنان همچون؛ مهریه و نفقه و نیز حق تملک و اختیار بر دارایی‌ها و درآمد و انجام امور مالی مختلف را قرار داده است.

با توجه به این موضوع، در برنامه‌ریزی‌ها و قانون‌گذاری‌ها نیز مجموعه سیاست‌های تشویقی در راستای افزایش بهره‌وری و ایجاد اشتغال برای اعضای خانواده و نیز زنان در اجتماع اتخاذ شده است که در قسمت اشتغال زنان به طور خاص به این موضوع پرداخته خواهد شد. همچنین به مجموعه حقوق مالی و اقتصادی آنان در خانواده و پس از تشکیل آن نیز توجه شده است که زنان را به تشکیل خانواده و نیز دریافت حقوق مالی آن تشویق می‌کند.

در منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۸۳/۶/۳۱) در مواد ۹۱ تا ۱۰۰، مجموعه حقوق قانونی‌ای را برای حمایت از تسلط و تملک بر دارایی‌ها برای زنان قرار می‌دهد از جمله: «حق پذیرش وکالت یا وصایت در امور اقتصادی، حق تعیین مهریه و دریافت آن از همسر و هرگونه دخل و تصرف در آن، حق برخورداری از مستمری در صورت فوت پدر، همسر و فرزند طبق قانون یا قرارداد، حق برخورداری وراثت قانونی از حقوق بازنشستگی زن کارمند متوفی، حق پذیرش قیمومت مالی فرزندان و مسئولیت رعایت حقوق اقتصادی فرزند، حق برخورداری زنان و دختران از حمایت‌های لازم در صورت فقر، طلاق، معلولیت، بی‌سرپرستی، بدسرپرستی و ایجاد امکانات جهت توانبخشی و خودکفایی آنها، حق مالکیت بر اموال و دارایی شخصی و بهره‌برداری از آنها با رعایت حدود شرعی و قانونی، حق زنان در انعقاد قراردادها و ایقاعات».

همچنین در ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده (مصوب شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۱) مقرر شده است که «هرکس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع کند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت وی از شکایت در هر زمان تعقیب جزائی یا اجرای مجازات موقوف می‌شود.»

مجموعه این قوانین در عین حمایت از دارایی‌ها و اموال زنان، موجب تشویق بانوان به تشکیل خانواده می‌شوند.

در برنامه پیشنهادی ششم توسعه به این کارکرد خانواده و تحکیم آن توجه شده و راهکارها و سیاست‌های حمایتی برای آن با مورد نظر قرار دادن جایگاه زن در خانواده ارائه شده است از جمله؛ شناسایی روزآمد و بررسی مسائل و آسیب‌های اجتماعی مبتلابه زنان و خانواده با ارائه شیوه‌های علمی- کاربردی ارتقاء سلامت زنان و خانواده در ابعاد مختلف.^۱

۴- کارکردهای تربیتی و جامعه‌پذیری

خانواده انتقال‌دهنده اصلی دانش، ارزش‌ها، نگرش‌ها، نقش‌ها و عادات یک نسل است. از این‌رو، زن و مرد پس از ازدواج در مواجهه با اختلاف سلیقه‌های جدی در روابط زناشویی با مدارا، بردباری و مدیریت درست عواطف خویش کامل‌تر می‌شوند. جامعه‌پذیری فرزندان نیز ابتدا در خانواده از طریق آموزش‌های غیررسمی - آموزش مسائل دینی و رفتار اخلاقی و اجتماعی به صورت گفت‌وگو و سرمشق‌دهی به کودکان محقق می‌شود. متون دینی، درخصوص تأثیر والدین در تربیت فرزندان، بر مسأله‌گزینش همسر و مراقبت اخلاقی آنان تأکید فراوان کرده‌اند.^۲

در برنامه‌ها و قوانین کشوری نیز برای حمایت و ترویج این کارکرد مهم خانواده، مجموعه برنامه‌ها و سیاست‌های تشویقی و ترویجی ارائه شده است تا خانواده‌ها بتوانند با استفاده از این سیاست‌های تشویقی، این کارکرد را به نحو بهتری محقق نمایند. چنانکه در بند ۸ سیاست‌های کلی جمعیت با در نظر داشتن راهبرد توانمندسازی، به توانمندسازی جمعیت در سن کار با فرهنگ‌سازی و اصلاح، تقویت و سازگار کردن نظامات تربیتی و آموزش‌های عمومی، کارآفرینی، فنی - حرفه‌ای و تخصصی با نیازهای جامعه و استعدادها و علائق آنان در جهت ایجاد اشتغال مؤثر و مولد، تأکید و توجه شده است.

همچنین در ماده ۴۱ برنامه پنجم توسعه، در مواد قانونی الف و ب، دولت و دستگاه‌های اجرائی و مؤسسات عمومی غیردولتی ذی‌ربط که از بودجه عمومی دولت استفاده می‌کنند، موظف شده‌اند بر اساس منشور تربیتی نسل جوان و سند ملی توسعه و ساماندهی امور جوانان مصوب دولت، ضمن ایجاد «برنامه ساماندهی امور جوانان» ذیل بودجه سنواتی خود، از طریق ستاد ملی و استانی ساماندهی امور جوانان،

۱ برنامه ششم توسعه، ص ۳۵۵.

۲. رایس، فلیپ، رشد انسان؛ روان‌شناسی رشد از تولد تا مرگ، ص ۲۴۰.

اقدامات لازم را جهت اجرایی شدن این اسناد در طول سال‌های برنامه به عمل آورند و با همکاری سازمان ملی جوانان میزان تحقق شاخص‌های مصوب شورای عالی جوانان را در خصوص اجرایی‌نمودن «برنامه ساماندهی امور جوانان» مورد سنجش و پایش قرار دهند. این مصوبه، می‌تواند با توجه به ساماندهی امور جوانان و ارائه برنامه‌های تربیتی و آموزشی، خانواده‌ها را در تربیت جوانان یاری رساند.

این موضوع به‌طور خاص‌تر در مواد ۶ و ۷ مجموعه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی (مصوب ۱۳۸۴/۴/۷) لحاظ شده است و توجه به تربیت و عواطف اجتماعی به عنوان مهم‌ترین ویژگی‌های نظام انسانی که از خانواده نشأت می‌گیرد و نیز توجه به نقش محوری زن به عنوان محور عاطفه و تربیت و نقش محوری مرد در امر تربیت و تأمین معیشت و اداره زندگی، امری ضروری دانسته شده است. به همین دلیل «تقویت ارتباط خانواده با نهادهای آموزشی و پرورشی و ایجاد هماهنگی بیشتر در بین آنها به منظور ایفای نقش بهتر در تربیت فرزندان» در برنامه‌ها مقرر شده است. همچنین در ماده ۵۳ سند مهندسی فرهنگی کشور، «ارتقاء و متناسب‌سازی نظام تعلیم و تربیت کشور در جهت تربیت بانوان بر اساس سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش» از برنامه‌های مهم فرهنگی کشور دانسته شده است.

بخش سوم:

جایگاه زنان در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران

مقدمه

معارف و احکام اسلامی برخاسته از یک نگاه همه‌جانبه به حقیقت هستی و سرنوشت انسانی است و برای تأمین سعادت فرد و جامعه در راستای حیات مادی و معنوی انسان (اعم از زن و مرد) فرستاده شده و از یک نظام عام برخوردار است که در درون خویش مجموعه‌های کوچک‌تری را نیز دربرمی‌گیرد. یکی از این مجموعه‌ها، نظام شخصیت زن است که باید به‌لحاظ روابط درونی و بیرونی با نظام کلی اسلام به‌درستی شناخته شود. نظام شخصیت زن نیز خود شامل خرده‌نظام‌های دیگری مانند خرده‌نظام هستی‌شناسی، اخلاقی، اجتماعی و نظام حقوقی زن است که میان آنها نیز پیوند منسجمی برقرار است.

آنچه اسلام را از سایر مکاتب بشری ممتاز می‌سازد، همین نظام هماهنگ است که هر چیز را در جایگاه واقعی‌اش تبیین می‌کند و از افراط و تفریط به دور می‌ماند. موقعیت زنان در اسلام، همواره مورد اختلاف- نظر بوده است. گرچه شریعت اسلام تفاوت‌هایی برای حقوق، تکالیف و نقش‌های زنان و مردان قائل شده؛ اما در اسلام، زن و مرد از هویت و جوهره انسانی واحدی برخوردارند و ریشه زنان هم‌چون مردان، طهارت و پاکی است.

باید توجه داشت در ترسیم حقوق زن، لحاظ دو عنصر محوری ضروری است: شناخت انسانیت مشترک بین زن و مرد و همچنین، هویت ویژه زن که تشخیص صحیح تمایز این دو حوزه، در صلاحیت خداوند است.^۱ در آیات مربوط به نفس، تصریح می‌شود که همه مردم (زن و مرد) از «نفس واحده» آفریده شده‌اند.

۱ جوادی آملی، عبدالله، زن در آئینه جلال و جمال، ص ۳۳۶.

و به همین دلیل در انسانیت برابرند؛^۱ علامه طباطبایی در این زمینه می‌فرماید: «این دخالت و منشأیت مرد و زن در پیدایش یک انسان، دلیلی بر یکسانی مرد و زن در ارزش‌گذاری‌های اخلاقی و دستگاه ثواب و عقاب به‌شمار می‌آید».^۲ همچنین از لحاظ ارزشمندی و بهره‌مندی از ارزش‌های انسانی و کمال نیز زن و مرد برابرند. در فرهنگ اسلام، زن و مرد در مسؤولیت‌پذیری، ثواب و عقاب، شناخت و فهم اصول دین، نیروی اختیار، ادراک خوبی‌ها و بدی‌ها، ارزش‌های انسانی و رسیدن به سعادت با یکدیگر یکسان هستند. زیرا خاستگاه ارزش‌های انسانی، نفس آدمی است - نه جسم او - و لذا زن و مرد هر دو، مخاطب آیات هدایت و سعادت قرار می‌گیرند.^۳

اشتراک زن و مرد در رسیدن به مقصود، موجب شباهت و یکسانی وظایف هر کدام نمی‌شود، بلکه هر دو به دلیل تفاوت در ویژگی‌های تکوینی و برآورده شدن نیازهای مختلف اجتماعی، دارای وظایف و نقش‌های متفاوتی هستند. این اختلاف در وظایف و موقعیت‌های ظاهری، به معنای اختلاف مسیر هر یک از آنها در رسیدن به هدف مشترک است و ملاک ارزش‌گذاری شخصیت زن و مرد قرار نمی‌گیرد.

توجه به این مبانی در قانون‌گذاری‌های کشور نیز باید لحاظ شود، چنانکه قانون اساسی به این عناصر محوری به درستی توجه نموده است. قانون اساسی شخصیت و جایگاه زن را از دو جنبه ذاتی و نیز نقش‌های اجتماعی و خانوادگی مدنظر قرار داده، از یک سو به نقش‌های مهم زن در خانواده به عنوان «مادر و همسر» می‌نگرد، یعنی به زن به عنوان مادر و همسر بودن توجه دارد و به همین دلیل در اصل دهم به مسأله خانواده و جایگاه زن در آن می‌پردازد؛ از سوی دیگر به جایگاه خاص زن نیز نگاه می‌کند. این توجه قانون اساسی نیز براساس اصول و مبانی اسلامی‌ای چون غایت‌مندی خلقت و حکمت الهی و وجود هماهنگی میان نظام تکوین، کارکردها، نقش‌ها و حقوق زن و مرد می‌باشد. یعنی نقش‌های جنسیتی به‌عنوان جنبه‌های رفتاری هویت جنسی، مبتنی بر باور هویت‌های جنسی متفاوت مردانه و زنانه شکل می‌گیرند. بنابراین، هویت فرد با خاستگاه طبیعی و روانی و کارکردهای متفاوت دو جنس، منشأ تفاوت در

۱. یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة و خلق منها زوجها و بثّ منهما رجالاً كثيراً و نساء؛ نساء/ ۱ و من آیاتِهِ أن خلقَ لکم من أنفسکم أزواجاً» روم/ ۲۱

۲. رک: طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، صص ۲۶۹ و ۲۷۰

۳. إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيراً وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْراً عَظِیماً» احزاب/ ۳۵؛ همچنین بنگرید به: نحل/ ۹۷؛ مؤمن/ ۴۰؛ نساء/ ۱۲۴ و حدید/ ۱۲ یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» حجرات/ ۱۳

نقش‌هاست. در اسلام، مهم‌ترین نقش‌های جنسیتی زنانه در نقش محوری آنان در خانواده معنا می‌یابد و البته به هیچ روی با حضور اجتماعی آنان در تضاد قرار نمی‌گیرد.

باتوجه به این دو موضوع، در مقدمه قانون اساسی در ۱۳ محور به جایگاه و نقش زن اشاره می‌شود. در این مقدمه آمده است: «در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت استثمار همه‌جانبه خارجی بودند، هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می‌یابند و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند، استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود. خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تعاملی و رشدیابنده انسان است، اصلی اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است.»

زن در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت «شیء بودن» و یا ابزار کار بودن در خدمت اشاعه مصرف‌زدگی و استثمار، خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پرارج مادری، در پرورش انسان‌های مکتبی، پیشاهنگ و هم‌رزم مردان در میدان‌های فعال حیات بوده و در نتیجه، پذیرای مسؤلیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والا خواهد بود.^۱

قانون اساسی در راستای استیفای بیشتر حقوق زنان، علاوه بر اینکه در اصول متعدد به حقوق برابر و وظایف زن و مرد اشاره می‌نماید، حتی در مواردی نیز با توجه به آسیب‌پذیری زنان در قبال برخی موقعیت‌ها، لزوم حمایت از آنان را مقرر می‌دارد.

توجه به نقش‌ها و جایگاه زن و مرد در قانونگذاری و برنامه‌ریزی‌های کشوری، از این جهت اساسی است که ایفای درست و صحیح نقش‌های مردانه و زنانه در حوزه خانواده و اجتماع، نتایج مهمی در پی خواهد داشت، از جمله اینکه:

- این نقش‌ها با عناصر طبیعی و روانی زن و مرد است و موجب نشاط و رضایت‌مندی هر دو می‌شود؛
- نقش‌های متفاوت زن و مرد مکمل یکدیگرند که هم نهاد خانواده را کارآمدتر و سالم‌تر می‌سازند و هم اجتماع را تحکیم می‌بخشند؛
- از نظر جامعه‌شناسان، ارزش‌مند دانستن نقش و احساس تعهد در برابر آن به دلیل اهمیتی که نزد فرد دارد، در ایفای درست نقش ضروری است. زیرا در این صورت، افراد، زمان و انرژی کافی برای انجام فعالیت-

های مرتبط با هر نقش را به دست آورده و از فشار روانی آن بر خود می‌کاهند. از این رو، اهمیت به نقش زنانه و مردانه ضمن ایجاد احساس رضایت در آنها، جامعه را برمی‌انگیزد تا هم به انواع گوناگونی از مشارکت زنان در اجتماع، همسو با نقش‌های خانوادگی آنان بیندیشد و هم برای مردان به گونه‌ای برنامه‌ریزی کند که از ایفای نقش سرباز نزنند. این راهکار، بحران انباشتگی نقش‌های خانگی و اجتماعی را حل خواهد کرد.^۱

حمایت از حقوق زنان

۱- حمایت از حقوق و مسؤولیت‌های فردی و اجتماعی^۲ زنان

برای احقاق حقوق زنان و اجرای برنامه‌هایی در خصوص ارتقاء و رشد آنان و ایجاد فرصت برای ایفای کامل و مؤثر نقش‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و نیز نقش‌های مادری و همسری توسط زنان، لازم است قوانین و مقررات حمایتی‌ای وضع شود. البته این حمایت‌ها به معنای حمایت و تبعیض از یک جنس خاص در مقابل جنس دیگر نیست، بلکه به معنای وضع قوانینی برای ارتقاء سطح مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف و منع تبعیض‌های خاص در مورد زنان از سوی افراد جامعه و نیز جبران آثار تبعیض‌های تاریخی نسبت به آنان است.^۳

۱. امیر رستگار خالد؛ خانواده، کار، جنسیت؛ صص ۶۲ و ۶۳

۲. در تعریف حقوق اجتماعی می‌توان گفت که حقوق اجتماعی به حقوقی گفته می‌شود که فرد آن را به عنوان اینکه عضو جامعه است و با فعالیت شخصی و حرفه‌ای خود و یا با به کارگیری دارایی خود در اجتماع مؤثر واقع می‌شود، دارا می‌باشد و در یک معنای وسیع‌تر، حقوق اجتماعی به سلسله حقوقی اطلاق می‌شود که به منظور رفع بی‌عدالتی‌های اقتصادی و اجتماعی برای فرد شناخته شده است، و این بی‌عدالتی‌ها ناشی از شرایط اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جامعه و محیطی است که فرد در آن زندگی می‌کند. طباطبائی مؤتمنی، منوچهر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، ج ۲، ص ۱۳۹.

۳. در اینجا لازم است که به این نکته توجه نماییم که اسلام اصل مساوات را در حقوق زن و مرد رعایت کرده است، اما لازمه عدالت، تشابه و یکنواختی نیست، بلکه وضع حقوق و تکالیف برابر و یکسان در شرایط همسان و حقوق و تکالیف متفاوت در شرایط نابرابر و ناهمسان است. به عبارت دیگر، برابری زن و مرد از لحاظ انسانیت موجب برابری آنها در حقوق انسانی شده و تفاوت‌های جسمی و روحی ناشی از جنسیت، موجب ناهمسانی حقوق و تکالیفی شده است که به مقتضای جنسیت و تقسیم وظایف طبیعی متناسب مقرر می‌شود. در اسلام، حقوق و تکالیف زن و مرد براساس تلازم حق و تکلیف، متوازن و برابر است و هیچ ترجیح حقوقی برای مردان نسبت به زنان وجود ندارد، بلکه با پیوند میان حقوق و اخلاق، زن و مرد را رفیق هم قرار داده تا رعایت حقوق هر یک از سوی طرف مقابل، امری مقدس و انسانی محسوب شود.

حمایت و دفاع از حقوق زنان، همانند مردان در قوانین و اسناد بالادستی کشور همواره مدنظر قرار داشته است:

* از جمله اسناد اولیه، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که در اصول متعدد خود، مسأله حمایت از حقوق زنان را خواستار شده است. در حقیقت قانون اساسی دولت را مسئول تأمین حقوق همه افراد جامعه چه زن و چه مرد می‌داند و آن را از هرگونه تبعیض در این خصوص منع می‌نماید. اصل سوم قانون اساسی، از اصول مهمی است که حقوق برابری را برای همه افراد اعم از؛ زنان و مردان، از جمله در آموزش و تحصیل، برعهده دولت قرار داده است و مقرر می‌نماید؛ «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای تحقق نیازهای اساسی آحاد جامعه به کار برد.^۱»

آنچه این اصل بر آن تأکید می‌نماید، آن است که دولت بدون تبعیض جنسیتی، موظف به ایجاد و ارائه امکانات آموزشی لازم، امکانات رفاهی و امنیتی برای عموم بدون تبعیض جنسیتی نموده، به طور ضمنی اصل مساوات را برای بهره‌وری از امکانات پذیرفته است. مکمل بند ۳ اصل ۳ در زمینه تساوی زن و مرد در برخورداری از آموزش و پرورش، اصل ۳۰ می باشد که مقرر می‌دارد: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل و تحصیلات عالی را تاسرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.» بند ۱۴ از اصل ۳، به تأمین حقوق همه جانبه افراد اعم از زن و مرد، آشکارا توجه می‌نماید و بر ضرورت تساوی افراد اعم از زن و مرد در برابر قانون

۱. این امور عبارتند از؛

- ایجاد محیط مناسب برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی؛
- بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر؛
- آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی؛
- تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان ...؛
- تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون؛
- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی اجتماع و فرهنگی خویش؛
- رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی؛
- پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه؛
- تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی در برابر قانون.»

تأکید می‌ورزد. بند ۸ این اصل نیز بر ضرورت حق مشارکت عامه مردم اعم از زن و مرد در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش تأکید می‌نماید. علاوه بر این اصل، اصل ۱۹ قانون اساسی به عنوان اصلی فراگیر، بر حمایت‌های دولت از افراد جامعه بدون توجه به جنسیت آنان، تأکید می‌کند: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود». چنانکه اصل ۲۹ تمام افراد را در برخورداری از حق تأمین اجتماعی برابر می‌داند: «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند.» همچنین برخورداری از مسکن مناسب از جمله حقوقی است که قانون اساسی برای همه افراد جامعه چه زن و چه مرد، قرار داده است و در اصل ۳۱ بیان می‌نماید: «داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند بخصوص روستاییان و کارگران، زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.»

همچنین حق تابعیت از جمله حقوقی است که بدون تبعیض و لحاظ جنسیت افراد در قانون اساسی و در اصل ۴۱ لحاظ شده است: «تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.»

* با توجه به مجموعه حقوقی که قانون اساسی برای زنان در نظر گرفته است، در مجموعه اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی و اسناد فرهنگی و نیز برنامه‌های توسعه کشور به حمایت از حقوق و مسؤولیت‌های فردی و اجتماعی زنان در عرصه‌های مختلف، توجه خاص شده است. علاوه بر این، این موضوع مورد تأکید رهبر معظم انقلاب نیز بوده است و ایشان در «سیاست‌های کلی برنامه چهارم، پنجم و ششم توسعه» ابلاغی خود به همین موضوع توجه نموده و به تقویت جایگاه زن در خانواده و «در صحنه‌های اجتماعی و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان» دستور داده‌اند.

* با توجه به این حقوق، شورای عالی انقلاب فرهنگی، منشور حقوق و مسؤولیت‌های زنان در نظام

جمهوری اسلامی ایران را در تاریخ ۸۳/۶/۳۱ به تصویب رساند. این منشور همچنین، در تاریخ

۱۳۸۵/۱۱/۱۵ در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. در این سند آمده است: «منشور حقوق و مسؤولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران با الهام از شریعت جامع اسلام و نظام حقوقی آن و با تکیه بر شناخت و ایمان به خداوند متعال و با هدف تبیین نظام‌مند حقوق و مسؤولیت‌های زنان در عرصه‌های حقوق فردی، اجتماعی و خانوادگی تدوین گردیده است. این منشور اهتمام بر تبیین حقوق و تکالیف زنان در اسلام داشته و مبتنی بر قانون اساسی، اندیشه‌های والای بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و رهبر معظم انقلاب و با بهره‌گیری از سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و سیاست‌های کلی نظام و با لحاظ قوانین موجود و خلأها و کاستی‌های آن و به منظور تحقق عدالت و انصاف در جامعه زنان مسلمان می‌باشد. این منشور با دیدی جامع و فراگیر تنظیم گردیده لذا مشتمل بر حقوق و تکالیف امضایی، تأسیسی و حقوق حمایتی و نیز حقوق مشترک بین همه انسان‌ها است.» در این منشور حقوق و مسؤولیت‌های گوناگون زنان از جنبه‌های مختلف مدنظر قرار گرفته و قوانین آن به تصویب رسیده است. در بخش اول این منشور، «حقوق و مسؤولیت‌های فردی زنان» همچون حق برخورداری از حیات شایسته و تمامیت جسمانی و مسؤولیت محافظت از آن در مقابل هرگونه بیماری، حادثه و یا تعدی، حق برخورداری از تکریم و مسؤولیت رعایت آن برای دیگران، حق آزادی اندیشه و مصونیت از تعرض و عدم امنیت در داشتن اعتقاد و حقوقی فردی دیگر وضع شده است. در بخش سوم نیز به «حقوق و مسؤولیت‌های اجتماعی زنان» همچون حق برخورداری از سلامت جسمی و روانی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی با توجه به ویژگی‌های زنان در مراحل مختلف زندگی و مسؤولیت حفاظت از آن، حق بهره‌مندی از بهداشت (محیط، کار و ...) و اطلاعات و آموزش‌های مورد نیاز، حق مشارکت زنان در سیاست‌گذاری، قانونگذاری، مدیریت، اجرا و نظارت در زمینه بهداشت و درمان، به‌ویژه درخصوص زنان، حق بهره‌مندی از برنامه‌ها و تسهیلات بهداشتی و درمانی مناسب جهت پیشگیری از بیماری و درمان بیماری‌های جسمی و اختلالات روانی زنان، حق دسترسی فراگیر و عادلانه به امکانات ورزشی و آموزشی در زمینه تربیت بدنی و تفریحات سالم و مواردی از این قبیل بیان شده است. در فصل دوم این بخش نیز به «حقوق و مسؤولیت‌های فرهنگی و معنوی زنان» پرداخته شده است.

* در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در ۱۴۰۴ هجری شمسی که در جهت تحقق آرمان‌ها و

اصول قانون اساسی طراحی شده، جامعه ایرانی و موقیعت خانواده و در افق چشم انداز توجه ویژه شده

است و بیان شده که جامعه ایرانی جامعه‌ای باید باشد: «برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و ...» که در این سند نیز به حقوق و فرصت‌های برابر افراد جامعه اعم از زن و مرد و بدون تبعیض بین آنان، توجه شده است.

* به‌علاوه در برنامه‌های توسعه کشور نیز به موضوع پیشرفت با توجه به مسائل زنان، توجه شده است. در برنامه چهارم توسعه، برای حمایت از حقوق زنان مواد حمایتی‌ای با رویکرد «حقوق شهروندی» به تصویب رسیده و به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ شده است. در «بند د ماده ۱۰۰» به حمایت‌های قانونی در راستای ارتقای حقوق انسانی و نیز رشد و تعالی افراد اشاره شده و دولت را موظف به ارائه منشور حقوق شهروندی نموده است. این ماده قانونی، عام بوده و زنان را نیز شامل می‌شود و بیان می‌کند: «دولت موظف است به منظور ارتقاء حقوق انسانی، استقرار زمینه‌های رشد و تعالی و احساس امنیت فردی و اجتماعی در جامعه و تربیت نسلی فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط با روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن منشور حقوق شهروندی را با توجه به محورهای ذیل به تنظیم و به تصویب مراجع ذی ربط برساند» که یکی از بندهایی که باید در تدوین منشور حقوق شهروندی لحاظ شود، مربوط به «تأمین آزادی و امنیت لازم برای رشد تشکلهای اجتماعی در زمینه صیانت از حقوق کودکان و زنان» است. در ماده ۱۱۹ نیز به منظور «ارتقاء امنیت عمومی و انضباط اجتماعی» و در بند ج، دولت موظف به «توسعه مشارکت همه جانبه همه ایرانیان براساس حق برابر شهروندی، در نظام تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و مدیریت اجرایی کشور» شده است که این بند، توسعه مشارکت همه جانبه زنان را با توجه به حقوق شهروندی فراهم می‌نماید. چنانکه در بند الف این ماده دولت موظف شده است از طریق «آموزش عمومی و ترویج فرهنگ قانون-مداری، نظم، مدارا و زیست سالم» این برنامه را اجرایی نماید.

همچنین در ماده ۱۱۱ برنامه چهارم، دولت برای ارتقاء و «تقویت نقش زنان در جامعه و توسعه فرصت‌ها و گسترش سطح مشارکت آنها در کشور» و با استفاده از ظرفیت‌های قانونی، موظف شده است اقدام‌های ذیل را معمول دارد:

الف - تدوین، تصویب و اجرای برنامه جامع توسعه مشارکت زنان مشتمل بر بازنگری قوانین و مقررات، به ویژه قانون مدنی، تقویت مهارت‌های زنان متناسب با نیازهای جامعه و تحولات فناوری، شناسایی و افزایش ساختارهای سرمایه‌گذاری در فرصت‌های اشتغالزای، توجه به ترکیب جنسیتی عرضه نیروی کار، ارتقاء کیفیت زندگی زنان و نیز افزایش باورهای عمومی نسبت به شایستگی آنان؛

ب - تنظیم و ارائه لوایح، مربوط به تحکیم نهاد خانواده جهت تصویب در مراجع ذی صلاح؛

ج - انجام اقدام‌های لازم از جمله تهیه برنامه‌های پیشگیرانه و تمهیدات قانونی و حقوقی به منظور رفع خشونت علیه زنان؛

د - تقدیم لایحه حمایت از ایجاد و گسترش سازمان‌های غیردولتی، نهادهای مدنی و تشکل‌های زنان به مجلس شورای اسلامی.

همچنین، بندهای و تای ماده ۱۱۹ با تهیه طرح راهبردی توسعه نظم و امنیت کشور با رویکرد جامعه محوری، مشارکت همگانی و جایگزینی ارزش‌ها و کنترل‌های درونی به جای رویکرد امنیتی و ارتقاء احساس امنیت در جامعه، موجبات رشد جایگاه شهروندان و «ارتقاء منزلت اجتماعی گروه‌های مختلف مردم» اعم زن و مرد را فراهم می‌کنند.

در برنامه پنجم توسعه نیز دولت با ارائه اسناد و برنامه‌های مشارکتی با سازمان‌های دیگر، موظف به ارائه برنامه‌های حمایتی، در راستای حفظ حقوق و امنیت زنان در جامعه شده است. چنانکه در ماده ۲۲۷، دولت موظف شده است «نسبت به تهیه و تدوین سند ملی امنیت بانوان و کودکان در روابط اجتماعی با مشارکت و برنامه‌ریزی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، قوه قضائیه، سازمان بهزیستی کشور، شهرداری، وزارت کشور، شورای عالی استان‌ها، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و کار و امور اجتماعی توسط دولت در طول سال‌های برنامه اقدام قانونی به عمل آورد.»

همچنین در ماده ۲۳۰/ این برنامه، دولت در راستای استیفای حقوق شرعی و قانونی و ارتقای جایگاه زنان «با همکاری سازمان‌ها و دستگاه‌های ذی‌ربط از جمله مرکز امور زنان و خانواده با هدف تقویت نهاد خانواده و جایگاه زنان در عرصه‌های اجتماعی و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه زمینه‌ها با تدوین و تصویب «برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده» مشتمل بر محورهای تحکیم بنیان خانواده،

بازنگری قوانین و مقررات مربوطه، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، توسعه و ساماندهی امور اقتصادی - معیشتی با اولویت ساماندهی مشاغل خانگی برای زنان سرپرست خانوار و زنان بدسرپرست، تأمین اجتماعی، اوقات فراغت، پژوهش، گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، ارتقاء سلامت، توسعه توانایی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد، ارتقاء توانمندی‌های زنان مدیر و نخبه، توسعه تعاملات بین‌المللی، تعمیق باورهای دینی و اصلاح ساختار اداری تشکیلاتی زنان و خانواده اقدام قانونی نماید.»

از جمله حقوقی که در حوزه غنی سازی اوقات فراغت زنان دنبال شده است "سیاست‌های بهبود وضع گذران اوقات فراغت زنان و دختران (مصوب جلسه ۵۱۳ شورای انقلاب فرهنگی مورخ ۸۱/۱۲/۲۰)" می‌باشد و اجرای برنامه‌های زیر را برای ارتقاء فرهنگی و رشد آنان لازم می‌داند:

- ارائه اطلاعات و معلومات، متناسب با نیازهای فکری، فرهنگی و اجتماعی بانوان با رویکرد به مبانی دینی و منطبق با سیاست‌ها و قوانین نظام جمهوری اسلامی ایران؛
- تقویت و تعمیق محتوای معنوی برنامه‌های تفریحی، ورزشی و سرگرم کننده و فرآورده‌های فرهنگی (فیلم‌ها، نمایشگاه‌ها، مسابقات، تئاترها و...) ارائه شده در اوقات فراغت زنان و دختران؛
- شناسایی و معرفی مراکز فرهنگی - اجتماعی (تخصصی و عمومی) برای اطلاع و استفاده سایر دستگاه‌ها و نهادها از امکانات و تولیدات فرهنگی موجود و اطلاع رسانی عمومی به زنان و دختران برای بهره‌مندی از این مراکز.

۲- حمایت‌های حقوقی و قضایی از زنان

زنان، به‌عنوان عضوی از اعضای جامعه همانند مردان از حقوق قضایی و حمایت‌های قضایی برخوردارند. همانطور که مسئولیت‌های قضایی شامل آنان نیز می‌شود. با توجه به این موضوع، بند ۹ اصل سوم قانون اساسی، دولت را موظف به تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی در برابر قانون، می‌نماید. همچنین اصل ۲۰ قانون اساسی یکی از دو اصلی است که به صراحت، حمایت از زنان را مورد اشاره قرار داده و مقرر می‌دارد: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد به طور یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند.»

حدود و ثغوری که موازین اسلامی در حمایت مساوی از زن و مرد ارائه می‌دهد در قوانین داخلی به‌ویژه قانون مجازات اسلامی منعکس می‌باشد. برخی از مواد این قانون، حمایت‌های خاصی را به نفع زنان و برخی دیگر حمایت‌های بیشتری را به نفع مردان مقرر داشته‌اند.

در راستای قوانین حمایتی، *قانون اساسی در اصل ۲۱* دولت را موظف می‌کند، حقوق زن را با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

۱. ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوقی مادی و معنوی او؛
 ۲. حمایت مادران، به‌خصوص در دروان بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی‌سرپرست؛
 ۳. ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده؛
 ۴. ایجاد بیمه خاص بیوه گان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست؛
 ۵. اعطای قیمومیت فرزندان به مردان شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی».
- تمامی بندهای این اصل بر ضرورت احیای حقوق مادی و معنوی زن تأکید نموده و از حقوق زنان دفاع می‌کند. اما از آنجا که پدر و جد پدری ولی قهری طفل محسوب می‌شوند، بر اساس بند ۵، تا زمانی که این دو در قید حیات باشند، مادر نمی‌تواند سرپرستی امور فرزندش را به عهده بگیرد.

همچنین، با توجه به آسیب‌پذیر بودن زنان، *اصل ۲۱ قانون اساسی* نیز در بندهای پنج‌گانه خود تدابیر خاصی برای حمایت از آنان مقرر داشته که این بندها پایه و مبنای تصویب قوانین عادی متعددی قرار گرفته‌اند. به طور کلی در جهت اجرای اصول ۲۰ و ۲۱، *قانون اصلاح مقررات قانون طلاق مصوب ۱۳۷۰-۷۱*، *قانون اختصاص بعضی از دادگاه‌های عمومی به دعاوی خانوادگی موضوع بند ۳ اصل ۲۱ قانون اساسی مصوب ۷۶*، *قانون اعتبار گواهی عدم امکان سازش مصوب سال ۱۳۷۶* و *قانون الحاق ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی مصوب ۱۳۷۶* به تصویب رسیده است. به عنوان مثال در *قانون حمایت خانواده (مصوب مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۱)* به منظور حمایت‌های قضایی از حقوق زنان و خانواده، تشکیل دادگاه خانواده و وظایف و شرایط و اهداف آن مصوب و تعیین شده است. همچنین در ماده ۲۲ شرایط عقد ازدواج و مهریه زوجه، شرایط طلاق، در ماده ۶ حق حضانت مادر، در مواد ۴۰ تا ۴۷ فصل پنجم این مصوبات حق حضانت فرزندان برای مادر و شرایط آن و حقوق وظیفه و مستمری برای زنان در صورت

فوت همسر به عنوان حقوقی که شرع و قانون برای زنان به عنوان همسر و مادر مقرر نموده است، بیان شده است.

همچنین برای حمایت قانونی از زنان بی سرپرست، *قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست* (مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۷ مجلس شورای اسلامی) به تصویب رسیده و حمایت‌های فرهنگی، مالی و مراقبتی به صورت مواظبت و نگهداری و نیز پرداخت مستمری مالی در مواد ۴، ۵ و ۶ این قانون مصوب شده است.

علاوه بر این در «فصل پنجم» منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران (مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۸۳/۶/۳۱)، ذیل مواد ۱۳۱-۱۴۸ به «حقوق و مسئولیت‌های قضایی زنان» پرداخته شده و حقوق مختلفی برای زنان در زمینه «برخوردارگی از آموزش‌های حقوقی»، «برخوردارگی از تدابیر قانونی و حمایت قضایی به منظور پیشگیری از جرم و ستم به زنان در خانواده و جامعه و رفع آن»، «حق برخوردارگی از محاکم خاص خانواده در جهت حفظ اسرار، ایجاد صلح و سازش در خانواده و تسهیل در حل و فصل اختلافات»، «حق دسترسی زنان به نیروی انتظامی و ضابطین دادگستری زن در صورت تعرض، بزه‌دیدگی، اتهام و ارتکاب جرم»، «حق زنان در تصدی مشاغل حقوقی و قضایی مطابق قانون»، «حق اقامه دعوا و دفاع در نزد محاکم دادگستری و سایر مراجع قانونی»، «حق استفاده از وکیل و مشاور حقوقی در دادگاه و یا سایر مراجع قانونی»، «حق برخوردارگی از حمایت‌های همه جانبه دستگاه قضایی با عوامل زمینه‌ساز جرائم علیه زنان و ارتکاب جرائم توسط زنان»، «حق مصونیت زنان متهم از هتک حرمت، اهانت و محرومیت‌های فردی و اجتماعی فراتر از مجازات قانونی»، «حق زنان در معافیت از مجازات در صورت وجود عوامل رافع مسئولیت کیفری»، «حق برخوردارگی از حمایت‌های قضایی از سوی مدعی‌العموم علیه ولی و سرپرست قانونی فاقد صلاحیت و دیگر متجاوزان به حقوق آنان» و مواردی از این قبیل وضع شده است.

حضور و مشارکت زنان در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی

مشارکت زنان در عرصه اقتصادی؛ کسب درآمد و اشتغال

دین مبین اسلام با اشتغال زنان به این شرط که با اصول و معیارهای اسلامی مغایرت نداشته باشد، مخالفی ندارد. اسلام زن را در خانه منزوی نمی‌نماید، بلکه زن می‌تواند با حفظ معیارها و ضوابط اسلامی و عرفی برای کسب درآمد تلاش نماید. اشتغال زنان در صورتی که با حیثیت و شرافت خانواده مغایرتی نداشته باشد و در چارچوب موازین اسلامی باشد، مورد تأیید اسلام است. اسلام اشتغال زن را مادامی که او را از رسیدگی به امور خانواده و فرزندان باز ندارد، و نیز با کرامت و ارزش معنوی و انسانی‌اش منافات نداشته باشد، منع نمی‌کند. بنابراین، سیاست‌گذاری اشتغال زنان ارتباط وثیقی با سیاست‌های رفاه خانواده دارد، سیاست‌هایی که به دنبال تضمین دو هدف اصلی، یعنی؛ برقراری تعادل بین مسؤولیت‌های والدین به-ویژه مادران در دو دنیای کار و زندگی خانوادگی و برآورده شدن نیازهای اولیه کودکان در چارچوب خانواده به‌ویژه از طریق حمایت‌های درآمدی والدین هستند. همچنین این حوزه از سیاست‌گذاری در پی زمینه‌سازی برای ورود زنان به بازار کار بر اساس الگوهای شغلی متنوع؛ کار تمام وقت، نیمه وقت، پاره وقت و انعطاف پذیر مطابق با الگوی سیاست جنسیتی اتخاذ شده توسط نظام‌های رفاهی کشورهای مختلف می‌باشد. که این مهم را در قالب تعیین خط‌مشی‌ها، ارائه راهبردهای اساسی جهت دهنده به تمامی دستگاه‌های ذی‌ربط پیگیری نموده و همچنین از طریق ارائه لوایح و برنامه‌های پنج ساله توسعه، خطوط اساسی و چشم‌اندازهای آتی، برنامه‌ها و اقدامات را در خصوص اشتغال زنان در نظام‌های رفاهی مشخص می‌کند.

با تأکید بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی مبنی بر «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی» و تصریح بند ۱۴ اصل ۳ آن به «تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد» می‌توان فهمید که قانون اساسی خواستار رفع تبعیض میان زن و مرد در زمینه اشتغال بوده است. به همین دلیل در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت موظف به زمینه‌سازی و فراهم نمودن فرصت‌های دستیابی به مشاغل برای زنان و مردان به‌طور یکسان با رعایت موازین اسلامی و با توجه به نیازهای جامعه به مشاغل گوناگون می‌باشد. چنانکه اصل ۲۸ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت

نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد، امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.» همچنین اصل ۴۳ به منظور تأمین استقلال اقتصادی و از بین بردن فقر و محرومیت و برآورده کردن نیازهای انسان در جریان رشد با حفظ آزادی او، ضوابط اقتصاد اسلامی را به شرح زیر بیان نموده است: «... ۲. تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند، ولی وسایل کار ندارند... ۳. برنامه تنظیم اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان نباشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد ۴. رعایت آزادی انتخاب شغل...» روشن است که در بند ۲ اصل ۴۳، تأمین شرایط کار از سوی دولت برای افراد، صرف نظر از جنسیت آنان تعیین شده است. در بند ۴ این اصل به رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از دیگری، صرف نظر از زن و مرد بودن اشاره شده است.

به طور کلی، حمایت‌های اقتصادی مقرر در قانون اساسی بدون لحاظ هرگونه تبعیض میان زن و مرد لحاظ شده است. همچنانکه، اصل ۴۶ مقرر می‌دارد: «هر کسی مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمی‌تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود، امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند» و اصل ۴۷ نیز مقرر می‌دارد: «مالکیت شخصی از راه مشروع محترم است. ضوابط آن را قانون معین می‌کند.»

با توجه به قداست مقام مادر و تربیت نسل آینده و مدیریت خانه و با عنایت به اهمیت نقش زنان در فرایند رشد فرهنگی و توسعه اقتصادی، باید ارزش معنوی و مادی نقش زنان در خانواده و کار آنان در خانه نیز در نظر گرفته شود. به همین منظور، قوانین و مقررات کشور، پاره‌ای تسهیلات و امتیازات را در زمینه اشتغال بانوان به منظور حمایت از آنان در دو نهاد خانواده و اجتماع لحاظ نموده است. باید توجه داشت سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های اشتغال بانوان باید به گونه‌ای باشد که در راستای اصول قانون اساسی خصوصاً اصل ۲۱، زمینه رشد معنوی، علمی و حرفه‌ای آنان را مهیا نماید. همچنین زمینه حضور بانوان در مشاغلی که پرداختن به آن مطلوب شارع است و از لحاظ روحی و جسمی متناسب بانوان است، فراهم

شود و در سیاستگذاری‌ها نیز به ویژگی‌ها و موقعیت‌های خاص زنان همچون؛ اقتضائات زنانگی، همسری و مادری توجه شود.^۱

بر اساس آنچه گفته شد سیاستگذاری اشتغال زنان در موارد فوق مقید به قید رعایت موازین اسلامی، عدم تنافی با مصالح عمومی و حقوق دیگران و همچنین تناسب با ویژگی‌های زنان و درک موقعیت‌های زن بودن، همسری و مادری می‌باشد که موارد ذیل را می‌توان با توجه به هر کدام از قیود فوق لحاظ نمود:

۱. اشاره به لزوم پذیرش تفاوت‌های میان حقوق زن و مرد که در فقه اسلامی مطرح شده است؛ با چنین رویکردی زن و مرد در کلیت حقوق با هم برابرند و هیچگونه تبعیضی میان آنها وجود ندارد و مشاهده برخی از تفاوت‌های حقوقی میان زنان و مردان ناشی از تفاوت‌های جسمی و روحی زن و مرد بوده که آثار و تبعات خود را در حقوق و تکالیف برجای می‌گذارد و نادیده انگاشتن این تفاوت‌ها، ظلمی آشکار به هر دو جنس و به ویژه زنان خواهد بود.

۲. تناسب مشاغل زنان با ویژگی‌های زنان و درک موقعیت‌های زن بودن، همسری و مادری؛ بر این اساس، از یک سو با توجه خاص به سیاست‌گذاری اشتغال زنان در سیاست‌گذاری اجتماعی، زمینه رفع مسائل و مشکلات زنان در حوزه اشتغال (که می‌توان آن را از حیث ارتباط وثیقی که با سایر حوزه‌های اجتماعی دارد میان حوزه‌ای در نظر گرفت) فراهم شود. این امر نیز زمینه استفاده حداکثری از ظرفیت زنان در پیشرفت جامعه را فراهم خواهد کرد.

از سوی دیگر، در سیاستگذاری‌ها در مورد زنان، سیاست‌های حمایتی از زنان شاغل و غیرشاغل باید مورد توجه قرار گیرد تا میان نقش‌های خانوادگی و اجتماعی زنان تعادل برقرار شده و از آنان حمایت گردد چراکه زنان در خانواده مسئولیت نگهداری از اعضای خانواده به‌ویژه فرزندان و نیز انجام کار خانگی را به عهده دارند که این امر ضرورت ارائه خدمات رفاهی و حمایتی بیشتری را برای آنان ایجاب می‌کند. اتخاذ این سیاست‌های حمایتی با توجه به قوانین اساسی و اصلی هر نظام و نیز رویکرد آن به جایگاه و شخصیت زن از لحاظ جنسیتی متفاوت است. با توجه به این مسأله و بر اساس مبانی اعتقادی و ایدئولوژیک نظام جمهوری اسلامی ایران که خانواده به‌عنوان بنیان جامعه، از ارزش و اهمیت والایی برخوردار بوده و زن نیز

۱. از جمله؛ ۱. ایجاد زمینه‌های مساعد برای شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او ۲. حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری

و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی سرپرست و...»

به عنوان محور اصلی و مدیر آن تلقی می شود، همه برنامه ریزی ها و قوانین نیز باید ضمن توجه به حفظ و تقویت این نهاد، رشد و تعالی وجودی زن و سلامتی جسم و روح او را مد نظر قرار دهد. همچنین ضروری است؛ سیاست های کاهش تعارضات میان انجام مسؤولیت های اجتماعی زنان و خاصه اشتغال آنها با مسؤولیت های خانوادگی و فردی زنان در محیط خانواده از طریق اصلاح ساختار شغلی، ارائه تسهیلات شغلی برای انجام وظایف مادری و حمایت از مادران شاغل همچون؛ مرخصی های دوران بارداری، زایمان و اصلاح ضوابط شغلی متناسب با ویژگی های زنان نظیر؛ کاهش سن بازنشستگی زنان، بازنشستگی پیش از موعد زنان با ۲۰ سال سابقه کار، اعمال نماید.

با نگاهی کلی به مجموعه قوانین و سیاست گذاری های کلان و اسناد بالادستی می توان؛ سیاست گذاری اشتغال زنان را در دو محور کلی؛ سیاست های تشویقی- ترویجی اشتغال زنان و سیاست های حمایتی بررسی نمود.

الف: سیاست های تشویقی و ترویجی اشتغال زنان

۱- سیاست های تشویقی و ترویجی با قید اشتغال زنان

۱-۱- سیاست های اشتغال زنان با توجه به رشد معنوی، علمی و حرفه ای

نکته مهم در خصوص سیاست های تشویقی اشتغال زنان متکی به مبانی اسلامی که بیان شد، این است که اشتغال زنان باید با شرایط جسمی و روحی زن و وظایف و مسؤولیت های شخصی و خانوادگی او متناسب بوده و بتواند رشد معنوی و روحی زن را تأمین نماید. چنانکه در تبصره ۱۴ اصل ۳ قانون اساسی باید شغل افراد به گونه ای باشد که بتواند فرصت و توان کافی را برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی آنها فراهم آورد و نیز به افزایش مهارت و ابتکار آنها کمک و مدد رساند. به همین دلیل در ماده ۴ سیاست های اشتغال زنان (مصوب ۲۰/۱۳۷۱/۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی) به این موضوع مهم توجه شده است. ماده ۱ بیان می کند: «با توجه به قداست مقام مادری و تربیت نسل آینده و مدیریت خانه و با عنایت به اهمیت نقش زنان در فرآیند رشد فرهنگی و توسعه اقتصادی، باید ارزش معنوی و مادی نقش زنان در خانواده و کار آنان در خانه در نظر گرفته شود.» و ماده ۴ نیز بیان می کند که: «شرایط و محیط کار

اجتماعی بانوان باید به گونه‌ای مهیا شود که زمینه رشد معنوی، علمی و حرفه‌ای آنان فراهم شود و به دیانت، شخصیت، منزلت و سلامتی فکری و روحی و جسمی آنان لطمه‌ای وارد نیاید.»

همچنین در مواد ۴۷، ۷۳، ۱۰۷ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران مصوب شورای عالی انقلاب (مصوب جلسه شماره ۵۴۶ مورخ ۸۳/۶/۳۱)، مواد قانونی زیر با توجه به این موضوعات تصویب شده است:

ماده ۴۷: «حق برخورداری از سلامت جسمی و روانی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی با توجه به ویژگی‌های زنان در مراحل مختلف زندگی و مسئولیت حفاظت از آن»؛

ماده ۷۳: «حق بهره‌مندی از مراکز فرهنگی ویژه بانوان با رعایت ضوابط اسلامی، با توجه به خصوصیات روحی و جسمی آنان و با اولویت مناطق محروم»؛

ماده ۱۰۷: «حق برخورداری از تسهیلات و ضوابط و قوانین متناسب با مسئولیت‌های خانوادگی (همسری- مادری) زنان در جذب، به‌کارگیری، ارتقاء و بازنشستگی آنان در زمان اشتغال».

علاوه بر این، در سند مهندسی فرهنگی کشور نیز که با هدف برنامه‌ریزی و ارتقاء فرهنگ کشور و از طریق ارائه برنامه‌های عملی و کاربردی طراحی شده است، قوانین و راهبردهایی برای اشتغال زنان و آموزش در جامعه، با توجه به معیارهای فرهنگی، دینی و اعتقادی و نیز معیارهای فرهنگ ایرانی ارائه شده است. در این خصوص در راهبرد کلان ۴ این سند، «تدوین الگوی سبک زندگی و ترویج آن به‌ویژه فعالیت‌های اجتماعی، آموزشی و اشتغال زنان متناسب با معیارهای اسلامی و هماهنگ با مصالح خانواده به- منظور ایفای هرچه کامل‌تر نقش مادری و همسری» و راهبرد ۱۰، «تدوین و اجرای الگوها و برنامه‌های حضور اجتماعی مطلوب و تنوع بخشی به مشاغل زنان متناسب با مسئولیت‌های خانوادگی (همسری و مادری)» به عنوان راهبردی ملی پیشنهاد شده است.

۱-۲- سیاست‌های آموزشی و مهارت‌افزایی در راستای ارتقاء شغلی

از جمله سیاست‌ها و راهبردها در جهت ارتقاء شغلی، طراحی و اجرای دوره‌های آموزشی متناسب با شرایط شغلی و نوع آن است که در برنامه‌های مختلف آموزشی در دستور کار ادارات و سازمان‌ها قرار می‌گیرد. این برنامه‌ها در خصوص فعالیت زنان نیز می‌تواند موجبات ارتقاء و پیشرفت زنان را فراهم نماید.

این مسأله به شکل یک سیاست‌گذاری کلی در مواد ۴۸ منشور حقوق و مسؤولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران (مصوب شورای عالی انقلاب در جلسه شماره ۵۴۶ مورخ ۸۳/۶/۳۱ و مصوب مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی مورخ ۱۳۸۵/۱۱/۱۵)، با عنوان «حق بهره‌مندی از بهداشت (محیط، کار و ... و اطلاعات و آموزش‌های مورد نیاز» و ۷۱، «حق کسب مهارت‌ها و آموزش‌های تخصصی بصورت کمی و کیفی تا بالاترین سطوح» بیان شده است و به صورت خردتر در خصوص حقوق و مسؤولیت‌های فرهنگی و معنوی زنان در مواد ۶۰، با عنوان «حق و مسؤولیت در کسب و افزایش آگاهی نسبت به شخصیت، حقوق و نقش خویش در عرصه‌های مختلف زندگی منطبق با آیین مقدس اسلام» و ۷۱، «حق و مسؤولیت آگاهی و کسب مهارت‌های لازم در مدیریت خانه و خانواده، تربیت و پرورش فرزند و مقابله با آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی» بیان شده است.

اما در خصوص آموزش‌ها و برنامه‌های مهارت‌افزایی در خصوص اشتغال زنان، ماده ۱۰۲ این منشور، حقوق زنان را این‌گونه بیان می‌کند: «حق بهره‌مندی زنان از اطلاعات، آموزش‌ها و کسب مهارت‌ها و امکانات کار جهت اشتغال مناسب و حق برخورداری از حمایت در این امور برای زنان خودسرپرست (مستقل - غیروابسته) و سرپرست خانوار»

باتوجه به این موضوع در برنامه‌های توسعه نیز به آموزش و مهارت‌افزایی زنان در راستای اشتغال آنان توجه شده و مواد قانونی آن مصوب و ابلاغ شده است. چنانکه طبق بند ۱ ماده ۵۴ برنامه چهارم توسعه، دستگاه‌های اجرایی موظف شده‌اند، «درصدی از اعتبارات هزینه‌ای خود را برای طراحی و اجرای دوره‌های آموزشی ضمن خدمت کارکنان خود (خارج از نظام آموزش عالی رسمی کشور) در برنامه آموزش کارکنان دولت پیش بینی و به‌ویژه دوره‌های کوتاه مدت و برای زنان» هزینه نمایند. همچنین در بند م ماده ۱۰۶ و بند الف ماده ۱۱۱ این برنامه نیز به این موضوع پرداخته شده و دولت موظف شده است؛ با هدف تقویت نقش زنان در جامعه و توسعه فرصت‌ها و گسترش سطح مشارکت آنها در کشور، اقدام به «تدوین، تصویب و اجرای برنامه جامع توسعه مشارکت زنان مشتمل بر بازنگری قوانین و مقررات، به ویژه قانون مدنی تقویت مهارت‌های زنان متناسب با نیازهای جامعه و تحولات فناوری، شناسایی و افزایش ساختارهای سرمایه‌گذاری در فرصت‌های اشتغال‌زا، توجه به ترکیب جنسیتی عرضه نیروی کار، ارتقاء کیفیت زندگی زنان و نیز افزایش باورهای عمومی نسبت به شایستگی آنان» نماید.

در مجموعه لوایح مورد نیاز پیشنهادی برنامه ششم توسعه ذیل ماده ۲۶ با رویکرد عدالت جنسیتی، نهادها و سازمان‌های متولی امر زنان موظف شده‌اند؛ برنامه‌هایی برای بهره‌مندی از سرمایه انسانی زنان در جهت توسعه پایدار ارائه نمایند.^۱

علاوه بر این، در سند مهندسی کشور بند ۱۰ ماده ۱۳ نیز به شکلی کلی به «متناسب‌سازی نظام آموزشی کشور با ملاحظات جنسیتی و سیاست‌های جمعیتی در ساختار، محتوا و طول مدت تحصیل» زنان توجه شده است، که لزوم توجه به هماهنگی آموزش‌ها با مناسبات جنسیتی را مد نظر دارد.

نکته قابل توجه درخصوص این آموزش‌ها این است که برنامه‌ریزی در خصوص آموزش‌های زنان برای اشتغال، باید با توجه به مسؤولیت‌های اجتماعی آنان انجام شود چراکه پذیرش بعضی از مشاغل خاص زنان از حیث ضرورت انجام مسؤولیت‌های اجتماعی آنان صورت می‌گیرد. به همین دلیل آموزش‌های اشتغال-محور نیز باید با توجه به این موضوع انجام شده و در حقیقت هوشمندانه باشند. چنانکه ماده ۱۰۲ منشور حقوق و مسؤولیت‌های زنان (مصوب شورای عالی انقلاب در جلسه شماره ۵۴۶ مورخ ۸۳/۶/۳۱ و مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی مورخ ۱۳۸۵/۱۱/۱۵) با قید «مناسب» به این موضوع اشاره می‌کند که نشان از هوشمندانه بودن این آموزش اشتغال‌محور از حیث توجه به نوع مشاغلی دارد که زنان باید در آن حضور یابند و آن را به‌عنوان یکی از حقوق زنان برمی‌شمرد.

۱-۳- برنامه‌ریزی در جهت توسعه مشاغل خانگی و اعطای تسهیلات برای اشتغال زنان سرپرست خانواده

و توسعه تعاونی‌های زنان

از اقداماتی که منجر به تشویق و تسهیل اشتغال زنان می‌شود و با نقش‌های دیگر زنان در خانواده نیز تناسب دارد، مشاغل خانگی است.^۲ توجه به این‌گونه مشاغل و برنامه‌ریزی در جهت ترویج و ارتقای آن، می‌تواند به اشتغال زنان و بهبود وضعیت اقتصادی و معیشت آنان و همچنین بهره‌بردن از ظرفیت کار آنان

۱. لایحه احکام مورد نیاز اجرای برنامه ششم توسعه، ص ۴۵.

۲. منظور از مشاغل خانگی آن دسته از فعالیت‌هایی است که توسط عضو یا اعضای خانواده در فضای مسکونی در قالب یک طرح کسب و کار بدون مزاحمت و ایجاد اختلال در آرامش واحدهای مسکونی هم‌جوار شکل می‌گیرد و منجر به تولید خدمت و یا کالای قابل عرضه به بازار خارج از محیط مسکونی می‌گردد. (وزارت تعاون و رفاه اجتماعی ۱۳۹۲) البته مشاغل خانگی می‌تواند به نحو عمومی مورد توجه زنان و مردان - هر دو - قرار گیرد و اصولاً اختصاصی به زنان ندارد ولی عملاً به دلیل ویژگی‌های زنان و تناسب این نوع از اشتغال با این ویژگی‌ها، بخش قابل توجهی از جمعیت فعال در این طیف از مشاغل را زنان تشکیل می‌دهند.

در راستای برنامه‌های توسعه کشور کمک نماید. به همین دلیل در برنامه‌ریزی‌ها و قوانین و مصوبات کشور نیز به این مسأله توجه شده است. در ماده ۵ سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۷۱/۵/۲۰) به اشتغال زنان و نقش آنان در نقش زنان در پیشرفت اجتماعی و توسعه اقتصادی به عنوان نیمی از جمعیت توجه شده و دولت موظف شده؛ تسهیلات لازم برای اشتغال آنان را از سوی دستگاه‌های اجرایی فراهم نماید، برنامه‌ریزی‌های مناسب حسب اولویت صورت گیرد و به علاوه قوانین و امکانات فوق‌العاده‌ای نیز برای اشتغال زنان تا سرحد رفع نیاز در نظر گرفته شود. همچنین در ماده ۱۰ و ۱۲ این برنامه نیز به طور خاص به اشتغال مادران به‌عنوان یکی از مصادیق اشتغال خانگی، توجه و مقرر شده است؛ «فرصت‌های شغلی مناسب برای مادران خانه‌دار در محیط خانه و در کنار فرزندان، بدون محدودیت وقت و با منظور کردن مزد در قبال کار و تسهیلات تعاونی، ایجاد شود».

در سند جامع مهندسی کشور و در راستای توجه و اهمیت به جایگاه زنان در خانواده و نقش اشتغال‌زای آنان به همراه نقش‌های خانوادگی آنان، در بند ۱۸ ماده ۱۳ این سند، به نقش خانه‌داری زنان توجه و مقرر شده است؛ به‌عنوان سیاستی حمایتی، «خانه‌داری به‌عنوان شغل احتساب و به بیمه بازنشستگی زنان متأهل خانه‌دار با پرداخت بخشی از حق بیمه توسط دولت متناسب با درآمد خانواده، توجه شود».

همچنین در سیاست‌های بهبود وضع گذران اوقات فراغت زنان و دختران (مصوب جلسه ۵۱۳ شورای انقلاب فرهنگی مورخ ۸۱/۱۲/۲۰) نیز به مشاغل خانگی زنان در راستای تقویت برنامه‌های اوقات فراغت زنان با هدف «مهارت‌بخشی لازم به زنان و دختران به‌منظور گسترش اشتغال مولد خانگی و کاهش معضل بیکاری» توجه شده است.

با توجه به تأثیر این موضوع در توسعه کشور، برنامه‌های پنج‌ساله توسعه نیز به این مسأله اهتمام داشته‌اند. در برنامه چهارم توسعه، اگرچه صراحتاً به مشاغل خانگی پرداخته نشده، اما در ماده ۱۰۲، دولت با دستورالعملی عمومی به حمایت و توسعه و استفاده مؤثر از قابلیت‌های بخش تعاونی و با رویکرد «استقرار عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه درآمدها، تأمین منابع لازم برای سرمایه‌گذاری‌ها، از طریق تجمیع سرمایه‌های کوچک، و در راستای اجرای بند (۲) اصل چهل و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، افزایش قدرت رقابتی و توانمندسازی بنگاه‌های اقتصادی متوسط و کوچک، کاهش تصدی‌های دولتی، گسترش مالکیت و توسعه مشارکت عامه مردم در فعالیت‌های اقتصادی، موظف شده است. محور الف این ماده مربوط به

«توانمندسازی جوانان، زنان، فارغ التحصیلان و سایر افراد جویای کار، در راستای برقراری تعاملات اجتماعی» می‌باشد. با توجه به این موضوع، در واقع می‌توان گفت؛ یکی از محورهای برنامه و راهبرد ارائه شده دولت در راستای ترویج و توسعه مشاغل خانگی و حمایت و تسهیل اشتغال زنان، می‌تواند حمایت از تعاونی‌هایی باشد که با محوریت مشاغل خانگی و اشتغال زنان به طور کلی شکل می‌گیرند، چرا که در هر کشوری ایجاد اشتغال جدید به‌منظور تقلیل پیامدهای بیکاری یکی از اهداف مهم برنامه‌ریزی و توسعه اقتصادی است و بخش تعاونی از این امتیاز برخوردار است. علاوه بر اینکه این نوع همکاری، به دلیل منافع خاصی که برای اجتماع دارد از پشتوانه ارزشی و دینی برخوردار بوده و از این لحاظ نیز دارای اهمیت است.

در برنامه پنجم توسعه نیز دولت اجازه دارد تا با انجام اقداماتی از جمله ایجاد و توسعه مشاغل خانگی و بنگاه‌های زودبازده به افزایش اشتغال یاری رساند (ماده ۱۰) و با همکاری سازمان‌ها و دستگاه‌های ذی‌ربط از جمله مرکز (معاونت) امور زنان و خانواده با هدف تقویت نهاد خانواده و جایگاه زنان در عرصه‌های اجتماعی و استیفاء حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه زمینه‌ها با تدوین و تصویب «برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده» مشتمل بر محورهای تحکیم بنیان خانواده، بازنگری قوانین و مقررات مربوطه، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، توسعه و ساماندهی امور اقتصادی - معیشتی با اولویت ساماندهی مشاغل خانگی برای زنان سرپرست خانوار و زنان بدسرپرست تأمین اجتماعی، اوقات فراغت، پژوهش، گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، ارتقاء سلامت، توسعه توانایی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد، ارتقاء توانمندی‌های زنان مدیر و نخبه، توسعه تعاملات بین‌المللی، تعمیق باورهای دینی و اصلاح ساختار اداری تشکیلاتی زنان و خانواده اقدام قانونی نماید. (ماده ۲۳۰)

در برنامه پیشنهادی ششم توسعه کشور نیز به شکلی کلی به توسعه بخش تعاونی‌ها توجه شده است. در بخش مربوط به تعاونی‌ها، «ارتقاء سرمایه اجتماعی کشور از طریق توسعه و گسترش مشارکت و همکاری در بخش تعاونی» یکی از اهداف تعاونی‌ها بیان شده است.^۱ از آنجا که زنان از سرمایه‌های اجتماعی کشور محسوب می‌شوند، این اهداف باید مسائل اشتغال زنان را نیز مدنظر قرار دهند و به گسترش تعاونی‌های

زنان کمک نمایند. در این قسمت یکی از سیاست‌های اجرایی، شناسایی زنان جویای کار و کاهش افراد فقیر با محوریت بخش تعاونی‌ها است.

در این برنامه با ارائه راهکارهای خاص اشتغال زنان و با راهبرد توانمندسازی، به مسأله اشتغال زنان و به‌خصوص اشتغال زنان سرپرست خانوار توجه شده است. با توجه به این راهبرد، اقدامات اساسی‌ای چون حمایت از اشتغال‌های خُرد، خانگی و زودبازده و اعطای کمک‌های غیرنقدی به خانوارهای آسیب‌پذیر به منظور تأمین امنیت غذایی، بیمه اجتماعی زنان سرپرست خانوار، گسترش ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد، حمایت از زنان کارتون خواب و ... مورد توجه قرار گرفته است.^۱

این سیاست‌ها ضمن آنکه به شکل عمومی از اشتغال زنان و مشاغل خانگی حمایت می‌کنند، می‌توانند با اتخاذ برنامه‌ها و قوانین در جهت اشتغال بیشتر قشر آسیب‌پذیر زنان در جامعه یعنی؛ زنان سرپرست خانوار و ارائه تسهیلات حمایتی به آنان اقدام نموده و زمینه‌های کسب درآمد آنان را فراهم کنند. به همین منظور و از آنجا که خانواده‌های تک‌سرپرست بیشتر در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار دارند، در ماده ۹۷ برنامه چهارم توسعه، به حمایت‌های سازمان‌های دولتی و غیردولتی از این خانواده‌ها توجه شده است. همچنین در در مواد ۹۴ و ۹۷ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان (مورخ ۸۳/۶/۳۱) به حمایت‌های اقتصادی از زنان از سوی دولت برای ایجاد شرایط مناسب‌تر زندگی نیز توجه شده است.

۱-۴- حق اشتغال زنان و آزادی در انتخاب شغل مناسب

بنابر حکمت الهی، همچنانکه زنان از قابلیت‌ها و توانایی‌هایی برخوردارند، حق دارند در جهت تحقق و شکوفایی این استعدادها تلاش نمایند و از منافع آن بهره‌مند شوند. به همین دلیل، در اصل ۲۱ و ۲۸ قانون اساسی، حق اشتغال برای هر مرد و زن مقرر شده و در بند ۴ اصل ۴۳، آزادی انتخاب شغل برای همه و بدون اجبار برای کار معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری اشاره شده است. لذا در مجموعه قوانین و مصوبات کشور نیز به این موضوع توجه شده و حقوقی در زمینه اشتغال زنان مقرر گردیده است.

در ماده ۲ سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران (مصوب دویست و هشتاد و هشتمین جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۷۱/۵/۲۰)، اشتغال بانوان در مشاغل فرهنگی و اجتماعی و

اقتصادی و اداری از جمله شرایط و لوازم تحقق عدالت اجتماعی و تعالی جامعه دانسته شده است. همچنین در مواد ۱۰۱ (بند ب بخش سوم) منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران (مصوب شورای عالی انقلاب در جلسه شماره ۵۴۶ مورخ ۸۳/۶/۳۱ و مصوب مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی مورخ ۱۳۸۵/۱۱/۱۵)، «حق اشتغال بعد از رسیدن به سن قانونی کار و آزادی انتخاب شغل و به‌کارگیری سرمایه‌های فردی و مسئولیت رعایت قوانین اسلامی در کسب درآمد و نحوه مصرف آن» به عنوان یک حق برای زنان تصویب شده است. همچنین به موجب این حق، در ماده ۱۰۴ نیز «حق برخورداری از مزد و مزایای برابر، در شرایط کار مساوی با مردان و سایر زنان» مقرر شده است.

۱-۵- حق برخورداری از مشاوره شغلی توسط بانوان

از امور تسهیل کننده در جهت ایجاد شرایط مناسب اشتغال برای زنان، ارائه مشاوره‌های شغلی برای زنان است. به‌ویژه اگر این مشاوره‌ها به‌وسیله زنان انجام شود، به دلیل آگاهی بیشتر زنان مشاور از شرایط زنان موجبات فراهم نمودن شرایط بهتری برای اشتغال زنان جویای کار خواهد شد. در ماده ۱۰۳ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران، این حق بیان بدین صورت بیان شده است: «حق برخورداری زنان از مشاوره شغلی و کاریابی توسط بانوان». علاوه بر این می‌توان با انجام مشاوره‌های مفید، اوقات فراغت بانوان را مدیریت نمود و در جهت انجام کار و فعالیت اقتصادی هدایت کرد. چنانکه این سیاست‌گذاری به شکل کلی در سیاست‌های بهبود وضع گذران اوقات فراغت زنان و دختران (مصوب جلسه ۵۱۳ شورای انقلاب فرهنگی مورخ ۸۱/۱۲/۲۰) در نظر گرفته شده است: «جهت‌دهی زنان خانه‌دار در خصوص بهره‌وری بهینه از اوقات فراغت در خانه از طریق افزایش سطح آگاهی، انجام کارهای عام‌المنفعه و کسب سایر مهارت‌های فردی و اجتماعی توسط رسانه‌های مختلف و آموزش‌های غیر حضوری و جهت‌دهی برنامه‌ها به سمت رشد روحیه خلاقیت، ابتکار، نوآوری و تقویت اعتماد به نفس و خودباوری در میان زنان و دختران».

۲- سیاست‌های تشویقی - ترویجی اشتغال بدون قید زنان^۱

۱.۲- برنامه ریزی و قانون گذاری برای تشویق به اشتغال زنان تحصیل کرده و لزوم برنامه ریزی‌های

آموزشی اشتغال محور

در این دسته از سیاست‌ها، به اشتغال زنان فارغ التحصیل بدون در نظر گرفتن شرایط خاص و تنها برای افزایش کمی اشتغال زنان تحصیل کرده به عنوان سرمایه ملی نگاه می‌شود. مجموعه سیاست‌هایی که می‌تواند در راستای تحقق اصل ۲۸ قانون اساسی در نظر گرفته شود.

همچنین با توجه به لزوم برنامه‌ریزی برای آموزش نیروی انسانی و بهره بردن از توان نیروهای متخصص جهت پاسخ به نیازهای جامعه، در سیاست‌گذاری‌ها و منشورات قانونی به برنامه‌ریزی‌های آموزشی اشتغال محور در جهت اشتغال زنان متخصص و تحصیل کرده نیز توجه شده است. در این خصوص، بند الف ماده ۱۰۲ برنامه چهارم توسعه، برای ایجاد اشتغال زنان و فارغ التحصیلان به حمایت از تعاونی‌ها توجه می‌نماید. همچنین در صورت قلمداد نمودن تحصیلات فنی و مهارتی، ماده ۱۱۱ این برنامه نیز دولت را به «تقویت مهارت‌های زنان متناسب با نیازهای جامعه و تحولات فناوری»، موظف نموده است.

در ماده ۴۹ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران، «حق مشارکت زنان در سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، مدیریت، اجرا و نظارت در زمینه بهداشت و درمان، به‌ویژه در خصوص زنان» و در ماده ۱۲، «حق مشارکت بانوان در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری و مدیریت‌های آموزشی، علمی و حضور فعال در مجامع فرهنگی و علمی داخلی و بین‌المللی» و ماده ۱۳، «حق شناسایی، حمایت و بهره‌مندی از توانمندی‌های بانوان دارای استعدادهای درخشان و مسئولیت آنها در تأمین نیازهای کشور» و ماده ۱۵، «حق پژوهش، تألیف، ترجمه و انتشار کتب، مقالات در نشریات عمومی و تخصصی با رعایت صداقت، امانت و مصلحت جامعه» و ماده ۱۰۹، «حق مشارکت زنان در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و ایجاد و اداره تشکل‌های اقتصادی و عضویت در آنها» و ماده ۱۱۹، «حق و مسئولیت حضور فعال و مؤثر در مجامع اسلامی، منطقه‌ای و بین‌المللی به‌ویژه در زمینه مسائل مربوط به زنان با رعایت ضوابط قانونی» و

۱. این گروه از سیاست‌ها را می‌توان سیاست‌هایی دانست که بدون در نظر گرفتن شرایط روحی و جسمی، وظایف و نقش‌های خاص زنان و بدون تفاوت قائل شدن میان زنان و مردان و با هدف ایجاد اشتغال برای زنان و افزایش آن اتخاذ می‌شوند.

ماده ۱۳۵، «حق زنان در تصدی مشاغل حقوقی و قضایی مطابق قانون» حقوق و مسؤولیت‌هایی برای زنان مقرر شده است که این حقوق به دلیل لزوم دارا بودن تخصص‌های خاص برای قبول و پذیرش این مسؤولیت‌ها، باید برای زنان تحصیل کرده باشد.

همچنین، در موادی از منشور سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران، به لزوم حمایت از زنان تحصیل کرده پرداخته شده است؛ در ماده ۶ به «تشویق بانوان تحصیل کرده و متخصص با تجربه به احراز سمت‌های مدیریت و مشاغل ستادی، به منظور امکان استفاده از کارآیی آنها در سطوح عالی اجرایی» پرداخته شده و در ماده ۷، بیان شده که «با توجه به اینکه نیروهای متخصص و تحصیل کرده در هر جامعه‌ای ارزشمندترین سرمایه‌های آن به‌شمار می‌آید و برای آموزش و تربیت علمی آنان سرمایه‌گذاری هنگامت صورت گرفته است، باید: اولاً؛ انتخاب صحیح و تحصیل در رشته‌های متناسب با اشتغال بانوان هر چه کامل‌تر امکان‌پذیر شود. ثانیاً؛ تسهیلات لازم برای استفاده از توانایی‌های زنان کارشناس، متخصص و تحصیل کرده فراهم آید به گونه‌ای که اهتمام آنان به ایفای نقش خود در خانواده و شرایط زندگی، منجر به کناره‌گیری از فعالیت اجتماعی نشود».

در ماده ۱۳ منشور سیاست‌های فعالیت‌های بین‌المللی زنان (مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۸۲/۲/۱۶) نیز به لزوم «استفاده از توانمندی‌های زنان در سطوح مختلف مدیریت امور بین‌الملل و سیاست‌های خارجی نظام اسلامی» و نیز در ماده ۳ بخش ۲ این منشور به لزوم «به‌کارگیری و استفاده از نیروی زنان آگاه و متعهد در نمایندگی‌ها، پی‌گیری زمینه‌ها و مناسبت‌ها و شرکت متقابل در برنامه‌های علمی - فرهنگی خاص زنان در کشورهای مختلف» اشاره شده است که تصدی هر یک از این مسؤولیت‌ها مستلزم به‌کارگیری زنان با تحصیلات لازم برای این جایگاه‌ها است.

علاوه بر این، در مجموعه سیاست‌های بهبود وضع گذران اوقات فراغت زنان و دختران (مصوب جلسه ۵۱۳ شورای انقلاب فرهنگی مورخ ۸۱/۱۲/۲۰) نیز به «استفاده از زنان توانمند و متعهد (از دانش‌آموختگان حوزوی، دانشگاهی و نیروهای دستگاه‌های اجرایی) به‌منظور جلب مشارکت آنان در برنامه‌ریزی و اجرای اوقات فراغت بانوان» پرداخته شده است.

در برنامه پیشنهادی ششم توسعه نیز به افزایش فرصت‌های شغلی زنان در بازار کار توجه شده و راهبرد توسعه و گسترش زمینه‌های کارآفرینی و اشتغال زنان و دختران با اولویت زنان و دختران سرپرست خانوار

و دختران فارغ التحصیل دانشگاهی و ارتقاء زنان و دختران تحصیل کرده و صاحب مهارت برای حضور در عرصه‌های اقتصادی بیان شده است.^۱

ب: سیاست‌های حمایتی

از جمله نکاتی که لازم است در برنامه‌ریزی‌ها و قانون‌گذاری‌ها به آن توجه شود، اتخاذ سیاست‌های حمایتی از اشتغال زنان و نیز زنان شاغل است چراکه زنان به دلیل شرایط خاص روحی و جسمی و نیز به دلیل عهده‌دار بودن نقش‌ها و مسؤولیت‌های گوناگون خانوادگی و اجتماعی، از وضعیت خاصی برخوردارند. لذا، باید سیاست‌ها و قوانینی اتخاذ شود که از یک سو از بی‌عدالتی در حق آنان جلوگیری نماید و از سوی دیگر با کاهش فشار مسؤولیت‌های مختلف، از اشتغال و پیشرفت آنان در این زمینه حمایت نماید. علاوه بر این، برای اشتغال مناسب زنان نیز باید به بکارگیری ابزارهای حمایتی برای ایجاد فضای کاری مناسب برای آنان از جهت تناسب بهداشتی و فیزیکی با ویژگی‌های روحی و جسمی بانوان و همچنین سالم‌سازی آن از حیث عدم اختلاط آسیب‌زای زنان و مردان و برهم خوردن آرامش روحی و روانی ایشان توجه شود. در این خصوص، در مجموعه اسناد و قوانین کشور به این مهم توجه شده است، که در ادامه با توجه به محورهای مختلف سیاست‌های حمایتی، قوانین مختلف تبیین می‌شود.

۱- حمایت از زنان شاغل در جهت افزایش اشتغال با ملاحظه نقش‌های جنسیتی آنان

اشتغال زنان همواره با مشکلاتی مواجه است که مهم‌ترین آن را می‌توان تعارض میان اشتغال و نقش‌ها و مسؤولیت‌های خانوادگی آنان دانست. به همین منظور و برای حضور و بهره‌مندی از منافع اشتغال زنان و کاهش این مشکلات و تعارضات، دولت‌ها در کشورهای مختلف، همواره سیاست‌های حمایتی خاصی اتخاذ می‌نمایند. متأسفانه در برخی جوامع به جای تعدیل سیاست‌های اشتغال و همسان‌سازی آن سیاست‌ها با نقش‌های جنسیتی زنان، نقش‌های جنسیتی ایشان حذف شده و حمایت از زنان به‌ویژه زنان شاغل را در هرچه بیشتر شبیه نمودن و شبیه دانستن زنان و مردان در تمامی زمینه‌ها و اتخاذ تمهیدات سیاستی کاملاً شبیه به هم، در تمامی حوزه‌های سیاست‌گذاری و به ویژه اشتغال آنان می‌جویند و این امر را در سایه نفی

تفاوت‌های زیستی زن و مرد و یکسان دانستن توانایی‌های آنها پیگیری می‌کنند.^۱ خوشبختانه، در برنامه‌های توسعه و قوانین کلان کشورمان به این مسأله توجه شده است. چنانکه در بند الف ماده ۱۱۱ برنامه چهارم توسعه و همچنین در منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران (مورخ ۸۳/۶/۳۱) حقوقی برای حمایت از زنان و با در نظر گرفتن نقش‌های جنسیتی در نظر گرفته شده است که می‌تواند این امر را محقق کند؛ از جمله ماده ۵۲ و ماده ۵۹ که «حق بهره‌مندی از تغذیه سالم خصوصاً در دوران بارداری و شیردهی و وظیفه مراقبت از کودک و تغذیه مناسب او، با اولویت استفاده از شیر مادر» را مصوب نموده است. همچنین ماده ۷۳ این منشور که به حمایت از زنان آسیب دیده می‌پردازد.

در سند مهندسی فرهنگی کشور نیز سیاست‌ها و راهبردهای تفصیلی و مصداقی خاصی در این خصوص بیان شده است که پوشش بیمه اجباری درمان رایگان مادر و کودک از ابتدای بارداری تا پایان دو سالگی کودک برای کسانی که فاقد پوشش بیمه درمانی می‌باشند؛ اختصاص سبد تغذیه رایگان ماهانه به صورت بن کالا شامل؛ پروتئین، لبنیات، برنج و حبوبات به مادران باردار و دارای فرزند زیر ۲ سال حداقل برای ۳ دهک درآمدی پایین و نیازمندان؛ اختصاص بسته بهداشتی درمانی رایگان شامل؛ مکمل‌های غذایی، دارو، آزمایش‌های دوره‌ای و موردی و معاینه‌های ماهیانه به مادران باردار و دارای فرزند زیر ۲ سال برای حداقل ۳ دهک درآمدی پایین و نیازمندان؛ پوشش کامل بیمه‌ای برای درمان ناباروری‌های اولیه و ثانویه؛ افزایش مدت مرخصی استعلاجی زایمان به ۹ ماه و مرخصی بدون حقوق به ۲۱ ماه و جمعاً به مدت ۳۰ ماه به ازای هر فرزند و در مجموع ۱۰ سال به صورت شناور با حفظ شغل برای کلیه شاغلان بخش دولتی و غیردولتی؛ اختصاص مرخصی استحقاقی ۲ هفته‌ای تولد فرزند به پدر؛ پرداخت هدیه تولد فرزند به مادر به صورت سکه بهار آزادی؛ افزایش سنوات تحصیلی دانشجویان مادر به ازای هر فرزند تا ۴ نیم سال و کاهش سقف واحدهای درسی در هر نیم سال تا سقف ۸ واحد، از آن جمله است. همچنین طبق این سند، مراکز آموزش عالی موظفند در توزیع و تخصیص وام دانشجویی، وام ودیعه مسکن و همچنین تخصیص خوابگاه‌های دانشجویی، دانشجویان متأهل دارای فرزند را در اولویت قرار دهند و دانشجویان مادر دارای فرزند زیر ۳ سال می‌توانند تا ۵۰ درصد واحدهای درسی نظری دوره تحصیلی خود را به صورت نیمه‌حضور یا مجازی بگذرانند. همچنین امکانات دیگری چون فراهم آوردن امکان حضور منعطف و کاهش ساعات کار موظف، ایجاد امتیازات خاص و تسهیلات لازم در طرح دورکاری و نیمه‌حضوری و

۱. تاج مزینانی، علی اکبر، بررسی سیاست گذاری اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران؛ فصل نامه مطالعات راهبردی زنان، سال ۱۵، شماره

سایر شیوه‌های مناسب اشتغال برای زنان باردار و مادران دارای فرزند زیر ۵ سال؛ افزایش حق عائله مندی در کلیه قوانین و مقررات استخدامی به دو برابر نیز در نظر گرفته شده است.

۲- تأمین امنیت شغلی و سیاست‌های حمایتی در راستای ایمنی فضای شغلی زنان

در زمینه اشتغال زنان و حمایت‌های شغلی باید به مقوله تأمین امنیت شغلی و تأمین ایمنی فضای کاری اشاره کرد. مسأله اول، اشاره به ثبات شغلی و حصول و دریافت درآمد برای افراد است که می‌تواند سیاست‌هایی را در برگیرد که در صورت از کارافتادگی یا مرخصی، فرد را حمایت نماید. مسأله دوم نیز اشاره به تأمین امنیت فضای شغلی بانوان با توجه به معیارهای اخلاقی، فرهنگی و دینی همچون عفاف و حجاب دارد. در این قسمت این دسته از قوانین و مصوبات به بررسی می‌شود.

۱.۲- رعایت حجاب و عفاف بانوان و پرهیز از اختلاط زن و مرد در محیط کار

مطابق با موازین و دستورات دین مقدس اسلام، برای حفظ شأن و جایگاه زن و پیشگیری از آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی، در صورت خروج زنان از خانه و ارتباط با نامحرمان، از جمله برای اشتغال، رعایت آداب و عمل به دستوراتی لازم دانسته شده است.^۱ عمل به مجموعه این مسائل و نکات به تأمین امنیت شغلی بانوان در فضاهای شغلی و حصول نتایج بهتری از کار آنان برای خود ایشان و اطرافیان خواهد شد.

۱. این موارد عبارتند از:

- حجاب و پوشش مناسب (...ولایبیدن زینتهنَّ إلا ما ظَهَرَ مِنْهَا وَلِيَضْرِبَنَّ بِخُمْرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ: نور/۳۱ «و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است، آشکار نکنید و اطراف روسری‌های خود را بر سینه خود افکنید تا گردن و سینه با آن پوشانده شود» و نیز بنگرید به: احزاب/۵۹)
- پرهیز از تبرج (آشکار کردن زیبایی‌ها و زینت‌های پنهان و ظاهر شدن میان مردم با درخشش و جلب توجه) و خودآرایی در مقابل نامحرم (...ولایبیدن زینتهنَّ إلا ما ظَهَرَ مِنْهَا وَلِيَضْرِبَنَّ بِخُمْرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ: نور/۳۱ «و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است، آشکار نکنید و اطراف روسری‌های خود را بر سینه خود افکنید تا گردن و سینه با آن پوشانده شود» و نیز بنگرید به: احزاب/۵۹)
- حیا و وقار در رفت‌وآمد (ولایضربن بأرجلهنَّ لِيَعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ: نور/۳۱ «و هنگام راه رفتن، پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهان‌شان آشکار شود». و نیز بنگرید به: قصص/۲۵)
- عفت و وقار در گفتار (فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا: احزاب/۳۲ «پس به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویند که بیماردلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویند» «خضوع در قول» حالت خاصی از گویش، همراه با نرمی در گفتار و نازکی صدا در ادای واژه‌هاست؛ مانند سخن گفتن زن با همسر و مادر با کودک به منظور جلب توجه او به خود. در روایات، زن و مرد نامحرم از گفت-وگوهای شهوت‌انگیز، عاشقانه، طنز و شوخی، پرگویی و شیرین‌زبانی، نهی و به رعایت اختصار و اکتفا به مقدار نیاز سفارش شده‌اند)

با توجه به اهمیت این مسأله، در مجموعه قوانین و اسناد بالادستی نیز به این موضوع توجه شده و قوانین خاصی وضع شده است.

در ماده ۲۳۰ برنامه پنجم توسعه، دولت موظف به «گسترش فرهنگ عفاف و حجاب» شده است. در منشور سیاست‌های فعالیت‌های بین‌المللی زنان (مصوب ۱۳۸۲/۲/۱۶)، «اهتمام بر ارزش‌های معنوی و فرهنگ‌سازی و حفظ حرمت زن مسلمان در برنامه‌ها و فعالیت‌های بین‌المللی با تأکید بر نقش عفاف و حجاب در روابط اجتماعی زنان» از سیاست‌های راهبردی حضور زنان در عرصه‌های بین‌المللی دانسته شده است. در سیاست‌های گذران اوقات فراغت زنان نیز به «تبیین، ترویج و تبلیغ فرهنگ عفاف و رعایت اصول و موازین اخلاقی و ارزشی در محیط‌های فرهنگی» توصیه شده است.

علاوه بر این موارد، در منشور اصول و مبانی روش‌های اجرایی در مسأله گسترش فرهنگ عفاف و حجاب (مصوب چهارصد و سیزدهمین جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۷۶/۱۱/۱۴) به این موضوع به شکل دقیق‌تری پرداخته شده است. چنانکه در ماده ۱۵ این منشور آمده است: «در ترویج فرهنگ عفاف و حجاب باید به نوع کار و شرایط مقتضیات محیط زندگی و خصوصیات اقلیمی و سنت‌ها و آداب محلی و منطقه‌ای مربوط به لباس و پوشش، با رعایت اصل حکم فقهی حجاب توجه شود و ضمن قائل شدن حرمت و احترام برای چادر به‌عنوان کامل‌ترین و رایج‌ترین نوع حجاب و تشویق آن به دور از افراط و تفریط، از الزام همگان به استفاده از یک نوع، رنگ و شکل خاص خودداری شود. (مراکز اداری، آموزشی و درمانی تابع ضوابط خاص خود می‌باشند)».

۲.۲. ارائه خدمات، تأمین اجتماعی، بیمه بیکاری و بیمه درمانی برای زنان شاغل

از جمله حقوقی که بنابر اصل ۲۹ قانون اساسی برای افراد جامع مقرر شده است، حق برخورداری از پوشش‌های بیمه‌ای و تأمین اجتماعی چون حق بازنشستگی، از کار افتادگی، بیماری و ... است. به همین دلیل در مجموعه قوانین کشوری و اسناد نیز به تأمین این موضوع برای بانوان از سوی دولت تصریح شده است. در ماده ۱۰۸ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان، «حق برخورداری از تأمین اجتماعی و تسهیلات اقتصادی» بیان شده است. همچنین در سند مهندسی فرهنگی کشور در فصل ششم ذیل راهبرد چهارم، انواع حمایت‌های بیمه‌ای از زنان و مادران وضع گردیده است.

در برنامه پیشنهادی ششم توسعه نیز به ارائه خدمات حمایتی همچون بیمه زنان شاغل توجه شده است.^۱

۱- حمایت از زنان شاغل با توجه به نقش‌های جنسیتی و ویژگی‌های جسمی و روحی آنان

خانواده بهترین محل پیوند زن و مرد است و بیشترین زمینه را برای کمال و بروز استعدادها و توانمندی‌های آن دو (به‌ویژه زن) و بهترین محیط را برای شکل‌گیری شخصیت فرزند فراهم می‌سازد. جایگاه رفیع خانواده در نگرش اسلامی موجب شده است که بهترین بنیان اجتماعی قلمداد شده و به منافع آن در قیاس با نهادهای دیگر، به‌طور ویژه توجه شود. بنابراین در تنظیم روابط اجتماعی و ارائه الگوی مشارکت اجتماعی زنان، باید آثار این فعالیت‌ها در تحکیم و تضعیف پیوندهای خانوادگی لحاظ شود. اسلام در تبیین وظایف زن و مرد با اصل قرارداد کانون خانواده، به دیگر وظایف اجتماعی جهت و معنای مشخصی بخشیده و حضور زنان را در جایی تجویز می‌کند که لطمه‌ای به نقش‌های وی از جمله مادری و همسری در خانواده وارد نسازد.^۲

با توجه به این مسأله و ضمناً، در نظر گرفتن اینکه زنان باید بتوانند در عین ایفای نقش‌ها و مسؤولیت‌های خانوادگی، از توانایی‌ها و ظرفیت‌های خود در عرصه نقش‌آفرینی‌های اجتماعی نیز بهره‌مند

۱ برنامه ششم توسعه، ص ۳۵۹.

۲. از این رو طبق آموزه‌های قرآنی و دینی، حضور زن در اجتماع و عهده دار شدن مسؤولیت‌ها و نقش‌های اجتماعی از جمله اشتغال باید با در نظر گرفتن اصول و مبانی‌ای انجام شود که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- تناسب فعالیت‌های اجتماعی با ویژگی‌های زنانه به‌گونه‌ای که به لحاظ کمی و کیفی، طبیعت زنانه را دستخوش تغییر و تخریب نکند. امام علی (ع) می‌فرماید: «زن را در کاری که با وی سازگار نیست (بیش از طاقت آن) بر او تحمیل مکن؛ زیرا زن همچون گل بهاری است نه کارگر مزدبگیر» (نهج‌البلاغه نامه ۳۱) علامه طباطبایی نیز بر اساس آموزه‌های قرآنی، بر اختصاص نوع مردان به شدت و قوت و اختصاص طبیعت زنان به نرمی و عواطف؛ تأکید می‌کند. (تفسیر المیزان، پیشین، ج ۴، ص ۲۵۶)
- عدم تعارض شغل زن با حقوق همسر؛ در آموزه‌های دینی زن و شوهر نسبت به یکدیگر حقوق و تکالیفی دارند به همین جهت، اشتغال زن در خارج از خانه و حتی در داخل خانه نباید منافات با این حقوق و آرامش‌بخشی در خانواده داشته باشد.
- عدم تعارض شغل زن با وظیفه مادری؛ از آنجا که یکی از اهداف مهم ازدواج و تشکیل خانواده بقای نسل و تولیدمثل است و اصلی‌ترین بخش این مسؤولیت در دوران بارداری، شیرخوارگی و سال‌های اولیه مراقبت و تربیت بر عهده زن می‌باشد؛ اشتغال زن نباید با وظیفه مادری مغایرت داشته باشد، بلکه باید شرایط شغلی زنان و مادران تعدیل و با وظایف مادری هماهنگ شود. همچنین، با توجه به برتری تغذیه کودک با شیر مادر، برتری عاطفه مادری و اولویت حضانت فرزندان برای مادر تا هفت سال، این مطلب روشن می‌شود که مادر باید فرصت و فراغت لازم برای مراقبت و تربیت کودک داشته باشد و اشتغال مادر نباید به این امر خطیر آسیب برساند.
- علاوه بر ارجاعات فوق، رک: آذربایجانی، مسعود، عدالت جنسیتی و اشتغال زنان؛ فصل‌نامه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۴۶، سال دوازدهم، زمستان ۱۳۸۸

شوند، در وضع قوانین و سیاستگذاری‌ها به این مهم توجه و سیاست‌های حمایتی‌ای مناسبی مقرر شده که در ادامه به این دسته از قوانین اشاره می‌شود.

۱.۳- وضع قوانین و سیاستگذاری‌ها با توجه به هماهنگی میان ساختار شغلی زنان و نقش‌های خانوادگی

ماده ۱ سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران، به قداست مقام مادری و تربیت نسل آینده و مدیریت خانه و با عنایت به اهمیت نقش زنان در فرآیند رشد فرهنگی و توسعه اقتصادی توجه نموده و متذکر شده است که باید ارزش معنوی و مادی نقش زنان در خانواده و کار آنان در خانه در نظر گرفته شود. همچنین ماده ۷/ این منشور نیز نهادهای قانون‌گذار را مسؤول ارائه تسهیلات لازم به زنان جهت ایفای نقش‌های خانوادگی آنان می‌نماید تا زنان از فعالیت‌های اجتماعی و اشتغال به واسطه تعارض با انجام نقش‌های خانوادگی خویش باز نمانند.

همچنین در ماده ۱۰۷ منشور حقوق و مسؤولیت‌های زنان و فصل ششم سند مهندسی فرهنگی کشور به ارتقای نقش همسری و مادری متناسب با حضور اجتماعی هماهنگ با شأن و منزلت زنان توجه شده است. در برنامه پیشنهادی ششم توسعه به ارزش‌گذاری کار خانگی زنان و احتساب در حساب‌های ملی و توسعه مشارکت اقتصادی زنان از طریق کار در خانه و توسعه صنایع کوچک به‌ویژه برای زنان به عنوان اقدام اساسی در جهت افزایش اشتغال زنان با توجه به نقش‌های آنان توجه شده است.^۱

۲.۳- حمایت از مادران شاغل

مادران شاغل از آن جهت که از مسؤولیت‌های مهمی در قبال اجتماع و خانواده برخوردارند، قانون از آنان حمایت‌های ویژه‌ای را مقرر نموده است. چنانکه ماده ۱۰ سیاست‌های اشتغال زنان، نهادهای قانونگذار را موظف می‌کند، تمهیدات ایجاد و ارائه تسهیلات و مقررات لازم، از قبیل؛ استفاده از مرخصی با حقوق، تقلیل ساعات کار، مزایای بازنشستگی با سنوات کم‌تر خدمت، امنیت شغلی، برخورداری از تأمین اجتماعی در مواقع بیکاری، بیماری، پیری یا ناتوانی از کار را فراهم نمایند. همچنین ماده ۴۶ سند مهندسی فرهنگی کشور نیز با قانونی مشابه به این موضوع توجه دارد.

۳.۳- تناسب شرایط محیط شغلی و شغل با ویژگی‌های زنان

با توجه به نکاتی که در مورد توجه به شرایط جسمی و روحی زنان در پذیرش مسؤولیت‌های اجتماعی و اقتصادی از نگاه اسلامی بیان شد و نیز برخورداری از حق قانونی زنان در اشتغال، لازم است که در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها به لحاظ ویژگی‌ها و توانایی‌های روحی و جسمی زنان در نوع شغل و شرایط بهداشتی و رفاهی محیط کار آنها توجه شود. بنابراین، باید در جهت حمایت از زنان، قوانینی برای ممنوعیت کار اجباری و ممنوعیت کارهای سخت و زیان آور و نامتناسب برای زنان، وضع نمود که در قانونگذاری‌ها نیز به این موارد توجه شده است. ماده ۱۰۶ منشور حقوق و مسؤولیت‌های زنان، «حق معافیت زنان از کار اجباری، خطرناک، سخت و زیان آور در محیط کار» و نیز ماده ۱۱۱ آن، «حق برخورداری از حمایت‌های قانونی مناسب و کارآمد برای ممانعت از بهره‌کشی و تجارت و جلوگیری از به-کارگیری زنان و دختران در مشاغل غیرقانونی و غیر مشروع» را وضع نموده است. ذیل ماده ۱۳ فصل ششم سند مهندسی فرهنگی کشور نیز به «فراهم آوردن امکان حضور منعطف و کاهش ساعات کار موظف، ایجاد امتیازات خاص و تسهیلات لازم در طرح دورکاری و نیمه حضوری و سایر شیوه‌های مناسب اشتغال برای زنان باردار و مادران دارای فرزند زیر ۵ سال» اشاره شده است.

تحصیل و آموزش زنان

از جمله حقوقی که باید انسان‌ها به طور همه جانبه از آن برخوردار شوند و دولت‌ها نیز موظفند به آن اهتمام داشته باشند؛ حق برخورداری از تحصیل و آموزش است. بدین لحاظ، زنان نیز در جوامع باید از این حق عمومی به‌طور مساوی برخوردار باشند.^۱

۱. نکته قابل توجه در این خصوص، آن است که مراد از تربیت در اینجا، آموزش‌های غیررسمی یا کم‌تر رسمی است که از سوی والدین، مربیان و مشاوران اجتماعی و رسانه‌های فرهنگی به صورت پیدا و پنهان ارائه می‌شود. مراد از آموزش نیز آموزش‌های رسمی مراکز علمی مانند مدارس و دانشگاه‌هاست. تربیت و آموزش با هدف کارآمد کردن افراد در حوزه عمل خانگی و اجتماعی صورت می‌گیرد، لذا نهادهای تربیتی و آموزشی باید با توجه به مشروعیت و معقولیت رابطه نقش و جنس، افراد را برای پذیرفتن نقش هماهنگ با جنس خود آماده سازند. هماهنگی تربیت با جنس فرد، ضمن کارآمد کردن فرد و ایجاد حس ارزش‌مندی در او، به نشاط او و جامعه می‌انجامد. نظام تربیتی و آموزشی‌ای که بر این اساس شکل می‌گیرد، تک‌جنسی، دوجنسی و عاری از تحلیل‌های جنسیتی نیست، بلکه بر «تربیت هادی جنسیتی» استوار است. مراد از تربیت هادی این است که برنامه‌ها، شیوه‌ها و اهداف تربیتی با ویژگی‌های طبیعی و روانی هر یک از دو جنس متناسب باشد و از آن برای هدایت فرد کمک گیرد. پذیرش آسان و مقاومت کم‌تر در برابر نظام تربیتی، درونی کردن فعالانه برنامه تربیتی و احساس هماهنگی بیشتر با ساختار تربیتی پیرامون در دوران بلوغ و فعال شدن قوای غریزی در هر یک از دو جنس، از نتایج این نظام تربیتی به‌شمار می‌آیند. به‌علاوه، نظام آموزشی رسمی نیز باید متناسب با تغییرات حاصل از نظام تربیتی و بر پایه ارزش‌مندی دو

از این رو، از آنجا که آموزش و تحصیل از اهمیت والای برخوردار است، در اصول ۳ و ۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به مسأله آموزش و پرورش و تحصیل همه افراد جامعه اعم از زنان و مردان اهمیت داده و دولت را موظف می‌نماید؛ وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم نموده، وسایل تحصیلات عالی را تا حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد. سایر اصول حق تحصیل را به‌عنوان یک حق فراگیر مطرح می‌سازند و طبق اصل ۱۹، «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.»

با توجه به این اصول قانون اساسی و نیز توصیه‌های بسیار زیاد دین مبین اسلام به تعالی و رشد انسان‌ها از طریق علم آموزی و دانش اندوزی، در قانونگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان کشور نیز به مسأله جنسیت و آموزش توجه شده است؛

در فصل دوم منشور حقوق و مسؤولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران، ذیل مواد ۷۶ تا ۸۸، به حق آموزش زنان از ابعاد مختلف آموزشی، پژوهشی و نیز مناصب مربوط به آن توجه شده و حقوق و مسؤولیت‌های آنان با در نظر داشتن شرایط روحی و جسمی و نیز نقش‌های خانوادگی بیان شده است. در این منشور، «حق سواد آموزی عمومی، ارتقاء آموزشی و برخورداری از امکانات آموزش و پرورش برای زنان»، «حق تحصیل در آموزش عالی تا بالاترین سطح علمی»، «حق کسب مهارت‌ها و آموزش‌های تخصصی به‌صورت کمی و کیفی تا بالاترین سطوح»، و نیز حق برخورداری از مسؤولیت‌های آموزشی همچون؛ «حق و مسؤولیت در تدوین برنامه‌های درسی و متون آموزشی»، «حق و مسؤولیت در برخورداری از جایگاه شایسته و متناسب با نقش، شأن و منزلت زنان در متون درسی و آموزشی»، «حق مشارکت بانوان در سیاستگذاری و تصمیم‌گیری و مدیریت‌های آموزشی، علمی و حضور فعال در مجامع فرهنگی و علمی

جنس، آموزش‌های لازم را در جهت پذیرش نقش‌های جنسیتی و غیرجنسیتی در خانه و اجتماع به افراد بدهند تا دو نهاد خانه و اجتماع کارآمدتر شوند. مراد از نقش‌های غیرجنسیتی، نقش‌های مشترکی است که هم عامل طبیعی و روانی ویژه زن یا مرد برای ایفای آن وجود نداشته باشد و هم دستور ویژه‌ای از شرع اسلام برای پذیرش آن نقش توسط جنس خاصی در کار نباشد و زن و مرد بتوانند آن را به آسانی انجام دهند. مانند امر به معروف و نهی از منکر. به این ترتیب، مجموعه ساختارهای تربیتی و آموزشی به اصلاح و هدایت دختران و پسران در سه جنبه شناختی، عاطفی و رفتاری و در جهت جنسیت کمک خواهند کرد. برای مثال؛ اگر مادری را نقشی اصیل، زنانه و عامل مهم انتقال فرهنگ و ادب بدانیم، باید عوامل تربیتی به‌طور طبیعی دختران را برای ایفای این نقش آماده کنند و عوامل آموزشی، مهارت‌های لازم را برای ایفای درست نقش مادری و عدم تداخل آن با نقش‌های اجتماعی به آنان بیاموزند. (علاسوند، فریبا، زن در اسلام، ج ۱، صص ۹۴ و ۹۵).

داخلی و بین‌المللی»، «حق شناسایی، حمایت و بهره‌مندی از توانمندی‌های بانوان دارای استعدادهای درخشان و مسئولیت آنها در تأمین نیازهای کشور» و نیز حقوق مختلف پژوهشی همچون؛ «حق پژوهش، تألیف، ترجمه و انتشار کتب، مقالات در نشریات عمومی و تخصصی با رعایت صداقت، امانت و مصلحت جامعه»، «حق برخورداری از حمایت‌های لازم نسبت به منابع و امکانات درخصوص تحقیق در مسائل زنان و تربیت نیروی انسانی محقق و حق آگاهی از اطلاعات و نتایج تحقیقات در زمینه‌های مختلف»، «حق بهره‌مندی از حمایت در آثار علمی- پژوهشی زنان و گسترش مراکز تحقیقاتی با مدیریت زنان» و موارد مشابه دیگر برای زنان مقرر شده است.

در سند جامع مهندسی فرهنگی کشور نیز به منظور ارتقاء سطح فرهنگ کشور و هدفمندی آموزش، به ابعاد مختلف آموزش و فواید و نتایج آن به صورت راهبردی و عملیاتی و باتوجه به ارزش‌های دینی و فرهنگی و سبک زندگی اسلامی- ایرانی توجه شده و برنامه‌های راهبردی و اجرایی در سطح ملی، ارائه گردیده است. در راهبرد کلان ۵/ این سند، «طراحی و نهادینه‌سازی آداب و سبک زندگی اسلامی ایرانی در زمینه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی مبتنی بر تقوای الهی و با الهام از سیره معصومین (علیهم السلام)» به- عنوان راهبرد کلان آموزشی تعیین شده و با توجه به آن، راهبردها و اقدامات ملی برای اجرایی شدن آن طراحی گردیده است.

راهبردهای ملی این سند در خصوص آموزش با محوریت طراحی الگوی ارتباطات و تعاملات اجتماعی در فضای مجازی و واقعی در چارچوب آموزه‌های اسلامی، تبیین و نهادینه‌سازی فرهنگ و الگوی تغذیه سالم در چارچوب نظام جامع سلامت مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، تبیین و نهادینه‌سازی فرهنگ عفاف، پوشش و حجاب اسلامی در مناسبات و ارتباطات اجتماعی، هدایت، غنی‌سازی و ایجاد تعادل در اوقات زندگی در زمینه خودسازی و عبادت، کار و تلاش، ورزش و تفریحات سالم در سطوح فردی، خانوادگی و اجتماعی، تبیین و ترویج الگوی ورزش و تفریحات سالم بر اساس تعالیم اسلام و طراحی و نهادینه‌سازی الگوی معماری و شهرسازی اسلامی ایرانی، طراحی و موارد متنوعی از اقدامات اجرایی نیز بر اساس این راهبردها ارائه شده است.

در برنامه پیشنهادی ششم توسعه نیز به آموزش و تحصیل زنان با رویکرد توانمندسازی توجه شده و راهبردهایی برای ارتقاء سطح آگاهی عمومی نسبت به ضرورت تحصیل زنان و دختران و ایجاد شرایط تحصیل و سوادآموزی برای دختران لازم‌التعلیم و بازمانده از تحصیل، ارائه گردیده است.^۱

مشارکت^۲ سیاسی زنان

یکی از عوامل مؤثر در رشد و توسعه جامعه، مشارکت سیاسی آحاد مردم اعم از مرد و زن است که به میزان سواد و آگاهی، سن، جمعیت، تنوع ساختاری، تحرک و تجهیز اجتماعی، رشد اقتصادی، مطلوبیت‌های ملی، وحدت ملی، اطلاعات، آموزش و ارتباطات افراد بستگی دارد. از آنجا که تقریباً نیمی از جمعیت جامعه را زنان تشکیل می‌دهند، نیمی از مسؤولیت مشارکت سیاسی هر جامعه نیز بر دوش زنان است که می‌باید ضمن ایفای نقش‌های خانوادگی، در جامعه خویش نیز حضوری فعال و مؤثر داشته باشند؛ در نتیجه، نقش مهمی در رهیافت توسعه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه ایفا نمایند.

منظور از مشارکت سیاسی زنان، دخالت مستقیم در مسائل سیاسی مانند حضور در انتخابات به‌عنوان رأی‌دهنده یا انتخاب‌شونده، فعالیت سیاسی در قالب احزاب و گروه‌های سیاسی، تشکیل حزب و گروه سیاسی برای دخالت و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان سیاسی و رفتارهای غیرقالبی مانند شرکت در راهپیمایی‌های سیاسی و اجتماعی است که بر روند مسائل سیاسی-اجتماعی اثر مهمی می‌گذارد.^۳

مشارکت زنان در عمل سیاسی^۴ ورود عینی و عملی به عرصه‌های خرد و کلان سیاست در اشکال انتخاب مدیران و حاکمان سیاسی، دخالت در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های حکومتی و مدیریتی،

۱ برنامه ششم توسعه، ص ۳۵۵.

۲ «مشارکت»، فرایندی مبتنی بر حضور آگاهانه و فعال فرد به‌عنوان عضو جامعه و نظام، در صحنه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و ایفای نقش یا نقش‌های اجتماعی محوله است.

۳ طباطبائی مؤتمنی، پیشین، ص ۱۲۵.

۴ مشارکت سیاسی، ابعاد مختلفی چون؛ مشارکت در فرهنگ، مشارکت در عمل و مشارکت در مناصب سیاسی دارد. مشارکت زنان در فرهنگ سیاسی، شامل آگاهی سیاسی آحاد مردم، قدرت تجزیه و تحلیل مسائل سیاسی جاری در جامعه، جریان‌شناسی، حساسیت به مسائل کلان مانند چگونگی و چرایی انتخاب افراد برای تصدی پست‌های کلان حکومتی و مصالح کلی امت و نظام اسلامی و پایبندی به رفتار درست سیاسی است. اگر کوشش برای استقرار حاکمیت اسلامی و جلوگیری از مفاسد سیاسی را وظیفه همه افراد بدانیم، دستیابی به بینش سیاسی برای زنان از حوادث مهم سیاسی - اجتماعی زمانه لازم است، تا در تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای سیاسی مانند انتخابات درست عمل کنند. (علاسوند، فریبا، زن در اسلام، ج ۲، ص ۲۳۷)

جریان‌سازی سیاسی با شرکت در راهپیمایی‌ها و تظاهرات، تشکل‌های سیاسی و ... از جمله رایج‌ترین اشکال عمل یا مشارکت سیاسی است که در صورت کمک به استقرار، حفظ و تداوم نظام اسلامی در موارد مختلفی بر زنان نیز حتی واجب می‌شود.

۱- حق زنان در پذیرش مسؤلیت‌های سیاسی کشور و مشارکت در آن

مطابق با *قانون اساسی*، همه افراد جامعه اعم از زن و مرد حق مشارکت در امور سیاسی را (در همه ابعاد سه‌گانه‌ای که بیان شد) دارا می‌باشند. چنانکه بند ۸/۱ اصل ۳ *قانون اساسی*، مسؤلیت تضمین مشارکت عامه مردم را در تعیین آینده سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به دولت واگذار می‌کند. همچنین، در اصل ۶ *قانون اساسی* آمده است که امور کشور باید با اتکاء به آرای عمومی اداره شود.

علاوه بر این، حق پذیرش مسؤلیت‌های سیاسی، حتی در بالاترین سطوح برای زنان قرار داده شده است. از جمله این نهادهای عالی‌رتبه سیاسی کشور؛ مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان به عنوان قوه مقننه، ریاست جمهوری به عنوان قوه مجریه و نهادهای دیگری مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام و شوراهای اسلامی شهر و روستا است. طبق اصل ۵۸ *قانون اساسی*، قوه مقننه نهادی است که در آرای عمومی ریشه دارد. اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود، صورت می‌پذیرد. علاوه بر این، طبق اصل ۹۱ و ۹۳، رکن دیگر قوه مقننه در کشور، شورای نگهبان است. این شورا به منظور صیانت از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها، تشکیل شده است. اهمیت این شورا بدان حد است که مجلس شورای اسلامی بدون وجود آن، اعتبار قانونی ندارد. اصل ۹۱ که ترکیب اعضای این شورا را تشریح می‌نماید، هیچ اشاره‌ای به جنسیت اعضا نمی‌کند. متن این اصل، راه را بر تفسیرهای شخصی می‌بندد و هیچ‌گونه منع قانونی برای عضویت زنان در شورای نگهبان وجود ندارد. به همین دلیل، از دیدگاه قانون اساسی و مقررات فعلی، منعی برای عضویت زنان در دو رکن فوق وجود ندارد. طبق اصل ۶۲ *قانون اساسی*، مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به‌طور مستقیم و با رأی مردم انتخاب می‌شوند، تشکیل می‌شود و جنسیت شرط صلاحیت عنوان نشده است. در ماده ۲ *قانون انتخابات خبرگان* نیز اشاره‌ای

به جنسیت نامزدهای انتخابی نشده است. تبعیض جنسیت در هیچ یک از قوانین و مقررات مربوط به انتخابات که بر اساس قانون اساسی تدوین شده است، وجود ندارد.

همچنین در رابطه با عضویت در شوراها، برابر با اصل ۱۰۰ قانون اساسی، «اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی... صورت می‌گیرد که... اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند». برای زنان عضویت در شورای تشخیص مصلحت نظام نیز منعی قانونی وجود نداشته و آنان از جهت قانونی از عضویت در این شوراها منع نشده‌اند.

در خصوص حضور در قوه مجریه نیز زنان می‌توانند در بدنه قوه مجریه و حتی در سطوح عالی حضور داشته باشند. چنانکه این امر تاکنون بارها اتفاق افتاده است. تنها موضوع قابل توجه، تصریح اصل ۱۱۵ قانون اساسی پیرامون اوصاف ریاست جمهوری است. در این اصل آمده است: «رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی... انتخاب شود». در این اصل، اگرچه واژه «رجال» به کار برده شده است، ولی شرایط داوطلبان به نحوی مطرح شده است که جنسیت را به عنوان پیش شرط قلمداد نمی‌کند، اگر چه برخی این واژه را به "مرد" تعبیر نموده‌اند و لذا عنوان رجال سیاسی و مذهبی و برداشت متفاوت از معنای آن موجب اختلاف شده است. این اختلاف از آنجاست که این اصطلاح از یک سو ممکن است صرف نظر از جنسیت (زن یا مرد) معنای اعتباری شخصیت‌های سیاسی و مذهبی را به ذهن متبادر سازد، اما از سوی دیگر، به لحاظ لغوی، واژه رجال به معنای مردان در مقابل واژه نساء به معنای زنان حکایت دارد که داوطلبان ریاست جمهوری حتماً باید از مردان باشند. در پیش‌نویس قانون اساسی اشاره‌ای به جنسیت نشده بود، اما در گروه بررسی اصول، شرط مرد بودن نیز بدان اضافه شد.^۱ به هر حال، مسلم است که وظیفه تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است و در حال حاضر این شورا هیچ ممانعتی برای حضور زنان در انتخابات ریاست جمهوری قائل نیست و صراحتاً بر حقوق سیاسی زنان چه به عنوان داوطلب و چه منتخب در پست ریاست جمهوری اذعان نموده است.

اصل ۱۵۷ قانون اساسی، شرایط لازم برای تصدی مقام ریاست قوه قضائیه را شرح می‌دهد: «به منظور انجام مسؤولیت‌های قوه قضائیه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی، مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و

۱. ر.ک: نظریات فقهی آیت الله صانعی و آیت الله موسوی بجنوردی، روزنامه اطلاعات، ش ۲۱۱۳۱

آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین می‌نماید که عالی‌ترین مقام قضائیه است». در معیارهای فوق برای صلاحیت، تصریح نشده است که فقط مردان می‌توانند به این مقام منصوب شوند. همچنین، در مورد ریاست دیوان عالی کشور، اگر چه در اصل ۱۶۲، شرط اجتهاد بیان شده ولی به جنسیت اشاره‌ای نشده است.^۱

همچنین؛ عضویت زنان مطابق با اصل ۱۷۶ قانون اساسی در شورای امنیت ملی و شورای تشخیص مصلحت نظام مطابق با اصل ۱۱۲ نشده است چراکه در این اصول اشاره‌ای به جنسیت نشده است. علاوه بر قانون اساسی، در دیگر اسناد بالادستی کشور نیز حق مشارکت سیاسی زنان در پذیرش مسئولیت‌های سیاسی تعیین شده است. در فصل چهارم منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران، حق و مسئولیت کسب آگاهی و مشارکت و نقش‌آفرینی در تعیین مقدرات اساسی کشور جهت حفظ و تحکیم نظام اسلامی (ماده ۱۱۲)، «حق و مسئولیت مشارکت در امور جامعه و نظارت بر آن جهت هدایت جامعه به سوی معنویت و فضایل اخلاقی و پیراستن آن از ناهنجاری‌های اخلاقی و رفتاری» (ماده ۱۱۳) و «حق شرکت در انتخابات و انتخاب شدن در مجلس یا شوراهای مختلف، مشارکت در برنامه‌ریزی‌های دولتی و تصدی مدیریت‌های عالی با رعایت موازین» (ماده ۱۱۶) برای زنان مقرر شده است. در این منشور، علاوه بر حق پذیرش و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، حق انجام فعالیت‌های سیاسی و تأسیس احزاب و دیگر تشکل‌های سیاسی و فعالیت در آنها با رعایت حفظ استقلال کشور، وحدت ملی و مصالح نظام اسلامی (ماده ۱۱۵) مقرر شده است.

در برنامه پیشنهادی ششم توسعه نیز به افزایش مسئولیت‌ها و مشارکت سیاسی زنان در احراز مسئولیت‌های سیاسی و پست‌های مدیریتی، افزایش حضور و مشارکت زنان در انتخابات مجلس و شوراهای شهر توجه خاص شده است.^۲

۱. البته در رابطه با منصب قضا در اصل ۱۶۳ مقرر می‌نماید که «صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می‌شود.» در سال ۱۳۶۱ «قانون شرایط انتخاب قضات» به صورت تک ماده‌ای به تصویب رسید که صراحتاً مرد بودن را شرط لازم برای احراز منصب قضا برشمرد.

۲. برنامه ششم توسعه، صص ۳۵۶-۳۵۷.

۲. مشارکت زنان در امور سیاسی بین‌المللی

همانطور که زنان طبق قوانین کشوری، حق مشارکت در امور سیاسی داخلی را دارند، حق مشارکت و پذیرش مسؤولیت‌های سیاسی در عرصه خارجی و بین‌المللی را نیز دارا می‌باشند. تحقق این امر با پایبندی به ارزش‌های اسلامی می‌تواند موجب ارتقاء جایگاه زنان در جمهوری اسلامی گردد و از سوی دیگر زن ایرانی مسلمان می‌تواند در دنیای امروز که نماد ارزش‌های انسان‌گرایی غربی است، الگویی برای زنان جهان و حضور آنان در عرصه‌های مختلف معرفی شود.

با توجه به این موضوع در منشور حقوق و مسؤولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران، ذیل مواد قانونی ۱۱۷ تا ۱۲۳، مجموعه قوانین و راهبردهایی برای حضور هر چه موثرتر زنان در عرصه سیاست بین‌الملل معین شده است از جمله؛ حق و مسؤولیت آگاهی از رویدادها و مسائل سیاسی جهان، به‌ویژه جهان اسلام، حق توسعه ارتباط و تبادل اطلاعات سیاسی سازنده بین بانوان ایران و جهان با رعایت مصالح ملی و ضوابط قانونی، حق و مسؤولیت حضور فعال و مؤثر در مجامع اسلامی، منطقه‌ای و بین‌المللی به‌ویژه در زمینه مسائل مربوط به زنان با رعایت ضوابط قانونی، مسؤولیت تلاش جهت تقویت همبستگی در میان زنان مسلمان و حمایت از حقوق زنان و کودکان محروم و مستضعف جهان، حق برخورداری زنان پناهنده به جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت، سلامت و امکان بازگشت آنها به وطن خود، حق برخورداری اتباع زن ایرانی از حمایت‌های دولت در برابر اتباع سایر کشورها در حدود مقررات و معاهدات، حق بهره‌مندی زنان ایرانی از حمایت‌های قانونی درخصوص ازدواج و تشکیل خانواده با مردان غیر ایرانی با رعایت ضوابط.

علاوه بر این، منشور شورای عالی انقلاب فرهنگی (مصوب ۱۳۸۲/۲/۱۶) در خصوص «فعالیت‌های سیاسی بین‌المللی زنان» سیاست‌گذاری‌های راهبردی و اجرایی خاصی را به تصویب رسانده است. در این منشور، اهدافی چون؛ «تبیین دیدگاه اسلام در مورد جایگاه، حقوق و شخصیت زن در نظام اسلامی بر محور عدالت اجتماعی و معرفی الگوی زن مسلمان ایرانی با تکیه بر مواضع اعتقادی و فکری اسلام در سطوح مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی»، «رشد و ارتقای آگاهی‌های علمی و عملی زنان به منظور انجام تعامل مطلوب‌تر در عرصه‌های بین‌المللی»، «گسترش روابط و مناسبات فرهنگی - اجتماعی و سیاسی زنان (دولتی و غیردولتی) با زنان سراسر جهان بر اساس عزت، حکمت و مصلحت»، «ایجاد وحدت رویه و تقویت

هماهنگی دستگاه‌های مؤثر در فعالیت‌های بین‌المللی زنان و بهره‌برداری مناسب از امکانات و زمینه‌های مختلف برای تقویت و توسعه فعالیت‌های بین‌المللی زنان در راستای اصول سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی ایران» مد نظر قرار داشته و با توجه به این اهداف، سیاست‌های اجرایی و راهبردی نیز تعیین شده است. سیاست‌های راهبردی معین شده به شرح ذیل است:

۱. توسعه و تقویت ارتباط و گفتگو با زنان سراسر جهان با تأکید بر زنان پیرو ادیان الهی با زمینه مشترک فکری و فرهنگی برای تصمیم‌سازی و تأثیر در مجامع بین‌المللی؛
۲. تأکید بر نقش و تأثیر مهم تربیتی زن در خانواده و اجتماع و تحول جوامع در طول تاریخ با اشاره به الگوهایی که در قرآن کریم مطرح شده و نمونه‌های عملی در ایران؛
۳. تبلیغ دست‌آوردهای جمهوری اسلامی به منظور رشد علمی و فرهنگی زنان در جامعه ایران و اهمیت نقش آنان در فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی، خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی؛
۴. اهتمام بر ارزش‌های معنوی و فرهنگ‌سازی و حفظ حرمت زن مسلمان در برنامه‌ها و فعالیت‌های بین‌المللی با تأکید بر نقش عفاف و حجاب در روابط اجتماعی زنان؛
۵. تقویت و ارتقاء آگاهی زنان در کلیه امور بین‌المللی آنان با تأکید بر حقوق بین‌الملل و آشنایی با شرایط و فضای مناسبات و روابط در محافل بین‌المللی؛
۶. توسعه و تقویت مشارکت کمی و کیفی نهادهای دولتی و غیردولتی و افزایش حضور آنها در عرصه‌های بین‌المللی با در نظر گرفتن منافع و مصالح جمهوری اسلامی ایران؛
۷. توسعه مطالعات و تحقیقات به منظور ایجاد زمینه‌های مساعد رشد و توسعه فعالیت‌های زنان در عرصه‌های بین‌المللی و شناسایی مشکلات، نارسایی‌ها و موانع موجود؛
۸. اهتمام مجدانه در انعکاس فراگیر و ترویج ارزش‌های اسلامی و شؤون زن مسلمان به منظور مقابله با فرهنگ و تبلیغ بی‌بندوباری؛
۹. تقویت همکاری بین زنان ایران و کشورهای دیگر در حمایت و دفاع از زنان محروم و نیازمند و انجمن‌ها، تشکل‌ها و جمعیت‌های اسلامی زنان مسلمان در دنیا؛
۱۰. تلاش برای ایجاد عرصه‌های جدید و مناسب به منظور به دست گرفتن ابتکار عمل زنان ایران در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی؛

۱۱. ایجاد فرصت‌ها و امکانات لازم در زمینه‌های علمی، فرهنگی و اعتقادی به منظور حضور مؤثر در مجامع بین‌المللی؛

۱۲. تقویت تبادل اطلاعات فرهنگی سازنده بین زنان ایران و جهان از طریق مطبوعات و رسانه‌های گروهی؛

۱۳. استفاده از توانمندی‌های زنان در سطوح مختلف مدیریت امور بین‌الملل و سیاست‌های خارجی نظام اسلامی.

در راستای این سیاست‌های راهبردی، سیاست‌های اجرایی با محوریت و پشتیبانی ارتباطاتی، پژوهشی و فرهنگی طرح ریزی شده است.

۳. حقوق و مسؤولیت‌های زنان در امور دفاعی - نظامی

درباره عضویت و پذیرش مسؤولیت در نیروهای نظامی، ارتش و سپاه پاسداران، اگر چه در قانون اساسی اشاره‌ای به جنسیت نشده، ولی مقررات و قوانین خدمت سربازی یا استخدام در نیروهای مسلح، تصدی زنان را در بسیاری از زمینه‌ها رد می‌کند و حضور آنان را فقط در بخش‌های اداری، درمانی و مراقبت جایز می‌داند. زنان نمی‌توانند مقامی نظامی^۱ را به‌عهده بگیرند. اما برغم اینکه طبق قانون و با در نظر گرفتن شرایط و نقش‌های خاص، برای زنان حق پذیرش مسؤولیت در امور نظامی و دفاعی کشور قرار داده نشده است، اما حق مشارکت در دفاع مشروع از دین و کشور و دفاع از خود و نیز انجام فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی در راستای امور نظامی و اموری از این قبیل تعیین شده است. چنانکه در منشور حقوق و مسؤولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران، ذیل مواد قانونی ۱۲۴ تا ۱۳۰، این حقوق به تفصیل بیان شده است که عبارتند از: «حق و مسؤولیت زنان در دفاع مشروع از دین و کشور و نیز جان، مال و ناموس خود و دیگران»، «حق و مسؤولیت زنان در مشارکت و تلاش برای تأمین و تحکیم صلح عادلانه جهانی»، «حق برخورداری زنان از حمایت‌های لازم به‌منظور حفظ تمامیت جسمانی و جلوگیری از هتک حیثیت و ناموس زنان در دوران جنگ، اسارت و اشغال نظامی»، «حق برخورداری از مصونیت خانه و خانواده از تهاجمات نظامی»، «حق برخورداری خانواده‌های شهدا، جانبازان، رزمندگان و آزادگان از حمایت‌های ویژه نظام اسلامی»، «حق و مسؤولیت مادران در نگهداری، تربیت و اولویت در قیمومت

۱. همچنانکه خواهد آمد، مقام نظامی غیر از مشاغل نظامی است که تصدی آن برای زنان بلامانع است.

فرزندان در صورت شهادت، اسارت و مفقودالثر شدن همسر» و «حق بهره‌مندی از آموزش و تصدی مشاغل انتظامی».

۴- عضویت و فعالیت در تشکل‌ها و سازمان‌های غیر دولتی^۱ و مردم نهاد

شرکت آزادانه زنان و سازماندهی آنان در امر بازسازی ارزش‌ها و شناخت حقوق فرد به بهترین وجهی در قالب سازمان‌های غیردولتی و در سطح جهانی نمود می‌یابد.^۲ طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی و قوانین داخلی دیگر، زنان می‌توانند در شرکت‌ها و سازمان‌های غیردولتی داخلی و بین‌المللی فعالیت نمایند. چنانکه اصل ۲۶ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط بر اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.»

در این زمینه، سازمان‌های غیردولتی می‌توانند در زمینه ارتقاء جایگاه زنان و کمک به مشارکت آنان در عرصه‌های مختلف، یاری رسانند. در ماده ۱۰۲ برنامه چهارم توسعه با رویکرد توسعه جنسیتی و در مسیر توسعه اقتصادی، به توانمندسازی زنان در عرصه‌های مختلف توجه شده و فعالیت‌های مختلف آنان از جمله فعالیت‌های اقتصادی را با توجه به سازوکار تعاونی‌ها تسهیل می‌نماید. همچنین، ماده ۱۱۱ این برنامه نیز به تقویت نقش زنان در جامعه و توسعه فرصت‌ها و گسترش سطح مشارکت آنها در کشور توجه نموده و راهبردهایی را در خصوص این مسأله طرح نموده است که تشکیل و حمایت از سازمان‌های مردم نهاد، می‌تواند یکی از این اقدامات محسوب شود.

در برنامه پنجم توسعه نیز موضوع حمایت از سازمان‌ها و تشکل‌های غیردولتی با توجه به ارزش‌های اسلامی و دینی و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی، مد نظر قرار داده شده است. با در نظر داشتن این رویکرد در ماده ۳ این برنامه، دولت مکلف به انجام حمایت‌های لازم از بخش غیردولتی اعم از حقیقی و حقوقی در برنامه‌های اجرائی دینی، مذهبی، هنری، فرهنگی، آموزشی و علمی، طراحی، تولید، توزیع، انتشار و

۱. سازمان‌های غیر دولتی به تشکل‌های مردمی‌ای اطلاق می‌شود که بدون وابستگی به دولت، توسط مردم به فعالیت‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، آموزشی و خیریه به صورت غیرانتفاعی می‌پردازد.

۲. سعیدی نیا، زهره؛ سازمان‌های غیردولتی زنان، مجله زنان، ۱۳۸۱، شماره ۱۸، ص ۵

صدور خدمات و محصولات فرهنگی، هنری، رسانه‌ای، صنایع دستی و میراث فرهنگی، توسعه تولیدات و فعالیت‌های رسانه‌ای، فرهنگی و هنری دیجیتال و نرم‌افزارهای چند رسانه‌ای و نیز حضور فعال و مؤثر در فضای مجازی و توسعه و راه‌اندازی مؤسسات، هیأت‌ها و تشکلهای فرهنگی، هنری، رسانه‌ای، دینی و قرآنی شده است. این گونه فعالیت‌ها، فعالیت‌های سازمان‌ها و تشکلهای مردم نهاد زنان را نیز شامل می‌شود.

در برنامه پیشنهادی ششم توسعه نیز به منظور توسعه عملکرد و فناوری‌های دولتی به «توسعه و توانمندسازی مشارکت بخش خصوصی و سازمان‌های مردم نهاد در تولید و ارائه خدمات عمومی»^۱ به عنوان راهبرد کلی برای توسعه این‌گونه نهادها توجه شده است که باید تشکلهای مردم نهاد زنان را ذیل این راهبرد دانست. علاوه بر این، برای حمایت از برنامه‌های مرتبط با خانواده به گسترش و تقویت سازمان‌های مردم نهاد توجه و راهکارهایی برای تحقق آن ارائه شده است.^۲ همچنین، به‌طور خاص‌تر نیز به تحقق هدف ارتقاء سرمایه اجتماعی و فرهنگی زنان و خانواده توجه شده و راهبردهایی چون؛ آموزش فرهنگ‌ساز و تسهیل‌گری برای حضور بیشتر زنان فرهیخته در شکل‌گیری و ایجاد تشکلهای مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد زنان و خانواده، حمایت از برنامه‌های تشکلهای مردم نهاد فعال فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی حوزه زنان و خانواده، افزایش توانمندی‌ها و مهارت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد، تقویت فعالیت شبکه‌ای بین تشکلهای سازمان‌های مردم‌نهاد امور زنان و خانواده و نهادهای دولتی در سطوح مختلف استانی، منطقه‌ای و بین‌المللی و توسعه تعاملات بین‌المللی و زمینه‌سازی جهت حضور زنان در مجامع بین‌المللی بیان شده است.^۳

در ماده ۶۶ و ۶۷ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران، حق تشکیل و اداره مراکز و سازمان‌های فرهنگی - هنری توسط زنان به منظور تربیت زنان متعهد و متخصص جهت توسعه فعالیت‌های فرهنگی آنان و حق تبادل اطلاعات و ارتباطات فرهنگی سازنده در ابعاد ملی و بین‌المللی مقرر شده است.

۱ برنامه ششم توسعه کشور، ص ۱۷۱.

۲ همان، ص ۳۰۷.

۳ همان، ص ۳۵۶ و ۳۶۰.

در ماده ۵ منشور سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۷۱/۵/۲۰)، نیز توسعه و تقویت مشارکت کمی و کیفی نهادهای دولتی و غیردولتی و افزایش حضور آنها در عرصه‌های بین‌المللی با در نظر گرفتن منافع و مصالح جمهوری اسلامی ایران، از راهبردهای مؤثر برای حضور و فعالیت زنان در سازمان‌های مردم‌نهاد و غیردولتی دانسته می‌شود.

بخش چهارم:

سخن پایانی

در این نوشتار جایگاه زن و خانواده در مجموعه اسناد بالادستی نظام از جمله قانون اساسی، سند چشم-انداز، برنامه‌های پنج ساله توسعه و قوانین و سیاستگذاری‌های کلی نظام، مبتنی بر سه محور؛ «جایگاه نهاد خانواده و تحکیم آن»، «مشارکت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زنان» و «حمایت از حقوق زنان» بررسی و تحلیل شد.

مجموعه این اسناد برغم توجه خاص به جایگاه زن و خانواده در قانونگذاری‌ها و سیاستگذاری‌ها، دچار کاستی‌ها و ناهماهنگی‌هایی می‌باشند که موجب ضعف و نارسایی این برنامه‌ها شده است. بررسی نقادانه این اسناد، موجب می‌شود تا برنامه‌ریزان کشور در برنامه‌های آتی، کاستی‌های موجود را برطرف نموده، برنامه‌ها و قانونگذاری‌های جامع‌تری را در خصوص مسائل مرتبط با زنان و خانواده طرح‌ریزی نمایند. در این مجال به اختصار اهم نکات کلیدی در این زمینه مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۱- نکات قابل توجه در خصوص خانواده

خانواده از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است که نقش مهمی در حفظ نظم و تعادل نظام اجتماعی دارد. اما در عین حال خود متأثر از تحولات دنیای پیرامونش بوده و این امر، همواره موجب شده که خانواده

اشکال گوناگونی پیدا کند. به تبع این تغییرات در ساختار و شکل آن، نیازها و روابط درونی و بیرونی خانواده تحول یافته و از آن، تعاریف و مفاهیم جدید و گوناگونی را به دست داده است.

آنچه که همواره باید در برنامه‌ریزی‌ها به آن توجه شود، تغییر و تحولاتی است که در درون خانواده و با اثرپذیری از عوامل بیرونی صورت می‌گیرد. علاوه بر اینکه، تحولات ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی و ایجاد ارزش‌های مبتنی بر فرهنگ اسلامی برای جامعه نیز خانواده را بیش از پیش تحت تأثیر قرار داد و نیازها و هدفگذاری‌های خاصی را برای این نهاد مهم اجتماعی بوجود آورد. نگاه واقع‌بینانه به مسائل و معضلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و اخلاقی و شکل‌گیری خرده فرهنگ‌های گوناگون و متأثر از عوامل مختلفی همچون رسانه‌ها، امری ضروری در برنامه‌ریزی‌های مربوط به حوزه مسائل خانواده است. از این-رو، می‌توان اولین گام در برنامه‌ریزی‌های کلان را شناسایی تغییرات و تحولات پدید آمده و عوامل ایجاد کننده این تغییرات در دنیای معاصر و آثار آنها بر کارکردها، نقش‌ها و شکل روابط و مناسبات خانواده دانست. در این میان، می‌توان مؤلفه‌هایی را به عنوان معیارهای بررسی میزان تغییرات و نیز قوانین و سیاستگذاری‌های لازم در این خصوص ارائه نمود که به نظر می‌رسد در این اسناد به آنان توجه جدی نشده است.

نرخ ازدواج و کاهش یا افزایش آن، میزان طلاق و افزایش نرخ آن، نرخ زاد و ولد و فرزندآوری، شیوع مجرد زیستن در جامعه، کاهش و یا افزایش سن ازدواج و نرخ ناهنجاری‌های جنسی، از مهم‌ترین عواملی است که باید همواره در کانون توجه برنامه‌ریزان کشور قرار گیرد که متأسفانه در اسناد بالادستی کشور، سیاستگذاری‌های جدی و مؤثری برای آن ارائه نشده است. مجموعه این مؤلفه‌ها، رابطه مستقیمی با علل و عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دیگر دارند که باید به مجموعه آنها در قانونگذاری‌ها و سیاستگذاری‌ها توجه کارشناسانه و دقیق داشت. در حقیقت عدم وجود مفهومی عملیاتی برای تحکیم نهاد خانواده و شاخص‌های آن در برنامه‌های توسعه، از چالش‌های پیش‌رو در این زمینه است. به عبارت دیگر مشخص نیست برنامه‌نویسان چه مفهومی از تحکیم خانواده را مد نظر داشته‌اند و وقتی از آن سخن می‌گویند از چه شاخص‌هایی صحبت به میان می‌آورند.

موضوع مهم حائز اهمیت دیگر در برنامه‌ریزی‌های مربوط به خانواده، توجه به اعضای خانواده و نقش‌ها و روابط و مناسبات درونی آنان در خانواده است که موجب تحکیم بنیان خانواده و اثربخشی کارکردهای ویژه آن است.

باتوجه به این موضوع، دین مبین اسلام نیز به نقش افراد به‌ویژه زنان در خانواده توجه جدی داشته و راهکارها و تعالیم مهمی را ارائه نموده است. توجه به این موضوع از این جهت مهم است که با تغییرات ایجاد شده، نقش‌های افراد نیز دچار تغییر گردیده و مثلاً موضوع مادران شاغل به یک مسأله مهم تبدیل شده است. به همین دلیل لازم است که در برنامه‌ریزی‌های مختلف، به این تغییرات توجه شده، از اثرات مخرب آن جلوگیری شود تا خانواده بهتر بتواند کارکردهای مهم خود همچون تربیت و جامعه‌پذیری را محقق نماید. همچنین باید به کل اعضای خانواده و رابطه بین آنان و به همسو بودن در گرایش به ارزش‌های دینی و فرهنگی، به هر فردی از اعضای خانواده به‌عنوان رابطه‌ای شبکه‌ای توجه شود و نه یک فرد.

۲- چالش‌های اساسی حوزه زنان

- مباحث حوزه زنان نیازمند مبانی نظری و زیر ساختی است. اگر چه بن مایه‌های فکری و نظام فلسفی آن ملهم از مبانی دینی و اسلامی است، لیکن به دلیل تنوع در برداشت و تفسیر برخی از این مبانی و آموزه‌های دینی، در برخی از دیدگاه‌ها و خط مشی‌ها، اتفاق نظر حاصل نگردیده است. به عنوان مثال موضوع ورزش بانوان بویژه در چشم‌انداز بین‌المللی، در معرض نقد و نظره‌های مختلفی قرار می‌گیرد که عملاً موجب تقلیل، کاهش و یا ضعف برنامه‌ریزی هدفمند می‌گردد.

- ساختارهای موجود حوزه زنان و خانواده به دلایل مختلف، برای انجام وظایف سنگین و متنوع این دو حوزه کلیدی کفایت نمی‌کند. به علاوه، از آنجا که این حوزه، عرصه‌ای بین بخشی و میان‌دستگاهیست، محتاج هماهنگی کافی و وفاق لازم بین حوزه‌ها و دستگاه‌ها و قوای مختلف است که متأسفانه در عمل به دست نیامده است..

- نبود اعتقاد راسخ و اهتمام جدی در سطح مدیران میانی جهت رسیدگی به امور زنان و خانواده، یک چالش جدی در کشور است .

- به رغم پیش رفت‌های قابل ملاحظه در حوزه زنان و خانواده در ساحت عمل، مشکلات عدیده‌ای وجود دارد که نیازمند آسیب‌شناسی است. به این ترتیب شناسایی عوامل فرهنگی دیرپا، ناهماهنگی بین دستگاهی و سایر محدودیت‌ها و کاستی‌ها، راهی را برای برون‌رفت از موانع اجرایی؛ پیش رو خواهد بود.

۳- مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف و احقاق حقوق آنان

چنانکه بیان شد؛ در جهان امروز یکی از مهم‌ترین معیارها جهت سنجش درجه توسعه‌یافتگی یک کشور، میزان اهمیت و اعتباری است که زنان در آن کشور دارا هستند. از اینرو نگاه جهانی برای تحقق توسعه اجتماعی، تسریع فرآیند توسعه اقتصادی و محقق شدن عدالت اجتماعی، به سوی زنان معطوف شده و به زن به عنوان نیروی فعال و سازنده نگریسته می‌شود؛ رویکردی که قطعاً تأثیر بسیاری در روند توسعه و افزایش کمی و کیفی نیروی انسانی جامعه دارد.

اما در این خصوص باید در نظر داشت که این نوع نگاه به زن در جامعه جهانی با توجه به مبانی فکری و فرهنگی غرب، شکل گرفته و در جامعه اسلامی کشور ما نیازمند تبیین مبانی فکری خاص فرهنگ اسلامی-ایرانی است. این مسأله، ضرورت توجه به جایگاه زن و حضور او را در عرصه‌های مختلف اجتماعی با نظر داشتن شرایط مختلف روحی و جسمی و نیز ارزش‌ها و مبانی فکری دینی و اسلامی و مبانی فرهنگی بومی خاطر نشان می‌سازد چرا که غفلت از این مسأله موجب سردرگمی در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و عدم دستیابی به نتیجه مطلوب خواهد شد.

مسائل خانواده و زنان ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر داشته و نمی‌توان هر یک را جدای از دیگری دید لذا، با توجه به اهمیت و اولویت نهاد خانواده در نظام عرفی و تقنینی جمهوری اسلامی ایران، انتظار آن است که سیاست‌های تشویق و تسهیل مشارکت اقتصادی و اجتماعی زنان نیز به‌گونه‌ای طراحی شود که به موضوع تحکیم نهاد خانواده آسیبی وارد نکند.

همچنین در خصوص مشارکت زنان در عرصه‌ها و ساحت‌های مختلف نیز که به پشتوانه اسناد بالادستی ارائه شده است، نیاز اساسی به شاخص‌سازی و تبیین معیارهایی مشخص در خصوص کمیّت و کیفیت این مشارکت بر اساس اسناد اساسی کشور و مبانی فکری و اعتقادی احساس می‌شود. چرا که در این برنامه‌ها و قوانین، شاهد رویکرد حداقلی مشارکتی در برخی از این برنامه و رویکرد حداکثری در برخی از برنامه‌های

توسعه و مشخص نبودن تکلیف دولت‌ها در خصوص نحوه مشارکت زنان و اجرایی شدن راهکارهای پیشنهادی هستیم. به عنوان مثال در برخی از برنامه‌ها، تنها به افزایش سطح سواد عمومی زنان، ارتقاء سلامت آنان و برنامه‌های اوقات فراغت و تربیت بدنی زنان و یا توسعه مشارکت‌های فرهنگی اجتماعی آنان توجه شده و برغم درک ضرورت توجه به مسایل زنان و خانواده و گنجاندن پاره‌ای مباحث در این خصوص، محورهای مهمی نیز مغفول واقع شده است. در این خصوص نیز می‌توان به موارد قانونی‌ای اشاره کرد که در سیاستگذاری‌ها به آن پرداخته شده ولی ماده و راهکار قانونی‌ای برای آن تصویب و ارائه نشده است. به عنوان مثال در برخی از برنامه‌ها، به اشتغال همراه با رشد معنوی، علمی و حرفه‌ای زن اشاره شده، که تنها ذیل ماده واحده سیاستی به آن توجه شده و هیچ معادل قانونی برای اجرای عملیاتی این سیاست در مجموع سیاستگذاری اشتغال زنان دیده نمی‌شود. یا در مورد توسعه مشاغل خانگی زنان، راهکاری اقتصادی برای این موضوع ارائه نشده و موضوعاتی مانند برنامه‌ریزی برای استفاده از محصولات این‌گونه مشاغل، نظارت بر آنها، شناسایی، دسته‌بندی این مشاغل بر اساس نیازمندی‌های کشور و ارائه آنها بر اساس توانمندی‌ها و استعدادهای افراد به‌ویژه زنان مغفول مانده است. این قبیل موارد در موضوعات دیگری چون آموزش و حضور سیاسی نیز مشاهده می‌شود. چنانکه در قالب موارد به بیان اینکه این حضور و مشارکت زنان حق آنان است بسنده شده است.

چنانکه باید به این موضوع نیز توجه داشت که لازمه مشارکت زنان در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، طراحی سیاست‌های حمایتی گسترده و پیچیده‌ای است که علاوه بر کاهش فشار دوگانه حضور بیرون از خانه به مرور در بلند مدت سبب فشار مضاعف بر زنان و کم‌تر شدن حضور آنان در این عرصه‌ها و یا تضعیف نقش‌های دیگر آنان شود. مسائلی که مخاطرات بسیاری برای جامعه ما در پی خواهد داشت. از این‌رو، انتظار می‌رود در برنامه‌ها و قوانین، توجه ویژه‌ای به الزامات مشارکت و حضور زنان و هماهنگ نمودن آن با نقش‌های دیگر و تحکیم نهاد خانواده شود.

علاوه بر این، مقایسه بین شاخص‌های تحقق مشارکت اقتصادی زنان با مشارکت اجتماعی نشان از تحقق موفقیت‌آمیزتر گفتمان مشارکت اجتماعی دارد. آمارها نشان می‌دهند؛ در طول سال‌های اجرای برنامه، زنان در حوزه‌های آموزش و پرورش و تربیت بدنی به موفقیت‌های قابل توجهی دست یافته‌اند و علت این

امر را شاید باید در کم‌تر چالش‌زا بودن مشارکت اجتماعی زنان و عدم وجود مباحث رقیب برای آن در سطح جامعه دانست.

همچنین توجه خاص به حضور زنان در حوزه‌های راهبردی و سیاستگذاری به ویژه در خصوص مسائل پیرامون زنان، از جمله ضروریاتی است که نهاد سیاستگذار از آن غفلت کرده است.

در خصوص «استیفای حقوق قانونی زنان و قوانین حمایتی» در برنامه‌های توسعه که عمدتاً حول دو محور رفع خشونت از زنان، و تأمین امنیت آنها و تسهیل امور حقوقی زنان تجلی یافته است نیز باید گفت؛ برداشتهای متعدد از مفهوم «استیفای حقوق زنان» سبب شده مفهوم عملیاتی از این موضوع در قوانین برنامه توسعه تجلی نیابد؛ امری که نشان می‌دهد قانونگذار تصور روشنی از این مفهوم در ذهن ندارد.

پایان

فهرست منابع:

۱. اداره کل قوانین و مقررات، (۱۳۶۹)، صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مجلس شورای اسلامی، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی، ج ۱-۳
۲. آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۸)، عدالت جنسیتی و اشتغال زنان؛ فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۴۶، سال دوازدهم، (شماره زمستان)
۳. اصول و مبانی روش‌های اجرایی در مسأله گسترش فرهنگ عفاف و حجاب (مصوب چهارصد و سیزدهمین جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۷۶/۱۱/۱۴)
۴. اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن (مصوب ۱۳۸۴/۴/۷)
۵. برناردز، جان (۱۳۹۰)، درآمدی به مطالعات خانواده؛ ترجمه حسین قاضیان، تهران: نشر نی، چاپ سوم
۶. بی‌آزارشیرازی، عبدالکریم (۱۳۹۰)، رساله نوین امام خمینی، آداب و احکام عبادت و خودسازی: حاوی فتاوی حضرت آیه الله العظمی امام خمینی (ره)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۷. تاج مزینانی، علی اکبر (۱۳۹۲)، بررسی سیاست گذاری اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران؛ فصل نامه مطالعات راهبردی زنان، سال ۱۵، شماره ۵۹، بهار
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶)، زن در آئینه جلال و جمال، قم: نشر اسراء، چاپ دوم
۹. حجتی اشرفی، غلامرضا (۱۳۷۴)، مجموعه قوانین اساسی و مدنی، تهران: گنج دانش
۱۰. رایس، فلیپ (۱۳۹۲)، رشد انسان؛ روان‌شناسی رشد از تولد تا مرگ، مهشید فروغان (مترجم)، تهران: ارجمند
۱۱. رستگار خالد، امیر (۱۳۸۵)، خانواده، کار، جنسیت، تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان، چاپ اول
۱۲. روزنامه اطلاعات، ش ۲۱۱۳۱
۱۳. زیبایی‌نژاد، محمدرضا و محمدتقی سبحانی (۱۳۹۰)، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، قم: مرکز نشرهاجر
۱۴. ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، تهران: سروش
۱۵. سازمان برنامه و بودجه، سند برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۳/۶/۱۱، تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی- اجتماعی و انتشارات
۱۶. سالاری فر، محمدرضا (۱۳۸۹)، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
۱۷. سعیدی نیا، زهره (۱۳۸۱)، سازمان‌های غیردولتی زنان، مجله زنان، شماره ۱۸
۱۸. سند برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۹/۱۰/۱۵، تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی- اجتماعی و انتشارات
۱۹. سند پیشنهادی برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۴، تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی- اجتماعی و انتشارات

۲۰. سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در ۱۴۰۴ هجری شمسی
۲۱. سند مهندسی فرهنگی کشور
۲۲. سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه، ابلاغی مقام معظم رهبری
۲۳. سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه، ابلاغی مقام معظم رهبری
۲۴. سیاست‌های بهبود وضع گذران اوقات فراغت زنان و دختران: (مصوب جلسه ۵۱۳ شورای انقلاب فرهنگی مورخ ۸۱/۱۲/۲۰)
۲۵. سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران (مصوب دویست و هشتاد و هشتمین جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۷۱/۵/۲۰)
۲۶. سیاست‌های فعالیت‌های بین‌المللی زنان (مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۸۲/۲/۱۶)
۲۷. سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه ابلاغی مقام معظم رهبری
۲۸. سیاست‌های کلی جمعیت ابلاغی مقام معظم رهبری
۲۹. سیاست‌های کلی خانواده ابلاغی مقام معظم رهبری
۳۰. سید رضی، (۱۳۹۵)، نهج‌البلاغه، تهران: بنیاد نهج البلاغه
۳۱. الشیخ الحر العاملی، محمدبن حسن (۱۳۷۴)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه؛ قم: مؤسسه آل‌البیت (علیهم السلام) لاحیاء التراث
۳۲. طباطبائی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۹۴)، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، ج ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۳۳. طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۰)، المیزان فی تفسیر القرآن؛ بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبائی
۳۴. علاسوند، فریبا (۱۳۹۲)، زن در اسلام، ج ۱ و ۲، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، چاپ سوم
۳۵. قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۴ مجلس شورای اسلامی
۳۶. قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ مجلس شورای اسلامی
۳۷. مجموعه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی (شورای فرهنگی اجتماعی زنان) اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن (مصوب ۱۳۸۴/۴/۷)
۳۸. مطهری، مرتضی (۱۳۶۶)، نظام حقوق زن در اسلام؛ تهران: صدرا
۳۹. مظاهری، حسین (۱۳۶۴)، خانواده در اسلام، قم: شفق
۴۰. منشور حقوق و مسؤولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران (مصوب شورای عالی انقلاب در جلسه شماره ۵۴۶ مورخ ۸۳/۶/۳۱ و مصوب مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی مورخ ۱۳۸۵/۱۱/۱۵)
۴۱. الموسوی الخمینی، روح‌الله (۱۳۷۲)، صحیفه نور، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۴۲. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، اداره کل انتشارات و تبلیغات مجلس.

[Redacted]

[Redacted]

[Redacted]